



پارلمان افغانستان: وظایف و صلاحیت های مندرج قانون اساسی و عملکرد آن بعد از سال ۲۰۰۱

داکتر شمشاد پسرلی و زلمی مالیار



دلو ۱۳۹۷



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
مقاله تحلیلی

پارلمان افغانستان:

وظایف و صلاحیت های مندرج قانون اساسی و عملکرد آن بعد از سال ۲۰۰۱

داکتر شمشاد پسرلی و زلی مالیار

دلو ۱۳۹۷

تمویل کننده: انستیتوت صلح ایالات متحده آمریکا (USIP)

نظریاتی که در این مقاله ابراز گردیده مربوط به نویسندگان می باشد و منعکس کننده نظریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و انستیتوت صلح ایالات متحده نیست.

شماره استاندارد بین المللی کتاب

۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۱-۲۲-۸

مترجم:

زلی مالیار

کد نشریه:

۱۹۰۱ D

© ۱۳۹۷ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

این نشریه میتواند فقط برای اهداف غیر تجارتي و در صورت یادآوری نویسنده و منبع نقل و قول استناد و یا تکثیر گردد. نظریات ذکر شده در این نشریه مربوط به نویسنده میشود و انعکاس دهنده نظریات AREU نمیباشد. تمام حقوق ناشر محفوظ است. هرگاه این نشریه چاپ مجدد، ذخیره و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی (www.areu.org.af) AREU در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در بالا مشخص نگردیده است، باید اجازه قبلی به صورت تحریری از شرکت ناشر، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با ارسال ایمیل به areu@areu.org.af یا با تماس گرفتن با ۱۵ ۳۴ ۲۲۱ ۲۰ (۰) ۹۳+ اخذ گردد.

در باره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تاسیس گردید. هدف این نهاد تحقیقاتی انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد. طبق گزارش دانشگاه پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحیث یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی در آسیای میانه در رده پنجم قرار دارد. این نهاد با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلین به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برنده جایزه بهترین نهاد تحقیقاتی بین المللی سال ۲۰۱۸ مجله پراسپکت بریتانیا (Prospect Magazine) گردیده است.



تمویل کننده اساسی:

نهاد انکشافی بین المللی سویدن (Swedish International Development Cooperation Agency (SIDA)

تمویل کنندگان برنامه ها:

پروژه های مشخص واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۱۸ توسط نهاد های بین المللی ذیل تمویل گردیده است:

European Union (EU), Global Challenges Research Fund (GCRF), United States Institute of Peace (USIP), Norwegian Institute of International Affairs (NUPI), Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO), Overseas Development Institute (ODI-UK), Institute of Development Studies (IDS) and Swiss Agency for Development and Cooperation (SDC), School of Oriental and African Studies (SOAS) and British Council (BC).

همچنان این اداره عضویت شبکه های جهانی ذیل را دارا میباشد:

RESOLVE Network, Global Challenges Research Fund (GCRF), Secure Livelihoods Research Consortium (SLRC), A Conflict Sensitive Unpacking of The EU Comprehensive Approach to Conflict and Crisis Mechanism (EUNPACK), ADB-Asian Think Tanks Network (ATTN) and The Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC).

در باره انستیتوت صلح ایالات متحده (USIP)

انستیتوت صلح ایالات متحده (USIP) با همکاری دولت افغانستان و سازمان های جامعه مدنی برای حل مشکلات ناشی از بی ثباتی با تقویت حاکمیت قانون، مبارزه با افراط گرایی خشونت آمیز، گسترش آموزش صلح و ترویج حکومت داری خوب و مبارزه با فساد تلاش می کند. انستیتوت صلح ایالات متحده همچنین از تحقیقات مرتبط با سیاستگذاری در مورد علل فعلی جنگ در افغانستان پشتیبانی می کند.

در باره نویسندگان

داکتر شمشاد پسرلی استاد فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون هرات در افغانستان است. حوزه تحقیقات علمی وی شامل حقوق اساسی مقایسوی و تاریخ قانون اساسی افغانستان است. دستاوردهای علمی- پژوهشی او در زمینه سیاست های قضایی، مذهب و طراحی، تعدیل و تفسیر قانون اساسی در افغانستان در ژورنال های متعددی از جمله ژورنال بین المللی قانون اساسی، ژورنال آسیایی حقوق تطبیقی، ژورنال بین المللی حقوق بین الملل و ژورنال حقوق بین الملل میشیگان منتشر شده است.

داکتر پسرلی دارای مدرک لیسانس از فاکولته شرعیات پوهنتون کابل، مدرک ماستری و دکترا از فاکولته حقوق پوهنتون واشنگتن (۲۰۱۱-۲۰۱۶) می باشد.

زلی مالیار استاد فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون هرات در افغانستان است. حوزه تحقیقات علمی او شامل حقوق اداری، حقوق اساسی، مطالعات مبارزه با فساد و حقوق بشر می باشد. دستاوردهای علمی- پژوهشی او در مورد اصلاحات اداری، مطالعات مبارزه با فساد در افغانستان، حقوق بشر در افغانستان، نظام انتخابات افغانستان و نظام حکومتی افغانستان در حوزه های مختلف ملی و بین المللی وجود دارد. وی مربی تیم محکمه تمثیلی حقوق رسانه افغانستان که جایز مقام قهرمانی مسابقات خاورمیانه در مصر گردید، بود. آقای مالیار تجربه گسترده ای در زمینه مسایل حاکمیت قانون در افغانستان دارد و به عنوان مربی و مشاور حقوقی با سازمان های مختلف ملی از جمله شورای عالی صلح افغانستان، کمیسیون شکایات انتخاباتی هرات و کلینیک حقوقی پوهنتون هرات همکاری کرده است.

آقای مالیار دارای مدرک لیسانس از فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون هرات است و مدرک ماستری در زمینه توسعه پایدار بین المللی را از فاکولته حقوق پوهنتون واشنگتن (۲۰۱۶-۲۰۱۷) اخذ نموده است.

سپاس‌گزاری

نویسندگان این تحقیق از همه افرادی که سخاوتمندانه وقت خود را برای مصاحبه به این تحقیق اختصاص دادند ابراز سپاس و قدردانی مینمایند. همچنان از خانم صدیقه قاسمی، معاون تحقیقاتی ما که از نقاط مختلف به جمع‌آوری مطالب مربوطه همکاری نموده و برخی مصاحبه‌ها را برای این تحقیق ترتیب داده است، سپاس‌گزاری می‌نماییم. نویسندگان همچنان از تمام کارشناسانی که در جلسات بحث و میزگردهای که پیرامون این مقاله در کنفرانس‌های که توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برگزار شده بود، شرکت کردند، بابت به اشتراک‌گذاری دیدگاه‌های شان، سپاس‌گزاری می‌نمایند. نویسندگان از حمایت و یاری‌رسانی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اظهار تشکر و قدردانی می‌نمایند.

با این حال، هر گونه نقص و اشتباه در مقاله تنها مرتبط به نویسندگان است.

شمشاد پسرلی و زلی مالیار

دلو ۱۳۹۷

پیشگفتار

خوشحالیم که مقاله دوم از مرحله سوم سلسله تحقیقات در مورد قانون اساسی را با همکاری انستیتیوت صلح ایالات متحده ارائه مینماییم. جا دارد از انستیتیوت صلح ایالات متحده برای همکاری سخاوتمندانه مالی شان در این پروژه و نویسندگان این مقاله که سهم بزرگ در انجام این تحقیق داشته اند، قدردانی نماییم.

در مرحله اول، تحقیق در مورد قانون اساسی بر موضوعات کلی اصلاح قانون اساسی متمرکز بود، مانند تفکیک قوا، سیستم های انتخاباتی، حقوق اساسی شهروندان و ده سال قانون اساسی. در مرحله دوم، نویسندگان ما تحقیق را در مورد قانون اساسی ۱۳۸۲، عمدتاً مطالعه تکامل قوه اجراییه و روند بازنگری قضایی در افغانستان گسترش دادند.

در مرحله سوم، ماه قبل، یک مقاله که متمرکز به فصل هشتم قانونی اساسی و مرتبط به نظام اداری میباشد، رونمایی گردید.

این مقاله که بر اساس تحقیقات انجام شده توسط داکتر شمشاد پسری و آقای زلی مالیار، انجام شده است، صلاحیت های مندرج پارلمان افغانستان در قانون اساسی و عملکردهای قانونی آن را در عمل مقایسه می کند.

در این مقاله نویسندگان دریافته اند، در حالی که نویسندگان قانون اساسی سال ۱۳۸۲ قصد داشتند پارلمان دو مجلسه قدرتمند را ایجاد کنند که از مردم افغانستان نمایندگی نموده، قوانین را طرح و تصویب نماید، و بالای قوه اجراییه کنترل داشته باشد، این مقاصد اما طوری که برنامه ریزی شده بود عملی نگردید و پارلمان در تلاش این است که قدرت خود را به عنوان یک شاخه مستقل اما مساوی از دولت تلقی کند.

این مطالعه نشان میدهد که اعضای پارلمان به جای استفاده از صلاحیت های که توسط قانون اساسی برای شان محول شده است که سبب بهبود صلاحیت های نهادی پارلمان به عنوان یک شاخه مهم میگردد، صلاحیت و قدرت خود را صرف منافع شخصی خود نموده و به شیوه هماهنگ عمل نموده اند.

این مطالعه همچنین نشان داده است که پارلمان در ۱۳ سال گذشته در تصویب قانون خیلی موفق عمل نکرده است. در همین حال، بسیاری از قوانین کلیدی از طریق فرمان تقنینی ریاست جمهوری در جریان رخصتی های پارلمان به تصویب رسیده است که این موضوع نقش پارلمان را به عنوان شاخه قانونگذار تضعیف می کند.

با توجه به انتخابات پارلمانی اخیر، یافته های این مقاله به موقع ارائه شده است. نویسندگان توصیه های کوتاه مدت و دراز مدت ارائه می دهند که می تواند به بهبود صلاحیت های مندرج قانون اساسی و عملکرد پارلمان کمک کند. امیدوارم این مقاله به عنوان یک منبع برای کسانی که در هر گونه اصلاحات بالقوه و آینده در حوزه های عملکرد و نظارت پارلمانی و همچنین سیستم انتخاباتی نقش دارند، کمک نماید.

با احترام



داکتر اورخُلا نعمت

رئیس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

فهرست مطالب

| | | |
|----|---|---|
| ا | در باره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان | ۱ |
| ب | در باره انستیتوت صلح ایالات متحده (USIP) | ۱ |
| ج | در باره نویسندگان | ۱ |
| د | سپاس گزارى | ۱ |
| ه | پیشگفتار | ۱ |
| ز | مخففات | ۱ |
| ۱ | خلاصه اجرایی | ۱ |
| ۲ | پیشنهادات | ۱ |
| ۲ | در کوتاه مدت | ۱ |
| ۳ | در دراز مدت | ۱ |
| ۴ | مقدمه | ۱ |
| ۵ | روش تحقیق | ۱ |
| ۵ | اطلاعات اولیه | ۱ |
| ۵ | منابع ثانویه | ۱ |
| ۶ | پیشینه تاریخی: پارلمان در افغانستان | ۱ |
| ۷ | عصر پسا طالبانی: پروسه بن و پیش نویس قانون اساسی سال ۲۰۰۴ | ۱ |
| ۹ | پارلمان در قانون اساسی ۲۰۰۴ افغانستان | ۱ |
| ۹ | انتخابات پارلمانی | ۱ |
| ۱۲ | سازماندهی پارلمان افغانستان | ۱ |
| ۱۲ | هیئت اداری | ۱ |
| ۱۲ | کمیسیون های پارلمانی | ۱ |
| ۱۴ | گروه های پارلمانی | ۱ |
| ۱۷ | وظایف و صلاحیت های پارلمان در قانون اساسی ۲۰۰۴ | ۱ |
| ۲۰ | وظایف و صلاحیت های پارلمان در عمل: ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۸ | ۱ |
| ۲۰ | صلاحیت های قانونگذاری پارلمان در عمل | ۱ |
| ۲۲ | صلاحیت های نظارت پارلمان در عمل | ۱ |
| ۲۴ | وظیفه نمایندگی پارلمان | ۱ |
| ۲۵ | چالش های پارلمان افغانستان | ۱ |
| ۲۵ | سیستم انتخاباتی نا مناسب و یک پارلمان به شدت منقسم | ۱ |
| ۲۷ | چارچوب قانونی نامعین درمورد وظایف و صلاحیت های پارلمان | ۱ |
| ۲۷ | نظارت | ۱ |
| ۲۷ | تمدید دوره ی کاری | ۱ |
| ۲۸ | عدم حساب دهی اعضای پارلمان به موکلین شان | ۱ |
| ۲۹ | روابط پارلمان و قوه مجریه | ۱ |
| ۳۱ | نتیجه گیری | ۱ |
| ۳۲ | پیشنهادات | ۱ |
| ۳۲ | در ارتباط با پارلمان به عنوان یک قوه مستقل و مساوی حکومت | ۱ |
| ۳۲ | در ارتباط با وظایف قانونگذاری پارلمان | ۱ |
| ۳۴ | در ارتباط با وظایف نظارتی پارلمان | ۱ |
| ۳۵ | ضمیمه ۱: کمیسیون های داخلی ولسی جرگه و مشرانو جرگه | ۱ |
| ۳۷ | ضمیمه ۲: ترکیب سطح دانش اعضای ولسی جرگه | ۱ |
| ۳۸ | منبع: | ۱ |

مخففات

| | |
|------------------------------------|-------|
| کمیسیون تسوید قانون اساسی | CDC |
| کمیسیون تدقیق قانون اساسی | CRC |
| لویه جرگه قانون اساسی | CLJ |
| کمیسیون مستقل انتخابات | IEC |
| کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی | IECC |
| کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی | ICSC |
| اصول داخلی ولسی جرگه | IRPWJ |
| مصاحبه شونندگان کلیدی | KEI |
| مشرانو جرگه (مجلس سنا) | MJ |
| قانون رسانه های همگانی | MML |
| اصول داخلی مشرانو جرگه | MJRIP |
| تذکره های هویتی الکترونیک | NEIC |
| نماینده تناسبی | PR |
| اداره ملی رادیو تلویزیون افغانستان | RTA |
| رای واحد غیر قابل انتقال | SNTV |
| نماینده محله های کوچک | SMD |
| ولسی جرگه (مجلس نمایندگان) | WJ |

خلاصه اجرایی

قوه مقننه یا پارلمان ها به عنوان بالاترین نهاد قانون ساز در یک کشور که مطالبات ملت خود را انعکاس می دهند ایجاد می شود. آن ها با انجام سه وظیفه ی اساسی نقش مهمی را در حیات ملت خود بازی می کنند: ۱: وضع، تعدیل و لغو قوانین ۲: نمایندگی از خواست و دیدگاه مردم در تمام انواع پروسه های تصمیم گیری و ۳: بررسی از عملکرد قوه مجریه برای تضمین حساب دهمی آن به مردم. انجام موفقانه ی این سه کارکرد اساسی مستلزم داشتن یک ارگان موثر، کارآمد و قوی می باشد. مواد واضح قانون اساسی مشخص کننده قدرت و صلاحیت های پارلمان، موجودیت یک فرهنگ برای احزاب سیاسی نهادینه شده، سیستم مناسب برای انتخاب اعضای پارلمان، صریح سازی طرز العمل کاری پارلمان و شیوه عملکرد آن و روابط سازنده بین پارلمان و قوه ی مجریه نقش ارزنده ی در تاسیس و تداوم یک پارلمان پایدار و موثر بازی میکند. در عدم موجودیت این شرایط پارلمان در میزان پایین تر از انتظارات مردم عمل نموده و در نظارت عملکرد قوه مجریه موثر نخواهد بود. همچنان این دیدگاه وجود دارد که پارلمان در نبود شرایط مطبوع همبستگی اجتماعی، نبود انضباط و فشارهای ثابت از طرف حکومت در اجرای عملکرد موثرانه ناکام می ماند.

براین اساس دورنمای داشتن یک پارلمان موفق و موثر در افغانستان نوید بخش به نظر نمی رسد. افغانستان در داشتن دولتمردانی که کنترل بر قدرت خویش را بر نمی تابیدند، سابقه طولانی دارد. مفهوم تفکیک قوا و تاسیس یک پارلمان ملی مستقل در آغاز قرن بیستم در قانون اساسی افغانستان و پروسه توسعه ی سیاسی داخل گردید. نظریه تاسیس پارلمان ملی توسط طراحان اولین قانون اساسی نوشته در سال ۱۹۲۳ بحث گردید اما منجر به تاسیس رسمی پارلمان نشد. در حقیقت این قانون اساسی سال ۱۹۶۴ بود که به طور واضح قوای مجریه، مقننه و قضائیه را از هم تفکیک و برای اولین بار در تاریخ افغانستان پارلمانی که اعضای آن توسط مردم انتخاب می گردید را تاسیس نمود. اما تجربه ی افغانستان با این نهاد به دلیل نبود شرایط مناسب برای رشد پارلمان و قرار داشتن آن تحت فشارهای ثابت سران دولت، عمر کوتاهی داشت. از سال ۱۹۷۳ زمانی که نظم مبتنی بر قانون اساسی ۱۹۶۴ سرنگون گردید- الی سال ۲۰۰۴ هنگامی که قانون اساسی فعلی وضع گردید، افغانستان جنگ های داخلی شدید و یک سلسله تغییراتی در نوع سیستم سیاسی خود تجربه نمود که هیچ کدام قادر به تاسیس یک پارلمان موثر نشدند. ۱

طراحان قانون اساسی سال ۲۰۰۴ تصمیم بر ایجاد یک پارلمان قوی گرفته و میکانیزم های بیشتری نسبت به قوانین اساسی قبلی کشور برای آن مد نظر گرفتند. آنها پارلمان دو اتاقه را تعریف و در ساحه ی قدرت قانون گذاری و نظارت بر دولت برای آن اختیاراتی تفویض نمودند. این قانون طوری طراحی گردیده که برای پارلمان دو اتاقه نقش مهمی را در راستای نمایندگی از اتباع، ساختن قوانین مورد نیاز و کنترل بر افزایش بی رویه قدرت قوه مجریه اعطا می کند. طراحان قانون اساسی امیدوار بودند که پارلمان مجهز با این صلاحیت ها، موثرتر واقع شده و نقش سازنده در انجام وظایف قانونی خویش بازی کند.

اما نتایج این تحقیق حاکی از آن است که پارلمان کمتر از چیزی که در سال «۲۰۰۴» انتظار می رفت، در هر سه عرصه فعالیت های ضعیفی را انجام داده است. به نظر می رسد که پارلمان تلاش نموده تا به عنوان یک نهاد مستقل و مساوی با حکومت ابراز وجود نماید. پارلمان قدرتش را در جهتی که می توانست قابلیت های سازمانی آن را انکشاف دهد استفاده نکرده است. به جای آن به نظر می رسد که اعضای پارلمان اکثراً از صلاحیت های شان (به طور مثال حق پارلمان در استیضاح و عزل وزرا) برای تامین منافع شخصی، قومی، مذهبی و سمتی شان استفاده نموده اند. پارلمان ظاهراً در دو دور گذشته در قالب یک اسلوب منظم عمل نموده و به عنوان یک ارگان غیر منسجم بروز نموده است. علاوه، حکومت در اکثر مواقع پارلمان را نادیده گرفته و در اندک مواقع به تصامیم پارلمان عمل نموده و در عوض به هر طریق ممکن تلاش نموده تا قدرت پارلمان را کاهش دهد.

به همین نحو، پارلمان در قسمت وظیفه ی قانون گذاری خود نیز موفقیت اندکی داشته است. در طول ۱۳ سال گذشته، پارلمان تنها ۵ قانون را به ابتکار خودش وضع نموده است. بر اساس یافته های این تحقیق، قانون اساسی «۲۰۰۴» مواردی را در بر دارد که نقش پارلمان را به عنوان تنها ارگان قانون گذار کشور بیان می کند. به عنوان مثال قانون اساسی حق طرح و وضع مقررات را به حکومت اعطا نموده است. این مقررات طبعاً مستلزم تصویب پارلمان نمی باشد. به همین صورت قانون اساسی به رئیس جمهور حق وضع قوانین در قالب فرامین تقنینی در جریان رخصتی پارلمان داده است. قانون اساسی مقرر می دارد که این فرامین باید به تصویب پارلمان برسد اما شواهد نشان داده است که اکثر این فرامین برای تصویب به پارلمان ارجاع داده نشده است.

پیشنهادات

تجربه قانون اساسی در طول ۱۴ سال گذشته نکات ضعف آن را متبازر ساخته و حوزه های که ضرورت به توجه جدی و تعديلات دارند را برجسته نموده است. یکی از حوزه های که لازم است تا در اجندای رفورم یا اصلاح سازی قانون اساسی جای بگیرد، وظایف و صلاحیت های پارلمان است. بنا افغانستان باید گام های ذیل را برای تحکیم تعهدات پارلمانی مندرج در قانون اساسی و رشد عملکرد پارلمان بردارد:

در کوتاه مدت

تقویت نهاد های انتخاباتی افغانستان

سیستم ناقص موجود برای انتخابات اعضای پارلمان و حل اختلافات انتخاباتی در افغانستان همیشه منجر به بحران های سیاسی شده است. اختلافات ناشی از انتخابات در این کشور معمولاً از طریق میکانیزم های قضایی یا سیاسی بدون مشارکت نهاد های انتخاباتی افغانستان، کمیسیون مستقل انتخابات و یا کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی حل می گردند.^۱ افغانستان نمی تواند انتخابات دموکراتیک موفقی را با نهادهای انتخاباتی ضعیف به انجام رساند. یک سیستم شفاف برای انتخاب اعضای کمیسیون مستقل انتخابات، تقویت یکپارچگی کمیسیون مستقل انتخابات و قوانین واضح تر که وظایف و سازماندهی کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی را تعیین می کند، ممکن است به تقویت این دو نهاد کمک کند. انتخابات اخیر پارلمانی افغانستان در اکتوبر ۲۰۱۸ مشکلات موجود در این دو نهاد را برجسته ساخته و گویای این امر بود تا زمانی که نهاد های انتخاباتی اصلاح نگردد، افغانستان قادر به برگزاری انتخابات موفقیت آمیز و شفاف نخواهد بود.

تغییر سیستم رای واحد غیر قابل انتقال (SNTV)

این تحقیق نشان می دهد که پارلمان تحت قانون اساسی سال ۱۳۸۲ بعنوان یک ارگان پراکنده و نامنسجم شکل گرفته است. این نهاد به دلیل موجودیت سیستم رای واحد غیر قابل انتقال که برای انتخاب اعضای پارلمان استفاده می شود، نتوانسته است تا در برابر مداخله قوه ی مجریه هماهنگ و منسجم عمل کند. بنابراین، دولت افغانستان باید به جای سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال سیستمی را انتخاب کند که هماهنگی و انسجام را در پارلمان بهبود بخشد. اکثر کارشناسان خاطر نشان می کنند که باید از یک سیستم نمایندگی تناسبی یا یک سیستم اکثریتی نیسی به شمول نماینده های مستقل، نمایندگی از مناطق کوچکتر مثل تقسیم کرسی به ولسوالی ها، استفاده کرد.

وضع قانون نظارت پارلمانی

قانون اساسی سال ۲۰۰۴ بیش از قوانین قبلی، صلاحیت های فراوان را به پارلمان اعطا کرده است، اما این نهاد از این صلاحیت های موجود استفاده موثری به عمل نیاورده است. پارلمان باید از صلاحیت های نظارتی خود استفاده های بیشتر و سیستماتیک تری انجام دهد، خصوصاً در زمینه عزل و نصب وزرای کابینه. در این راستا باید یک قانون تصویب شود که به وضوح مشخص کند چه زمانی و چگونه پارلمان از مکانیزم نظارت (احضار، استیضاح و رای عدم اعتماد) استفاده نماید. ضرورت است تا این قانون بیشتر به نتایج و پیامدهای رای عدم اعتماد پردازد.

تشویق برای تشکیل گروه های پارلمانی منضبط

سیستم SNTV که برای انتخاب اعضای ولسی جرگه در افغانستان مورد استفاده قرار می گیرد، در تشویق احزاب سیاسی برای اشتراک در انتخابات ناکارآمد بوده است و منجر به تشکیل پارلمان شدیداً چند پارچه و پراکنده شده است. بنابراین، ولسی جرگه در طول دو دور گذشته قادر به عملکرد یکپارچه نگردیده و هرگز به عنوان یک واحد سیاسی منظم ظاهر نشده است. ایجاد گروه های پارلمانی ممکن است جایگزین مناسب در این زمینه باشد. پارلمان باید اقدامات جدی و مشخصی را انجام دهد تا گروه های پارلمانی را نه بر محور افراد قدرتمند بلکه در راستای ایدئولوژی ها و دیدگاه های خاص تشکیل دهد. این امر ممکن است به طور واضح انسجام در پارلمان را بهبود بخشیده و به آن کمک کند تا به نحوی هماهنگ برای نظارت بر قوه مجریه اقدام کند.

۱ به عنوان مثال، بحران ناشی از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ از طرق قضایی حل شد. در واقع، رئیس جمهور کرسی یک دادگاه ویژه ای را تصویب کرد که ظاهراً بحران را حل می کرد. به همین ترتیب، اخیراً آشفتگی های سیاسی در افغانستان که پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۴ ایجاد گردید، از طریق توافقنامه ویژه ای میان دو طرف، اشرف غنی و عبدالله، حل و فصل شد. در حل این اختلافات، نهادهای انتخاباتی افغانستان به انزوا رفته و هیچ نقشی نداشتند.

در دراز مدت

تعدیل قانون اساسی سال ۲۰۰۴ و تعریف وظایف پارلمان مبتنی بر قانون اساسی

قانون اساسی ۲۰۰۴ شامل مقرراتی است که به طور قابل توجهی وظایف قانونگذاری پارلمان را تحت شعاع قرار می دهد؛ به عنوان مثال، وضع قوانین از طریق فرامین تقنینی ریاست جمهوری، صلاحیت حکومت برای تنظیم مقررات بدون دخالت پارلمان. بدون تحدید اختیارات قانونگذاری قوه ی مجریه، صلاحیت های تقنینی پارلمان همچنان محدود خواهد بود. به همین ترتیب، زمان اتمام دور ۵ ساله ی پارلمان در قانون اساسی مبهم است. این ابهام در واقع باعث ایجاد بحران عظیم قانون اساسی در سال ۲۰۱۵ شد. زمانی که دور کاری پنج ساله ی پارلمان به پایان رسید، حکومت موفق به برگزاری انتخابات برای جایگزینی پارلمان موجود نشد. بنابراین، لازم است تا قانون اساسی تعدیل گردید و به طور واضح صلاحیت های قانونگذاری پارلمان را مشخص کند و مهمتر از آن، دوره ی کاری پارلمان را تنظیم نماید.

ایجاد یک مکانیزم حل اختلاف قوای مجریه- مقننه

یکی از موضوعات فراموش شده در قانون اساسی افغانستان، فقدان مکانیزم واضح برای حل اختلافات بین قوای مجریه و مقننه است. ستره محکمه افغانستان چند مرتبه برای حل و فصل اختلافات سیاسی تلاش کرد، اما صلاحیت ستره محکمه برای انجام این کار به شدت به چالش کشیده شد و این نهاد دیگر به مداخله در چنین اختلافاتی اقدام نکرد. بنابراین، افغانستان نیاز به یک نهاد دارد که بتواند اختلافات سیاسی میان پارلمان و قوه ی مجریه را حل کند. به نظر می رسد که در میان نخبگان سیاسی افغانستان اتفاق نظر برای تعدیل قانون اساسی و ایجاد محکمه قانون اساسی به منظور حل اختلافات سیاسی بین قوه ی مجریه و پارلمان در حال افزایش است. اگر چه ایجاد چنین محکمه قانون اساسی نیازمند تعدیلات بیشتری در قانون اساسی است، اما این امر توصیه مؤثری به نظر می رسد.

مقدمه

افغانستان دارای تاریخچه ای طولانی از رهبران قوی می باشد. حاکمان افغانستان ایده تفکیک قوا را تا اواسط قرن بیستم نپذیرفتند. گرچند برای اولین بار در تاریخ کشور، طراحان قانون اساسی ۱۹۶۴ بین قوای مجریه، تقنینیه و قضاییه تفکیک نموده بودند، اما در عمل، تا زمان تصویب قانون اساسی سال ۲۰۰۴، تفکیک واقعی قوا به طور کامل مشاهده نشد. قانون اساسی ۲۰۰۴، مکانیزم های بیشتری را برای نظارت پارلمان بر قوه ی اجراییه در نظر گرفته و پارلمان دوگانه ای قدرتمند را ایجاد می کند و برای آن صلاحیت های قانونی را افزایش داده است. قانون اساسی سال ۲۰۰۴ به نحوی طراحی شده است که پارلمان نقش مهمی را در نمایندگی از شهروندان افغانستان، ایجاد قوانین مورد نیاز و کنترل بر افزایش بی رویه قدرت قوه ی مجریه داشته باشد.

با این وجود، شواهد حاکی از آن است که در جریان دهه ی گذشته اگر چه قانون اساسی در صلاحیت های قانونی و نظارتی پارلمان توسعه ی قابل توجهی ایجاد نموده است و پارلمان تلاش کرده است که به عنوان یک نهاد منسجم ظاهر شود، اما در قالب یک اسلوب منظم برای انجام وظایف مندرج قانون اساسی خود موفق عمل نکرده است. قوه ی مجریه نیز با بی توجهی به تصمیمات پارلمان و استفاده بیش از حد از اختیارات قانونگذاری اش، نقش قوی در کاهش قدرت قانونگذاری پارلمان ایفا کرده است. در نتیجه، میتوان گفت که رابطه بین این دو قوه سازنده نبوده است.

این مقاله نتایج تحقیقات تجربی را در رابطه به سه پرسش اساسی درباره پارلمان فعلی افغانستان ارائه می دهد: (۱) کدام صلاحیت ها را قانون اساسی سال ۲۰۰۴ افغانستان در حیطه ی صلاحیت پارلمان دو اتاقه کشور افزایش داده است؟ (۲) چگونه پارلمان افغانستان در یک و نیم دهه گذشته توانسته است از صلاحیت های مندرج قانون اساسی بهره مند شود و انتظارات طراحان قانون اساسی را بر آورده کند؟ و (۳) کدام اقدامات برای بهبود چشم انداز یک پارلمان مؤثر در افغانستان می تواند صورت گیرد؟ یافته های این تحقیق نشان می دهد که براساس قانون اساسی ۲۰۰۴ پارلمان علیرغم صلاحیت وسیع، کمتر از آنچه که انتظار می رفت، انجام داده است.

سیاست های قومی، سیستم انتخاباتی نامطلوب برای انتخاب اعضای پارلمان (سیستم رای واحد غیر قابل انتقال)، نبود احزاب سیاسی و تشکیلات پارلمانی سازمان یافته، پراکندگی در پارلمان، دخالت قوه ی اجراییه در امور پارلمان، ناتوانی فردی و سازمانی، فقدان پاسخگویی عمومی بر چگونگی اعمال آرای اعضای پارلمان، دلایل اصلی بوده اند که عملکرد پارلمان را در دو دور گذشته تحت تاثیر قرار داده اند.

پارلمان عمدتاً به اعمال صلاحیت های که منافع فردی نمایندگان پارلمان را برآورده سازد، می پردازد تا به عنوان ظرفیت نهادی پارلمان به عنوان یک شاخه مستقل و مساوی با حکومت. برخی از مهمترین توانایی ها و وظایف پارلمان (برای مثال، ایجاد کمیسیون ویژه ای برای بررسی اقدامات حکومت) که پویایی عملکرد های نظارتی پارلمان را در پی دارد، تا به امروز یا مورد استفاده قرار نگرفته است و یا به نحوی غیرموثر استفاده شده اند. چارچوب قانونی مبهم در مورد صلاحیت ها و وظایف پارلمان، سیستم انتخابات نامناسب، سیاست های فرد محور، میزان سواد پایین، عدم وجود یک مکانیزم موثر برای حساب دهی نمایندگان پارلمان برای موکلان شان، به عنوان عوامل کلیدی می باشد که مانع توانایی پارلمان در استفاده از برخی از صلاحیت های نظارتی مهم مندرج در قانون اساسی سال ۲۰۰۴ شده است.

این مقاله ابتدا به طور مختصر تاریخ پارلمان ها را در افغانستان در چارچوب قانون اساسی و سیاست های رقابتی بررسی می کند. سپس توضیح می دهد که اقدامات پارلمانی چگونه طی تقریباً یک و نیم دهه بدون احزاب سیاسی سازمان یافته و گروه های پارلمانی شکل گرفته، سیاست های پارلمانی را طبق قانون اساسی ۲۰۰۴ هدایت نموده و نیز چگونه باعث تقویت یا تضعیف عملکرد پارلمان شده است. این مقاله به طور خاص بر صلاحیت های پارلمان در قانون اساسی ۲۰۰۴ تمرکز دارد و اینکه چگونه پارلمان این صلاحیت ها را در عمل اجرا می کند. سپس، مقاله به بررسی وضعیت ناشی از رابطه قوای مجریه و مقننه و نحوه تاثیر آن بر عملکرد پارلمان می پردازد. در اخیر، این مقاله در مورد آینده سیاست های پارلمانی در افغانستان، از جمله سوال بزرگ در مورد اینکه آیا پایان دور پارلمان در ۱۵ جون ۲۰۱۵ و عدم برگزاری انتخابات پارلمانی الی اکتبر سال ۲۰۱۸ بر عملکرد پارلمان تاثیر گذار بوده است یا خیر. در این زمینه، این تحقیق مکانیزم های لازم برای یک پارلمان مجرب و تفکیک واقع بینانه قوا در افغانستان را توصیه می کند. تغییر نظام انتخاباتی و رشد احزاب سیاسی ممکن است اقداماتی مفید باشند که افغانستان باید برای پویایی عملکرد پارلمان انجام دهد.

روش تحقیق

این پژوهش به دنبال بررسی منابع اولیه و ثانویه برای بررسی صلاحیت و وظایف پارلمان افغانستان مندرج قانون اساسی و نحوه اعمال آن‌ها در یک و نیم دهه گذشته بوده و برای روشن شدن این سوالات، ابتدا این مقاله به بررسی جامع پیشینه‌ی تحقیق در میان منابع ثانویه پرداخته سپس منابع دست اول از طریق مصاحبه با کارشناسان جمع‌آوری گردیده است.

اطلاعات اولیه

برای این تحقیق داده‌های اولیه مربوط به فرایند طرح قانون اساسی ۲۰۰۲-۲۰۰۴ جمع‌آوری شده است. در مجموع ۲۱ مصاحبه با طراحان قانون اساسی سال ۲۰۰۴، اعضای جاری و پیشین پارلمان، تحلیلگران سیاسی و اعضای جامعه مدنی درباره پارلمان افغانستان و عملکرد آن، انجام شده است. برای انجام مصاحبه‌ها، هریک از متخصصان بر اساس تجربه و دانش آنها درمورد پارلمان افغانستان و صلاحیت‌های مندرج قانون اساسی انتخاب شدند. هر متخصص پارلمان افغانستان به عنوان طراح قانون اساسی، عضو پارلمان و یا ناظر پارلمان در طی دو دور گذشته، با پارلمان و نمایندگان افغانستان ارتباط نزدیکی داشته است. علاوه بر مصاحبه با متخصصین، مواد اولیه آرشیف شده در فرآیند وضع قانون اساسی ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۴، که در مرکزمعلوماتی افغانستان در پوهنتون کابل نیز موجود است، مورد بررسی قرار گرفته است. اکثر مواد آرشیف به زبان دری و پشتو هستند، در حالی که تعداد کمی از آنها به زبان انگلیسی هستند. مواد آرشیف شامل پیش نویس قانون اساسی، سابقه بحث‌ها در هر جلسه کمیسیون پیش نویس قانون اساسی، گزارش کمیته‌های مختلف کمیسیون بازنگری قانون اساسی، گزارش از گروه‌های کاری لویه جرگه قانون اساسی، گزارش کمیته هماهنگی CLJ و سوابق نظرات متخصصین در پیش نویس قانون اساسی ۲۰۰۴ می‌باشند. این مواد اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار، قدرت و وظایف پارلمان در زمان طرح قانون اساسی ۲۰۰۴ ارائه داده‌اند.

منابع ثانویه

این منابع شامل مطالبی که به زبانهای رسمی افغانستان (دری و پشتو) و زبان انگلیسی توسط دانشمندان افغان و غربی نوشته شده است می‌گردد. منابع ثانویه شامل گزارش‌های قبلی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، گزارش‌های دیگر تهیه شده توسط سازمان‌های ملی و بین‌المللی، کتب، مقالات مجلات، منابع آنلاین و مقالات روزنامه‌ای می‌باشد.

پیشینه تاریخی: پارلمان در افغانستان

ایده یک پارلمان ملی مستقل در افغانستان به حاکمیت امیر امان الله خان و قانون اساسی ۱۹۲۳ بر می‌گردد.^۲ ایجاد یک پارلمان ملی یکی از خواسته‌های اصلی جنبش مشروطه بود که برای محدود کردن قدرت پادشاه در دهه قبل از تصویب قانون اساسی ۱۹۲۳ مبارزه می‌نمودند.^۳ هنگامی که امیر امان الله خان در سال ۱۹۱۹ به قدرت رسید، مشروطه خواهان افغان او را قانع کردند که پارلمانی را تاسیس کند که یک سری قوانین را وضع و حکومت را مکلف به احترام گذاشتن به این قوانین نماید.^۴ پادشاه امان الله خان و حامیان مشروطه خواه او در واقع پارلمان ملی را با صلاحیت‌های قانونگذاری به عنوان «تنها مکان مقدس که در آن اراده ی ملت ظهور پیدا می‌کند»^۵ در نظر داشتند. امان الله خان در قانون اساسی ۱۹۲۹ در حقیقت چنین پارلمانی را ایجاد نکرد و تنها با ایجاد شورای حکومت با صلاحیت‌های قانونگذاری بسنده نموده و امیدوار بود که پارلمان در آینده تاسیس گردد؛ اما این آرزو به دلیل عزل امان الله خان از قدرت در سال ۱۹۲۹ هیچگاه تحقق نیافت.

جانشین امان الله خان (محمد نادر شاه)، نیز معتقد بود که پارلمان ملی باید ایجاد شود و تشکیل آن نباید به تعویق بیفتد.^۷ با این حال، نادر شاه پارلمان را به نهادی نه برای نمایندگی از مردم عام بلکه مکانی برای گردهمایی رهبران قبایل و کسانی که برای به قدرت رسیدن او تلاش کردند در نظر داشت که کارکرد آن برای راهنمایی پادشاه در سیاست‌های حکومتی است و نه محدود کردن قدرت پادشاه. نادر شاه ابتدا با تصویب قانون اساسی جدید در سال ۱۹۳۱ اقدام به ایجاد یک پارلمان اولیه نمود. قانون اساسی ۱۹۳۱ یک پارلمان دو اتاقه را مرکب از یک مجلس اعیان و یک مجلس عوام تاسیس نمود.^۸ پارلمان قانون اساسی ۱۹۳۱ یک نهاد نمادین بود که توسط بزرگان قبایل و افرادی که به پادشاه وفادار بودند، پیش برده می‌شد. قانون اساسی بین قوای مجریه و مقننه تفکیک نکرده بود. خانواده سلطنتی پادشاه محمد ظاهر (که در سال ۱۹۳۳ جانشین پدرش نادر شاه گردید) در واقع تمام قدرت حکومت را به عهده داشتند.^۹ در دهه ۱۹۵۰ اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور که شهروندان عادی را مجاز به انتخاب اعضا می‌نمود، منجر به تشکیل پارلمانی نسبتاً «لیبرال» شد که تهدیدی برای حکومت خودکامه سلطنتی خانوادگی بود.^{۱۰} با این حال، در جریان بیش از سه دهه که قانون اساسی از سال ۱۹۳۱ نافذ گردیده بود، پارلمان به صورت منفعل به تصویب قوانین تنزیل یافته و به سادگی نادیده گرفته می‌شد.^{۱۱}

این وضع تا زمان تصویب قانون اساسی ۱۹۶۴ که قوه‌های مجریه و مقننه را از هم تفکیک نموده و یک پارلمان مستقل را تاسیس نمود، ادامه داشت.^{۱۲} همانند قانون اساسی سال ۱۹۳۱، قانون اساسی ۱۹۶۴ یک پارلمان دو اتاقه را ایجاد نموده و به آن قدرت تصویب قوانین و نظارت بر اقدامات حکومت را اعطا نمود.^{۱۳} پارلمان صلاحیت تأیید انتصاب وزرای حکومت و عزل آن‌ها در صورت عملکرد نامطلوب حکومت، به دست آورد. اما تجربه افغانستان با دموکراسی پارلمانی کوتاه مدت بود. به دلیل فقدان احزاب سیاسی، پایین بودن میزان مشارکت در انتخابات پارلمانی، کنترل شدید حکومت بر روند انتخابات و نتایج آن، میزان بالای بی‌سوادی و سطح پایین توسعه در کشور و فقدان طبقه متوسط لیبرال در کشور، عمده‌ترین دلایل شکست دموکراسی پارلمانی محسوب گردیده است.^{۱۴} علاوه بر این، از اینکه تشکیل احزاب سیاسی قانونی نبود، افغانستان فاقد میکانیزم درست برای نهادینه کردن دموکراسی بود و پارلمان نمیتوانست به صورت منسجم برای نظارت بر فعالیت قوه‌ی مجریه عمل کند.^{۱۵} به همین ترتیب، ارتباط مفید بین قوه مقننه و مجریه وجود نداشت که بتواند منجر به یک رابطه سازنده میان این دو قوه

۲ ماروین ج. واینوم، «افغانستان: دموکراسی پارلمانی غیر حزبی»، مجله مناطق در حال توسعه ۷، شماره ۱ (۱۹۷۲): ۵۷-۷۴، ۵۸.

۳ برای اطلاعات بیشتر در مورد جنبش مشروطه خواهی، مراجعه کنید به عبدالحی حبیبی، جنبش مشروطه خواهی در افغانستان (۱۳۸۷) [۱۹۹۹].

۴ امین طرزی، «اسلام و مشروطه خواهی در افغانستان»، مجله مطالعات پارسی ۵ (۲۰۱۲)، ۲۰۵-۲۳۳-۲۰۷، ۲۱۱.

۵ لودویگ و. آدمیک، «روابط مصر با افغانستان»، دایره المعارف ایرانیکا VIII / ۱۹۹۸، قابل دسترس در: <http://www.iranicaonline.org/articles/egypt-x> در تاریخ ۱۱ جولای ۲۰۱۸

۶ اصولنامه ی دولت علیه ی افغانستان [قانون اساسی افغانستان] ۱۹۲ (سال ۱۳۰۱)، مواد ۲۷ تا ۳۹.

۷ در ماه ژوئیه سال ۱۹۳۱، نادر شاه با شورای مشورتی دیدار نموده و بیان داشت که: «اگر چه ملت تاکنون هیچ تمایلی برای [پارلمان]، نداشته است. . . من . . . همچنان یک شورای ملی را به عنوان اساس رفاه و یک ابزار ویژه برای رفورم کشور ایجاد خواهیم کرد. «مراجعه کنید به واینوم، «افغانستان: دموکراسی پارلمانی غیر حزبی»، ۵۸.

۸ اصولنامه ی دولت علیه ی افغانستان [قانون اساسی افغانستان] (۱۳۰۱) [۱۹۲۳]، ماده‌های ۳-۴۹.

۹ لونی دوپری، افغانستان، (انتشارات پرینستون، دانشگاه پرینستون، ۱۹۷۳) ۴۹۴.

۱۰ در سال ۱۹۴۶، شاه محمود، کاکای شاه ظاهر شاه، محمد هاشم برادر خود را به عنوان نخست وزیر جایگزین کرد. گروهی از جوانان غربی آموزش دیده افغان را تشویق کردند تا اصلاحات اجتماعی و سیاسی را معرفی کنند. در پاسخ، شاه محمود تلاش‌های بی‌شماری برای انتخابات آزاد حداقل در مقایسه با انتخابات گذشته انجام داد، پارلمان منتخب در سال ۱۹۴۹ توسط ناظران خارجی افغانستان به عنوان «مجلس لیبرال» نامگذاری شد و از ۴۰ تا ۵۰ (از ۱۲۰ نفر) «اعضای اصلاح طلب که نقش خود را به عنوان اعضای پارلمان به طور جدی ایفا کردند شروع به استجواب وزرا در مورد مسائل بودجوی و دیگر امور مالی کردند ولی در یک کشور مانند افغانستان در سال ۱۹۵۰ «که در آن فساد اغلب به عنوان یک مسیر بزرگ برای ثروت و قدرت به کار می‌رفت: این نوع تحقیقات پارلمانی عمیقاً الگوهای مداخله‌گرانه تلقی شده و موجب مشکلات شد. دوپری، افغانستان، ۴۹۴.

۱۱ واینوم، «افغانستان: دموکراسی پارلمانی غیر حزبی»، ۵۸.

۱۲ گروت، «تفکیک قوا»، ۸۹۷.

۱۳ قانون اساسی افغانستان، جریده رسمی شماره ۱۲ (۱۳۴۳) [۱۹۶۴]، فصل ۴.

۱۴ گروت، «تفکیک قوا»، ۸۹۹.

۱۵ روزلیند دیکسون و تام گینسبرگ، «تصمیم‌گیری برای عدم تصمیم‌گیری: بازپرداخت در طراحی قانون اساسی»، مجله بین‌المللی حقوق اساسی مقایسه‌ی، شماره ۴۳ (۲۰۱۱)، ۶۲۳-۶۲۴، ۶۲۴.

گردد. ۱۶. در مقابل، پارلمان نیز از صلاحیت خود به شیوه منفی و تلافی جویانه استفاده می کرد. ۱۷.

در جولای ۱۹۷۳، داوود خان کودتای سفید را به راه انداخت و بچه کاکای خود، شاه ظاهر شاه را سرنگون کرد و سلطنت و قانون اساسی ۱۹۶۴ را پایان داد. ۱۸. داود خان تصمیم گرفت تا کشور را با مشت آهنین اداره کند. او در سال ۱۹۷۷ قانون اساسی را تصویب کرد که بر اساس آن یک حکومت اقتدارگرا را ایجاد و هر گونه تفکیک قوا را از میان برداشت. ۱۹. اگر چه قانون اساسی ۱۹۷۷ یک پارلمان تک اتاقه را ایجاد کرد، اما هیچ قدرت معناداری نداشت. ۲۰. از سال ۱۹۷۸، زمانی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان (PDPA)، داوود خان را عزل نمود الی سال ۲۰۰۱، هنگامی که طالبان از قدرت برکنار شدند، افغانستان یا پارلمان نداشته است و یا پارلمان به گونه نمادین بوده است.

سقوط رژیم طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ امید تازه ی برای تفکیک قوا، ایجاد یک پارلمان ملی و محدود کردن قدرت قوه ی مجریه در افغانستان فراهم آورد. نخبگان قدرتمند افغانستان که در مقابل طالبان به پیروزی رسیده بودند با حمایت گسترده بین المللی این فرصت را به طور جدی در نظر گرفته و برای طرح قانون اساسی جدید اقدام نمودند که متفاوت از قوانین اساسی قبلی افغانستان از لحاظ مکانیزم محدود کردن قوه ی مجریه باشد. ۲۱. با این حال، جامعه بین الملل در مورد قوه ی مجریه ملاحظاتی داشتند. در حقیقت، آنها طرفدار یک قوه ی مجریه قدرتمند و کنترل اندک بر قدرت ریاست جمهوری بودند. ۲۲. طراحان قانون اساسی سال ۲۰۰۴ یک نهاد ریاست جمهوری قدرتمند ایجاد کرد و برای مقابله با آن تصمیم گرفتند تا پارلمانی قدرتمند نیز تاسیس نمایند.

این سیر تاریخی پارلمان در افغانستان نشان می دهد که سران حکومت در افغانستان پارلمان را جدی نگرفته اند. این روند ظاهرا پس از تصویب قانون اساسی ۲۰۰۴ ادامه یافته و تاثیر منفی بر روابط قوه مجریه و مقننه گذاشته و منجر به ایجاد موانع فراروی پارلمان برای انجام وظایفش شده است.

عصر پسا طالبانی: پروسه بن و پیش نویس قانون اساسی سال ۲۰۰۴

پس از سرنگونی رژیم طالبان در اکتبر ۲۰۰۱، سازمان ملل متحد از چهار گروه ارشد افغان دعوت کرد تا در شهر بن آلمان، برای بحث روی حکومت آینده در افغانستان اشتراک کنند. ۲۳. این جلسه منجر به توافقنامه برای تشکیل دولت جدید گردید که به نام توافقنامه بن هم یاد می گردد. ۲۴. این توافقنامه برای یک دوره زمانی دوساله برای دوره گذار تنظیم شده بود. این توافقنامه یک حکومت موقت را با اداره انتقالی ایجاد نمود. ۲۵. براساس توافقنامه بن حکومت انتقالی باید طرح قانون اساسی جدیدی را برای افغانستان ایجاد میکرد.

روند پیش نویس قانون اساسی سال ۲۰۰۴ در اکتبر سال ۲۰۰۲ زمانی که رئیس جمهور حکومت انتقالی، حامد کرزی، کمیسیون پیش نویس قانون اساسی را ایجاد کرد، آغاز شد. ۲۶. بعد از اینکه کمیسیون پیش نویس قانون اساسی اولین پیش نویس قانون اساسی را تنظیم کرد، حامد کرزی یک کمیسیون بزرگ دیگر را به نام کمیسیون بازنگری قانون اساسی برای بررسی پیش نویس قانون اساسی، ایجاد کرد. ۲۷. کمیسیون بازنگری قانون اساسی پیش نویس کمیسیون را بررسی نموده و در تابستان سال ۲۰۰۳ با عموم مردم مشورت نمود. ۲۸. سپس آنرا در اواخر سپتامبر همان سال به حکومت ارائه کرد. حکومت پیش نویس کمیسیون بازنگری

۱۶. واینوم، «افغانستان: دموکراسی پارلمانی غیر حزبی»، ۵۷-۷۴.

۱۷. مارتین آوانس، افغانستان: تاریخچه کوتاهی از مردم و سیاست (نیویورک: هارپر کالینز، ۲۰۰۲)، ۱۲۵.

۱۸. محمد حسن کاکر، «زوال سلطنت در سال ۱۹۷۳»، مجله بین المللی مطالعات خاورمیانه، ۹، شماره ۲ (۱۹۷۸)، ۱۹۵-۲۱۴.

۱۹. قانون اساسی افغانستان، جریده رسمی شماره ۳۶۰ ۱۹۷۷ (۱۳۵۵ SY)، فصل هفتم.

۲۰. همان، فصل پنج

۲۱. برای توضیح مفصلی از روند تهیه پیش نویس قانون اساسی افغانستان در سال ۲۰۰۴، مراجعه کنید به الکساندر تیر، «ایجاد یک قانون اساسی در افغانستان»، مجله حقوقی دانشکده حقوق نیویورک ۵۱ (۲۰۰۷)، ۵۵۷-۵۷۹.

۲۲. بارت روبین، «ایجاد یک قانون اساسی برای افغانستان»، مجله دموکراسی ۱۵ (۲۰۰۵)، ۱۹-۵، ۱۲؛ کاترین آدینی، «طراحی قانون اساسی و اهمیت سیاسی هويت جامعه در افغانستان، سروی آسیایی ۴۸ (۲۰۰۸)، ۵۳۵-۵۴۱.

۲۳. این گروه ها شامل گروه اتحاد شمال، گروه رم، گروه قبرس و گروه پیشاور بودند. گروه اتحاد شمال، ائتلاف اسلامگرایان پیشین بود که با طالبان خصومت داشتند و در نهایت به ائتلاف به رهبری آمریکا کمک کردند تا رژیم طالبان را سرنگون کنند. این منافع و ایدئولوژی های متنوع را شامل می شد، از جمله ترکیبی از گروه های قومی، که هرکدام امیدوار بودند تا نقش مهمی در حکومت داشته و منافع گروه را حفظ کنند. گروه رم تحت رهبری عبدالستار سیرت، وزیر عدلیه تحت حمایت ظاهر شاه، که عمدتاً تبعیدیان ساکن در غرب و افراد مرتبط با شاه ظاهر شاه و مجهز با ایدئولوژیکی با قانون اساسی ۱۹۶۴ افغانستان را شامل بود. گروه قبرس شامل اعضای برجسته هزاره های شیعه که توسط ایران حمایت می شدند، می گردید. گروه پیشاور شامل پشتون های افغان (اعضای ملی افغان یا حزب سوسیال دموکرات که در دهه ۱۹۷۰ به وجود آمد) تشکیل می شد که از پادشاه سابق در دهه ۱۹۹۰ حمایت کرده و با حزب مجاهدین معاذ اسلامی ارتباط داشتند. برای بحث کامل درباره مذاکرات در کنفرانس بن، مراجعه کنید به زلی خلیلزاد، نماینده: از کابل تا کاخ سفید، سفر من از طریق یک جهان آشفته (نیویورک: مطبوعات مارتین، ۲۰۱۶). جیمز دابینز، پس از طالبان: ملت سازی در افغانستان (کتاب پوتوماک، ۲۰۰۸).

۲۴. تیر، «ایجاد یک قانون اساسی در افغانستان»، ۵۶۶.

۲۵. توافقنامه ترتیبات موقت در افغانستان تا زمان تاسیس مجدد موسسات دائمی دولتی

۲۶. شمشاد پسری، «رام سازی قدرت قضایی: سیستم متلاشی بررسی قضایی و تفسیر قانون اساسی در افغانستان»، مجله حقوق بین الملل میشیگان ۳۶، ۲۵۱-۲۵۰، ۲۴۵-۲۴۵، (۲۰۱۸)، ۲۵۱-۲۵۰.

۲۷. تیر، «ایجاد یک قانون اساسی در افغانستان»، ۵۶۶-۵۶۷.

۲۸. شمشاد پسری، «ایجاد قانون اساسی افغانستان در سال ۲۰۰۴: تاریخچه و تجزیه و تحلیل از طریق لنز هماهنگی و نظریه بازپرداخت»، دانشگاه واشنگتن، پایان نامه دکترای منتشر

را بررسی و پیش نویس نهایی را در ۳ نوامبر ۲۰۱۳ منتشر نمود. لوی جرگه قانون اساسی، پیش نویس ارائه شده از سوی حکومت را با اصلاحات جزئی در ابتدای جنوری ۲۰۰۴ تصویب کرد.^{۲۹} در نهایت، در تاریخ ۲۶ جنوری ۲۰۰۴، زمانی که رئیس جمهور کزی اولین قانون اساسی افغانستان قرن بیست و یکم را امضا کرد، روند ایجاد این قانون اساسی به پایان رسید.^{۳۰}

ساختار نظام سیاسی بعد از طالبان مسئله کلیدی هم در مذاکرات بن و هم در جریان تسوید قانون اساسی بود که آیا نظام سیاسی جدید باید ریاستی باشد و یا نظامی که در آن رئیس جمهور قدرت اجرایی را با نخست وزیر به اشتراک می گذارد. در ابتدا، توافقنامه بن مقرر داشت تا قانون اساسی ۱۹۶۴ را به استثنای مقررات مربوط به پادشاه و پارلمان تا زمانی که قانون اساسی جدید تصویب می شود، اجرا گردد.^{۳۱} بنابراین، مسئله ساختار نظام سیاسی به طراحان قانون اساسی ۲۰۰۴ واگذار گردید.

در دوره های موقت و انتقالی که بوسیله توافقنامه بن انجام شده بود، افغانستان پارلمان مبتنی بر قانون اساسی نداشت. در تمام این مدت و تا زمانی که اولین پارلمان پس از دوران طالبان انتخاب شد، کابینه وزرا به پارلمان دو فاکتو تبدیل شده بود و تعدادی از قوانین کلیدی را تصویب می کرد؛ برخی از این قوانین برای پارلمان که در سال ۲۰۰۵ ایجاد می شد، تاثیر قابل توجهی داشت. به عنوان مثال، در این زمان بود که حکومت، قانون انتخابات ۲۰۰۵ را تصویب کرد که یک سیستم رای واحد غیر قابل انتقال را برای انتخاب پارلمان معرفی کرد.^{۳۲} قانون اساسی ۲۰۰۴ پرسش نظام انتخاباتی پارلمان را باز گذاشت. حکومت مجبور بود بین سیستم رای واحد غیر قابل انتقال و سیستم های دیگر مثل سیستم نمایندگی تناسبی (PR) یکی را انتخاب کند. در نهایت علی رغم پیچیدگی های تخنیکی، سیستم رای واحد غیر قابل انتقال به دلیل سادگی آن، بر سیستم های انتخاباتی دیگر ترجیح داده شد.

یکی از مهمترین مسائلی که در زمان تهیه پیش نویس قانون اساسی ۲۰۰۴ مطرح شده بود، میزان صلاحیت ها و قدرت پارلمان بود.^{۳۳} تهیه کنندگان قانون اساسی (کمیسیون بازنگری قانون اساسی و کمیسیون پیش نویس قانون اساسی) معتقد بودند که ایجاد پارلمان قدرتمند برای اداره انتقال دموکراتیک پس از طالبان در افغانستان ضروری است.^{۳۴} با این حال، حامیان رییس جمهور کزی و جامعه بین الملل به یک قوه مجریه قدرتمند با کنترل کمتری بر قدرت رییس جمهور، موافقت داشتند.^{۳۵} در نهایت، قانون اساسی سال ۲۰۰۴ قوه ی اجراییه قوی را معرفی کرد که در آن رییس جمهور، هم زمان هم رییس حکومت و هم رییس دولت باشد.^{۳۶} با این حال، بسیاری از افراد قدرتمند، به ویژه رهبران مجاهدین سابق، پارلمان قوی را تنها راه برای محدود کردن صلاحیت های یک رییس جمهور قدرتمند با حمایت گسترده بین المللی دیدند.^{۳۷} بنابراین، اگر چه قانون اساسی سیستم ریاستی با یک رئیس دولت قدرتمند را ایجاد کرد، به پارلمان نیز صلاحیت داده تا قوه مجریه را تحت نظارت خود داشته باشد.^{۳۸}

با این وجود، از سپتامبر ۲۰۱۴، توافقنامه حکومت وحدت ملی یک سیستم نیمه ریاستی دو فاکتو را در افغانستان ایجاد کرده است. در این ساختار جدید، صلاحیت های قوه مجریه، در تئوری، بین رئیس جمهور و رییس اجرایی تقسیم می شود که رییس اجراییه در این ساختار به صورت یک نخست وزیر دو فاکتو می باشد.^{۳۹} بر اساس موافقت نامه حکومت وحدت ملی در سال ۲۰۱۴، در مدت دو سال یعنی تا سپتامبر سال ۲۰۱۶ میلادی، حکومت باید لویه جرگه تعدیل قانون اساسی را تشکیل میداد و پست ریاست اجراییه را ایجاد میکرد.^{۴۰} اما تا حال چنین لوی جرگه ی تشکیل نشده است.

نشده (۲۰۱۶)، فصل چهارم.

۲۹ سعید امیر ارجمند، «تحولات قانون اساسی در افغانستان: دیدگاه تطبیقی و تاریخی»، شماره ۴، (۲۰۰۵).
 ۳۰ بارت روبین، «ایجاد یک قانون اساسی برای افغانستان»، مجله دموکراسی ۱۵ (۲۰۰۵).
 ۳۱ توافق نامه بن (۲۰۰۱)، ماده ۲. (۱).
 ۳۲ اندرو رینولدز، «سیستم های انتخاباتی امروز: نمونه نادر از افغانستان»، مجله دموکراسی ۱۷، شماره ۲ (۲۰۰۶)، ۱۰۴-۱۱۷، ۱۰۶.
 ۳۳ مواد پایگانی در فرآیند پیش نویس قانون اساسی ۲۰۰۴، سوابق بحث در کمیسیون پیش نویس قانون اساسی و کمیسیون بازنگری قانون اساسی (۲۰۰۲-۲۰۰۴) [موجودیت فایل نزد یکی از نویسندگان].
 ۳۴ همان
 ۳۵ فرید حامدی و آرونی جایاکودی، «تفکیک قوا در قانون اساسی افغانستان: مطالعه موردی» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۵).
 ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، جریده رسمی شماره ۸۱۸ (۱۳۸۲) [۲۰۰۴]، فصل ۳.
 ۳۷ آدینی، «طرح قانون اساسی»، ۵۴۱.
 ۳۸ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، فصل ۳، ۵.
 ۳۹ کاوون کاکر، توماس کرم و همایون رنوفی، «تکامل قوه اجرایی در افغانستان: نگاهی به گذشته و سفارشات به آینده» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۷)، ۴.
 ۴۰ توافق بین دو تیم بر روی ساختار دولت وحدت ملی، لس آنجلس تایمز (۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴). در <http://documents.latimes.com/agreement-between-two-campaign-teams-regarding-structure> - دولت وحدت ملی / (در تاریخ ۱۵ جون ۲۰۱۸ قابل دسترسی

پارلمان در قانون اساسی ۲۰۰۴ افغانستان

قوانین اساسی مدرن در سراسر جهان، در رابطه به تقسیم قدرت سیاسی میان قوای مختلف حکومت و تدوین قوانینی که نحوه ی تعامل میان پارلمان و قوه مجریه را تنظیم می کند، متفاوت است. قانون اساسی شورایی مکانیزم های مناسب مانند تفکیک قوا، توازن و کنترل را تعریف کند تا پارلمان بتواند نقش نمایندگی، نظارتی و قانونگذاری را به طور موثر بازی کند.

با توجه به این دیدگاه، نویسندگان قانون اساسی سال ۲۰۰۴ افغانستان، پارلمانی را پیش بینی نمودند که آنرا با صلاحیت های نظارتی و تقنینی کافی مجهز کرده است.^{۴۱} از نظر طراحان قانون اساسی سال ۲۰۰۴ یک پارلمان مستقل، تنها نهادی بود که می توانست بر قوه مجریه کنترل داشته باشد، به ویژه به دلیل اینکه طراحان مسوده قانون اساسی موفق به درج محکمه قانون اساسی که انتظار می رفت بر قوه مجریه کنترل دیگر داشته باشد، نگردیدند.^{۴۲}

قانون اساسی ۲۰۰۴ پارلمان دو اتاقه را که دارای یک مجلس سنا (مشرانو جرگه) و یک مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) باشد، تعریف می کند.^{۴۳} قانون اساسی افغانستان این پارلمان دو اتاقه را به عنوان عالی ترین نهاد قانونگذاری که باید از سراسر کشور نمایندگی کند، معرفی می کند. به این ترتیب، هرچند اعضای پارلمان از حوزه های انتخاباتی محلی انتخاب می شوند، اما آنها موظف به رعایت منافع عمومی تمامی ملت در انجام وظایف خود هستند.^{۴۴} قانون اساسی اعضای پارلمان را به جای نمایندگی از اجتماع خاص یا حوزه انتخاباتی خاص، نماینده ی کل ملت دانسته است.

انتخابات پارلمانی

هر دو مجلس پارلمان از طریق مکانیزم های مختلف انتخاب می شوند، و همانطور که در بخش بعدی مورد بحث قرار می گیرند، از صلاحیت های مختلف برخوردار هستند. اعضای ولسی جرگه از طریق انتخابات عمومی، آزاد، سری و مستقیم برای مدت پنج سال انتخاب می شوند.^{۴۵} برعکس، مشرانو جرگه نهاد کاملاً انتخابی نیست. مشرانو جرگه شامل هر دو نوع اعضای انتخابی و انتصابی می باشد.^{۴۶} برای انتخاب اعضای مشرانو جرگه، قانون اساسی چنین بیان می کند: (۱) شوراهای ولایتی (در هر یک از ۳۴ ولایت چنین شورایی وجود دارد) باید یک نماینده را برای یک دوره چهار ساله به مشرانو جرگه معرفی کنند؛ (۲) تمام شوراهای ولسوالی در یک ولایت باید یک نماینده را از میان خود برای مدت سه سال انتخاب کنند؛^{۴۷} (۳) رئیس جمهور باید یک سوم از اعضای مشرانو جرگه را برای مدت پنج سال تعیین کند.^{۴۸}

بر اساس قانون اساسی، ۵۰ فیصد از نمایندگان مشرانو جرگه که از سوی رئیس جمهور انتصاب می شوند، باید زنان باشند. علاوه بر سهمیه مشخص برای زنان، قانون اساسی اختیارات رئیس جمهور را در انتصاب یک سوم اعضای مشرانو جرگه محدود نمی کند. بنابراین، در انتخاب اعضای اولین دور مشرانو جرگه تحت قانون اساسی سال ۲۰۰۴ در دسامبر ۲۰۰۵، رئیس جمهور کرسی نمایندگان را از بخش های وسیعی از اقشار جامعه انتخاب کرد. فهرست وی از ۳۴ نماینده انتصابی در مشرانو جرگه شامل افرادی از گروه های مجاهدین، بزرگان قبایل و نمایندگان اقلیت های چون هندو، سیک و کوچیها بودند.^{۴۹} افرادی که عضو مشرانو جرگه می شوند، عضویت خود را در شوراهای ولایتی و ولسوالی خود از دست می دهند. اعضای جدید برای پر کردن کرسی های خالی در شوراهای محلی انتخاب خواهند شد.

با توجه به قانون اساسی، کاندیداهای پارلمان فقط باید شهروندان افغان باشند؛ نباید محکوم به جرایمی ضد بشری و محروم از حقوق مدنی یا هر جرم دیگر گردیده باشند. باید حداقل سن ۲۵ و ۳۵ را به ترتیب برای ولسی جرگه و مشرانو جرگه تکمیل کرده باشند.^{۵۰} کمیسیون مستقل انتخابات وظیفه دارد مجوز نامزدهای پارلمان را بررسی نموده و اطمینان دهد که آنها شرایط لازم برای نامزدی را برآورده می کنند. همچنان کمیسیون مستقل انتخابات هنوز برای اعطای مجوز نامزدی به برخی از کاندیدا که متهم به

۴۱ مراجعه کنید به قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، فصل ۵.

۴۲ رجوع کنید به به دمپسی، جان، تیز و الکساندر «حل بحران در تفسیر قانون اساسی در افغانستان». مختصرنامه صلح انستیتوت صلح ایالات متحده، ۲۰۰۹. http://www.usip.org/sites/default/files/USIP_PDF_2_03_09.pdf; (در تاریخ ۱۳ جون ۲۰۱۸ دیده شده است).

۴۳ رجوع کنید به قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، مقاله ۸۲.

۴۴ همان مقاله ۸۱

۴۵ همان مقاله ۸۳

۴۶ همان مقاله ۸۴

۴۷ شوراهای ولسوالی هنوز انتخاب نشده اند در نتیجه، هیچ شورای ولسوالی برای انتخاب یک سوم از مشرانو جرگه وجود ندارد. برای اولین بار پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ مشخص شد که دولت نمی تواند انتخابات شورای ولسوالی را برای انتخاب مشرانو جرگه برگزار کند. رئیس جمهور کرسی از دیوان عالی خواهان نظریه مشورتی گردید. دادگاه توصیه کرد که تا زمان انتخاب شوراهای ولسوالی عضویت مشرانو جرگه به شورا های ولایتی منتقل شود. به همین ترتیب، شوراهای ولایتی دو سوم مشرانو جرگه را انتخاب کردند، در حالی که رئیس جمهور کرسی یک سوم باقی مانده را منصوب کرد.

۴۸ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۸۴.

۴۹ اکرم گیزی، مشرانو جرگه در حال شکل گیری است، هندوها و سیک های افغانی: فرهنگ، مذهب، تاریخ و اخبار (۱۶ دسامبر ۲۰۰۵)، قابل دسترس در: <https://afghanhindu.com> [۲۸ دسامبر ۲۰۱۸].

۵۰ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)

نقض حقوق بشری بودند مورد انتقاد قرار دارد.^{۵۱} با این حال، لازم به ذکر است که کمیسیون مستقل انتخابات نمی تواند افراد را از انتخابات پارلمانی بدون حکم محکمه، محروم کند.^{۵۲}

قانون اساسی افغانستان سیستم انتخاباتی خاصی را برای انتخاب اعضای پارلمان، به ویژه ولسی جرگه مشخص نمی کند. این قانون فقط اظهار می کند که سیستم انتخاب اعضای ولسی جرگه باید طوری تنظیم شود که فرد نماینده ی همه مردم افغانستان باشد.^{۵۳} همانطور که قبلا اشاره شد، صرفا به خاطر ضرورت و رضایت عمومی، نویسندگان قانون اساسی ۲۰۰۴ ابتدا تصمیم گرفتند که برخی از اشکال نمایندگی تناسبی (سیستم مختلط، نمایندگی تناسبی یا رای واحد قابل انتقال) استفاده شود.^{۵۴} اندرو رینولدز یادآور می شود که این تصمیم در ضمیمه قانون اساسی روشن شده است.^{۵۵} در تمامی اشکال نمایندگی تناسبی (PR)، احزاب سیاسی نقش کلیدی را بازی می کنند و مردم به جای رای دادن به کاندیدان مستقل، به احزاب سیاسی رای می دهند.^{۵۶} در سیستم فهرست باز (پی آر)، مردم می توانند برای نامزدان مورد نظر خود رای دهند، اما احزاب سیاسی در واقع این نامزدها را در لیست دارند. به هر حال، در سال ۲۰۰۴، افغانستان دارای احزاب سیاسی رسمی نبود که بتوانند در انتخابات پارلمانی شرکت کنند. در نتیجه، اداره انتقالی رئیس جمهور کرسی سیستم نمایندگی تناسبی (پی آر) را رد کرد و در عوض، سیستم رای واحد غیر قابل انتقال را انتخاب کرد.^{۵۷}

در ارتباط به انتخاب سیستم رای واحد غیر قابل انتقال، حکومت ادعا می کرد که اکثریت مردم به دلیل سطح پایین سواد در کشور نمی توانند بخوانند و بنویسند و احزاب سیاسی معتبر وجود ندارد که بتوانند در انتخابات براساس سیستم PR مشارکت کنند، لذا سیستم رای واحد غیر قابل انتقال را انتخاب کردند.^{۵۸} با این حال، پارلمان که از طریق سیستم رای واحد غیر قابل انتقال انتخاب شد، به طور قابل ملاحظه ای پراکنده باقی ماند. نامزدهای پارلمان به جای اعضای احزاب سیاسی رسمی، به عنوان نامزدان مستقل ثبت نام کردند.^{۵۹} نامزدها با وجود که میتوانستند خود را به عنوان اعضای احزاب سیاسی ثبت شده برای انتخابات کاندید کنند، اما خود را به صورت مستقل کاندید کردند. می توان استدلال کرد که در سال ۲۰۰۵، در اولین انتخابات پارلمانی، به دلیل نقش احزاب در جنگ های داخلی مخرب کشور در دهه ۱۹۹۰ و برداشت منفی مردم نسبت به احزاب سیاسی، نامزدها تصمیم گرفتند خود را کاندید احزاب سیاسی معرفی نکنند.^{۶۰}

بر اساس سیستم رای واحد غیر قابل انتقال، که هنوز برای انتخابات پارلمانی در افغانستان استفاده می شود، کرسی های هر حوزه انتخاباتی، بر اساس تعداد رای هایی که هر نامزد باید دریافت کند، اختصاص می یابد. هر ولایت یک حوزه ای انتخاباتی محسوب می شود. تعداد کرسی های حوزه های انتخاباتی (هر ولایت یک حوزه ای انتخاباتی) به تناسب جمعیت هر ولایت تعیین می شوند.^{۶۱} ولایات با بیشترین جمعیت، بیشترین کرسی را در اختیار دارند، در حالی که برای ولایات های با کمترین جمعیت، حداقل دو کرسی اختصاص یافته است. این بدان معنی است که نه تنها کاندیدانی که بیشترین تعداد آراء را کسب می کنند، بلکه دوم، سوم، چهارم یا حتی پنجمین کاندید با تعداد کمی آراء، به ولسی جرگه انتخاب خواهند شد.^{۶۲}

علاوه بر این، نتایج اولیه انتخابات پارلمان سال ۲۰۱۸ نشان می دهد که بر اساس سیستم SNTV، یک نامزد در یکی از حوزه های انتخاباتی (یک ولایت) می تواند با کسب بیش از بیست هزار رای برنده شو، در حالیکه در همان حوزه انتخاباتی، ممکن است یک کاندید با کسب ده هزار آراء نتواند کرسی پارلمان را از آن خو کند، در حالی که یک نامزد دیگر در یکی از حوزه های انتخاباتی می تواند با کسب سه هزار آراء برنده انتخابات شود. این موضوع اخیرا موجب داغ شدن بحث در مورد سیستم SNTV شده است.

۵۱ حمیدی و جیاکودی، «تفکیک قوا در قانون اساسی افغانستان»، ۱۲.

۵۲ اخیرا، در ماه آگست سال ۲۰۱۸، کمیسیون مستقل انتخابات نام ده ها تن از کاندیدهای مجلس را از رای گیری حذف کرد. کمیسیون مستقل انتخابات ادعا کرد که این نامزدها با گروه های مسلح غیرقانونی ارتباط داشتند. نامزدهای محروم شکایت خو را در کمیسیون مستقل شکایت انتخاباتی ارجاع کردند. در نهایت، کمیسیون مستقل انتخابات تصمیم گرفت که ۳۵ نامزد را بر همین اتهام محکوم قرار دهد. نامزدهای محکوم شده استدلال می کنند که به دلیل این که هیچ محکمه آنها را از ارتباط با گروه های مسلح غیرقانونی محکوم نکرده است، کمیسیون مستقل انتخابات حق حذف نام آن ها را از لیست رای گیری نداشته است. آنها اکنون از کمیسیون مستقل نظارت بر اجرای قانون اساسی خواستند که قانونی بودن تصمیم در کمیسیون مستقل شکایت انتخاباتی را بررسی کند - کاندیدهای رد شده ادعا کردند که تصمیم کمیسیون مستقل شکایت انتخاباتی ناقض حق آن ها در انتخابات بوده است، با این حال، تا زمان این نوشتار، کمیسیون مستقل نظارت بر اجرای قانون اساسی نظر خود را ارائه نکرده است. این نشان می دهد که مسئله بسیار پیچیده تر از آنچه ممکن است فکر شود

۵۳ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، اثر ۸۳.

۵۴ اندرو رینولدز و جان کری، «اصلاح سیستم انتخاباتی افغانستان و گزینه های اصلاحات» (کابل، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۲)، ۱۰۶.

۵۵ همان

۵۶ نگاه کنید به پپیا نوریس، «انتخاب سیستم های انتخاباتی: سیستم های تناسبی، اکثریت و ترکیبی»، مجله بین المللی علوم سیاسی، شماره ۳۰۱۸ (۱۹۹۷)، ۲۹۷-۳۱۲. میشل گالاگر و پاول میچل. سیاست سیستم انتخاباتی (نیویورک، دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۵).

۵۷ بین SNTV و PR، چندین نسخه از آنها وجود دارد که متأسفانه در سال ۲۰۰۴ مورد بحث قرار نگرفته است. به عنوان مثال، ناحیه (Single Member SMD) یک سیستم مفید است که به ایجاد رابطه بین نماینده منتخب و حوزه انتخابی کمک می کند و همچنین ممکن است احیای احزاب سیاسی را بهبود بخشد با این حال، دولت به این سیستم توجهی نکرده است.

۵۸ رینولدز و کری، «اصلاح سیستم انتخاباتی افغانستان»، ۱۰۶.

۵۹ علی یور ادیلی، «فتنه انتخاباتی افغانستان (۵): تقاضای دیر برای تغییر نظام انتخاباتی» (مارچ ۲۰۱۸). قابل دسترس در: <https://www.afghanistan-analysts.org/afghanistan-election-conundrum-5>.

۶۰ آنا وردزورث، «موضوع منافع: جنسیت و سیاست حضور در ولسی جرگه افغانستان» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۵)، vii.

۶۱ ولایت دارای بیشترین جمعیت دارای بیشترین کرسی بوده در حالی که به ولایتی با کمترین جمعیت، حداقل دو کرسی اختصاص یافته است. رینولدز و کری. «اصلاح سیستم انتخاباتی افغانستان»، ۱۰۵، ۱۰۶.

۶۲ همان

اگر چه هر حوزه انتخاباتی تعدادی از اعضا را انتخاب می کند، هر رأی دهنده می تواند تنها برای یک یک نامزد رای دهد.^{۶۳} در این سیستم، نامزدها با کسب بیشترین رای در مقایسه با سایر نامزدها در یک حوزه انتخاباتی خاص، انتخاب خواهند شد. به عنوان مثال، اگر یک حوزه ی انتخابی دارای پنج کرسی اختصاصی باشد، پنج کاندید با بیشترین آراء، برنده کرسی ها را در پارلمان خواهند شد. بنابراین، اگر حزب در مجموع آرای اکثریت را کسب کند، اکثریت کرسی های پارلمان را مانند سیستم PR کسب نمی کند. تعداد کرسی های انتخاب شده بستگی به این دارد که آیا نامزدهای که از سوی حزب نامزد شده اند «به اندازه کافی» رای گرفته اند یا خیر.^{۶۴} برای گرفتن رای کافی، نامزدها نیاز ندارند تا در حوزه انتخاباتی خود محبوب باشند. به عنوان مثال، در یک حوزه انتخاباتی دارای حق ۴ کرسی، ممکن است یک کاندید یک کرسی ۹۰ فیصد آرا را به دست آورد، در حالی که سه نفر دیگر می توانند با کمترین فیصد رای به کرسی برسند.^{۶۵} داده های حاصل از نتایج انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ و اخیراً ۲۰۱۸ شواهدی را برای حمایت از این نتیجه گیری ارائه می کنند.^{۶۶}

همان ۶۳

همان ۶۴

همان ۶۵

۶۶ اطلاعات کامل انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ و نتایج همه ۳۴ ولایت که نشان می دهد که کاندیداهای دارای چند درصد آرا در مجلس کاندید شده اند، در وب سایت نوآرانه آنلاین نقشه برداری موسسه دموکراتیک ملی و www.afghanistanelectiondata.org موجود است. به عنوان مثال، اگر ما در این داده ها نتایج ولایت کابل را در نظر بگیریم، می بینیم که چگونه یک نامزد بیش از ۲۰،۰۰۰ رای به دست آورد، در حالی که تعداد کمی از آنها با کسب درصد کمتر از رای دهندگان انتخاب شده اند

سازماندهی پارلمان افغانستان

هیئت اداری

قانون اساسی سال ۲۰۰۴ افغانستان، هر دو مجلس پارلمان را ملزم به انتخاب هیئت اداری در ابتدای هر دوره کاری پارلمان می نماید. هیئت اداری هر مجلس از رییس منتخب برای یک دور پارلمان، دو معاون شامل معاون اول و دوم، منشی و نایب منشی منتخب برای مدت یک سال، تشکیل می شود. ۶۷ قانون اساسی، تنظیم وظایف و نحوه ی انتخاب اعضای هیئت اداری را به مقررات و طرز العمل داخلی هر مجلس واگذار می کند. با توجه به ماده ۸ اصول وظایف داخلی ولسی جرگه، رئیس ولسی جرگه توسط رای مخفی اکثریت اعضای حاضر در جلسه انتخاب می گردد. پس از انتخاب رئیس ولسی جرگه، بقیه هیئت اداری توسط رای مخفی از اکثریت اعضای حاضر انتخاب می گردند. ۶۸

بر اساس اصول وظایف داخلی مشرانو جرگه، رئیس این مجلس با رای اکثریت اعضای آن انتخاب می شود. یک نامزد برای ریاست مشرانو جرگه باید حداقل حمایت ۱۰ عضو مشرانو جرگه را داشته باشد؛ در غیر این صورت فرد واجد شرایط برای نامزدی محسوب نمی شود. ۶۹ در صورتی که هیچ کدام از رای دهندگان در دور اول انتخابات برنده نگردند، انتخابات دور دوم بین دو نامزدی که بیشترین رای در دور اول را کسب کرده اند برگزار می شود. سپس کاندیدان که اکثریت رأی را در دور دوم کسب نمود، برنده انتخابات اعلام خواهد شد. ۷۰ اصول وظایف داخلی مشرانو جرگه به طرز عجیبی بیان می کند که اگر هیچ کدام از نامزدها در دور دوم اکثریت آرا را به دست نیاورند (دو نامزد تعداد آرای مساوی را کسب کنند) در دور بعدی، انتخابات جدید میان کاندیداهای جدید برگزار می شود؛ و کاندیداهای قبلی، حق رقابت در دور جدید را ندارند. این روند انتخابات حداقل سه بار تکرار خواهد شد تا زمانی که یک کاندید برنده ثابت شود. ۷۱ بقیه اعضای هیئت اداری مشرانو جرگه توسط اکثریت آراء اعضای مشرانو جرگه انتخاب می شوند. ۷۲

رئیس ولسی جرگه وظیفه اداره جلسات ولسی جرگه، حفظ اعتبار ولسی جرگه، اعتبار پارلمان و جایگاه آن نسبت به سایر نهادها، امضای تمامی قراردادهای با اشخاص حقوقی، نظارت و کنترل بر بودجه ولسی جرگه و دریافت گزارش از کمیسیون های ولسی جرگه را دارا می باشد. ۷۳ اصول وظایف داخلی ولسی جرگه مقرر می کند که سایر اعضای هیئت اداری ولسی جرگه باید با رییس در اجرای این وظایف محوله کمک کنند. رئیس مشرانو جرگه همچنین دارای وظایف و اختیارات مشابه است. ماده ۱۴ اصول وظایف داخلی مشرانو جرگه، رییس مشرانو جرگه را موظف به ریاست از جلسات مشرانو جرگه، نظارت از بودجه مشرانو جرگه، امضای قوانین و طرز العمل داخلی مشرانو جرگه، اجرای مقررات انضباطی، ارزیابی گزارش هیئت مدیره و امضای تفاهنامه ها، اسناد و گزارشات مشرانو جرگه، می نماید. ۷۴

کمیسیون های پارلمانی

قانون اساسی افغانستان هر مجلس را مجاز به ایجاد کمیسیون های مستقل برای تحقیق و بررسی امور مربوط به عملکرد حکومت می کند. به عنوان مثال، کمیسیونی در ولسی جرگه در مورد امنیت ملی و اداره محلی وجود دارد که نهادهای امنیت ملی را مورد نظارت قرار می دهد. به طور مشابه، کمیسیون ولسی جرگه در امور حقوقی وجود دارد که در موارد قانونگذاری عمل نموده و قوانین پیشنهادی را که ولسی جرگه برای تصویب حاضر می نماید، را مورد بررسی قرار می دهد. ضمیمه شماره ۱ فهرست کامل کمیسیون های ولسی جرگه و مشرانو جرگه را نشان می دهد.

هر کدام از کمیسیون های ولسی جرگه می تواند متشکل از ۱۰ تا ۲۵ عضو باشد در حالی که کمیسیون های مشرانو جرگه شامل ۷ تا ۱۱ عضو هستند. ۷۵ اصول وظایف داخلی ولسی جرگه و مشرانو جرگه روش خاصی را برای انتخاب اعضای کمیسیون های پارلمانی بیان نمی کنند. در عوض، هر عضو ولسی جرگه یا مشرانو جرگه می تواند برای کمیسیونی که ترجیح می دهد ثبت نام کند و بقیه اعضا عضویت آن را تایید می کنند. با این وجود، اصول وظایف داخلی ولسی جرگه و مشرانو جرگه اعضا را ملزم به انتخاب کمیسیون ها با در نظر داشت تجربه که در آن دارند می کنند. ۷۶ یک عضو پارلمان تنها می تواند در یک زمان عضویت یکی از

۶۷ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۸۷.

۶۸ اصول وظایف داخلی، ولسی جرگه، ماده. ۱۱-۹ (۲۰۰۷)، قابل دسترس در <http://wj.parliament.af/english.aspx>، (در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۱۸ قابل دسترس در است).

۶۹ مشرانو جرگه، اصول وظایف داخلی، ماده. ۸ (۲۰۱۷)، قابل دسترس در <http://parliament.af/english.aspx> (در تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۱۸ قابل دسترس است).

۷۰ همان

۷۱ همان

۷۲ همان ماده ۹.

۷۳ اصول وظایف داخلی، ولسی جرگه، ماده. ۱۳ (۲۰۰۷)، قابل دسترس در: <http://wj.parliament.af/english.aspx>، (در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۱۸ قابل دسترس در است).

۷۴ مشرانو جرگه اصول وظایف داخلی، ماده ۱۴ (۲۰۱۷)، قابل دسترس در <http://mj.parliament.af/english.aspx> (در تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۱۸ قابل دسترس است).

۷۵ تمام کمیسیون های ولسی جرگه و اعضای آنها را می توان در <http://wolesi.website/pve/showdoc.aspx?Id=6530> یافت

۷۶ اصول وظایف داخلی، ولسی جرگه، اثر ۲۳؛ مشرانو جرگه اصول وظایف داخلی، ماده. ۲۶

کمیسیون ها را داشته باشد. در قانون اساسی و اصول وظایف داخلی هر دو مجلس در مورد مدت کاری یک کمیسیون تذکری صورت نگرفته است، اما تجربه نشان می دهد که این کمیسیون ها دائمی هستند زیرا تعداد آنها در قوانین داخلی دو مجلس مشخص شده است.^{۷۷} با این وجود، اعضای هر کمیسیون با هر انتخابات پارلمانی تعویض می شوند.

کمیسیون های پارلمانی بخش مهمی از کار پارلمان در بسیاری از کشورهای دموکراتیک است. این کمیسیون ها معمولاً مسائل مربوط به عملکرد حکومت و پیش نویس قوانین را مورد بررسی قرار می دهند تا پارلمان اطلاعات لازم را قبل از تصمیم گیری به دست آورد. بنابراین، کمیسیون های دو مجلس مجاز به بررسی پیش نویس قوانین برای تصویب پارلمان، پیشنهاد اصلاحات برای پیش نویس قانون، آماده سازی و ارائه گزارش به رؤسای مجلس ها، بررسی معاهدات بین المللی و توافق نامه های که افغانستان آن را امضا نموده است، تحقیق و بررسی تمام امور دیگر تحت صلاحیت پارلمان و استجواب از تمام موسسات اجتماعی از جمله سازمان های غیر حکومتی ملی و بین المللی است.^{۷۸} علاوه بر این، کمیسیون های هر مجلس حق احضار و استجواب مقامات حکومتی که نصب آنها مستلزم تصویب پارلمان می باشد، را دارند، از جمله وزرای حکومت، لوی خازنوال و رئیس امنیت ملی.^{۷۹} این کمیسیون ها به پارلمان در قسمت انجام وظیفه ی کنترل بر قوه مجریه و تصویب قوانین کمک می کنند.

ولسی جرگه دارای اختیارات اضافی نیز می باشد؛ این صلاحیت را دارد تا کمیسیون های ویژه ای موقت برای بررسی اقدامات حکومت ایجاد کند. اینها کمیسیونهایی موقت هستند که برای بررسی اقدامات خاص حکومت تنظیم می شوند. کار این کمیسیون به محض پایان یافتن تحقیقات پایان می یابد.^{۸۰} هیچ تحقیقی نمی تواند بیش از شش ماه طول بکشد. پارلمان افغانستان تاکنون ندرتا از این کمیسیون حقیقت یاب استفاده کرده است. به عنوان مثال، در ماه می ۲۰۱۳، ولسی جرگه کمیسیون ویژه ای را برای بررسی تعدادی از مواد قانون محو خشونت علیه زنان ایجاد کرد که ادعا می شد قوانین اسلامی را نقض کرده است.^{۸۱} به طور مشابه، در ماه جون ۲۰۱۳، ولسی جرگه کمیسیون ویژه ای را برای بررسی اتهامات وزیر مالیه، حضرت عمر زاخیلوال، علیه شش نماینده پارلمان تاسیس کرد.^{۸۲} اخیراً ولسی جرگه یک کمیسیون برای بررسی ادعاهای فساد علیه رییس ولسی جرگه، عبدالرئوف ابراهیمی، توسط تعدادی از نمایندگان پارلمان تاسیس کرد.^{۸۳} با این وجود، تصمیم ولسی جرگه برای ایجاد کمیسیون ویژه به طور قابل توجهی مشکل بود و گاهی اوقات جلسه را تشکیل نداده یا گزارش های خود را ارائه نمی کردند. به عنوان مثال، کمیسیون ویژه برای بررسی ادعاهای فساد علیه سخنگوی ولسی جرگه هرگز یافته های خود را منتشر نکرده است. به همین ترتیب، کمیسیون ویژه که ادعاهای جرمی علیه نمایندگان پارلمان را از سوی وزیر مالیه مورد بررسی قرار داد، اتهامات وزیر را بی اساس دانست و بحران سیاسی را ایجاد کرد که در آن حق ولسی جرگه برای راه اندازی کمیسیون ویژه مورد چالش قرار گرفت.^{۸۴} پس از یافته های این کمیسیون، لوی خازنوال یافته های کمیسیون را «غیرقانونی» نامید و تهدید کرد که از ستره محکمه درخواست می نماید که روش پارلمان برای ایجاد کمیسیون های ویژه را به بررسی بگیرد. به نظر می رسد مشکل اصلی فقدان انضباط و هماهنگی در پارلمان است. از آنجا که احزاب سیاسی در پارلمان وجود ندارد، نمایندگان مجلس به جای ایدئولوژی ها و دیدگاه ها بر محور شخصیت های قدرتمند جمع می شوند و بعضی اوقات برای همکاران شان در مجلس همکاری می کنند.

۷۷ اطلاعات کامل در مورد تمام کمیسیون ولسی جرگه و اعضای آن را می توان در <http://wolesi.website/pve/showdoc.aspx?id=۴۲۸۲> یافت. اطلاعات در مورد تمام کمیسیون های مشرانو جرگه را می توان در <http://mj.parliament.af/english.aspx> یافت

۷۸ اصول وظایف داخلی، ولسی جرگه، ماده. ۳۶ (۲۰۰۷). قابل دسترس است، در: <http://wj.parliament.af/english.aspx>، (قابل دسترس در جون ۲۰۱۸).

۷۹ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده. ۹۳، ۶۴.

۸۰ اصول وظایف داخلی، ولسی جرگه، ولسی جرگه، ماده. ۳۶-۳۴ (۲۰۰۷). قابل دسترس در:

<http://wj.parliament.af/english.aspx> {در تاریخ ۱۵ جون ۲۰۱۸}

۸۱ به مجلس کمیسیون بررسی حقوق زنان را ایجاد کرد، خبرگزاری طلوع {۲۰ می ۲۰۱۳} قابل دسترس در <http://prod.tolnews.com/afghanistan/parliament-set-commission-review-women-rights-law> (دسترس به ۱۵ جون ۲۰۱۸).

۸۲ بنگرید به: خبرگزاری طلوع، لوی خازنوال یافته های کمیسیون ویژه را غیرقانونی خواند، (۹ جون ۲۰۱۳)، در <http://prod.tolnews.com/afghanistan/attorney-general-calls-special-commissions-decision-illegal> (دسترس به ۱۵ جون ۲۰۱۸).

۸۳ بنگرید به یلنا بجليکا و روح الله شوروش، «ناکامی در آیین دادرسی: چگونه به یک قضیه فساد در پارلمان پرداخته نشد (کابل: شبکه تحلیلگران افغان، ۲۰۱۸).

۸۴ بنگرید به: خبرگزاری طلوع، لوی خازنوال یافته های کمیسیون ویژه را غیرقانونی خواند، (۹ جون ۲۰۱۳)، در <http://prod.tolnews.com/afghanistan/attorney-general-calls-special-commissions-decision-illegal> (تماس گرفته شده در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۸).

گروه های پارلمانی

موجودیت گروه های پارلمانی برای پارلمان در دنیای مدرن یک اصل تلقی می شوند. به طور خاص، در سیستم هایی مانند افغانستان که فاقد عملکرد احزاب سیاسی در پارلمان هستند، انتظار می رود که گروه های پارلمانی شکاف سیاسی را پر کنند و نماینده وسیله ای برای شکل گیری افکار سیاسی و کمک به نمایندگان پارلمان باشند تا با انسجام درست و هماهنگ عمل کنند. گروه های پارلمانی ممکن است به ایجاد موقعیت های مشترک که فراتر از دیدگاه های فردی نسبت به قوه مجریه سازماندهی می شود، کمک کنند. سیستم رای واحد غیر قابل انتقال منجر به تشکیل پارلمانی شدیداً چند پارچه گردیده که مانع ایجاد وحدت در پارلمان گردیده است. در این زمینه، ایجاد گروه های پارلمانی در افغانستان امیدوار کننده بود تا کارایی و ثبات فعالیت ها در یک پارلمان بسیار متفرق را افزایش دهد.

اصول وظایف داخلی هر دو مجلس بیان می کنند که نمایندگان پارلمان می توانند گروه های پارلمانی را برای هماهنگ کردن فعالیت هایشان ایجاد کنند. نمایندگان پارلمان باید گروه های پارلمانی را با توجه به «دیدگاه ها» و تمایلات مشترک» تشکیل دهند.^{۸۵} در اصول وظایف داخلی در مورد آنچه «دیدگاه ها» و تمایلات مشترک» نامیده شده است تعریفی صورت نگرفته است. با این حال، قوانین حاکی است که هیچ گروه پارلمانی نمی تواند بر خلاف مقررات قانون اساسی شکل بگیرد، به این معنی که این گروه ها نمیتوانند برای ترویج و نمایندگی منافع شخصی، منطقه ای، مذهبی، قومی، زبانی یا قبیله ای تشکیل شوند. به نظر می رسد که انتظار بر آن است تا گروه های پارلمانی در افغانستان از یک چارچوب سیاسی واحد در بحث های پارلمانی نمایندگی کنند. انتظار می رود که آنها در مورد تصویب یا رد قوانین موضع اتخاذ نموده و رای خود را بر اساس مواضع مشترک ارایه نمایند.

برای تشکیل یک گروه پارلمانی حداقل ۲۳ عضو ولسی جرگه لازم است.^{۸۶} اما برای تشکیل یک گروه پارلمانی در مشرانو جرگه، حداقل ۱۱ سناتور نیاز است.^{۸۷} در اصول وظایف داخلی هر دو مجلس در مورد گروه های پارلمانی هیچ مقرراتی وجود ندارد. اصول وظایف داخلی ولسی جرگه بیان می کند که «مقررات اضافی» باید ساختار، روش، وظایف و روش انتخابات هیئت اداری گروه های پارلمانی را تعیین و تنظیم کند.^{۸۸} با این حال، این تشکیلات اضافی تا به امروز تنظیم نشده است.

بنابراین، در عمل، تشکیل گروه های پارلمانی به میزان قابل توجهی مشکل است.^{۸۹} تشکیل گروه و تصمیم نمایندگان پارلمان برای پیوستن به گروه های پارلمانی تازه شکل گرفته تا حد زیاد بستگی دارد به اعضای تشکیل دهنده ی یک گروه.^{۹۰} از آنجایی که فعالیت سیاسی در افغانستان عمدتاً بر اساس روابط شخصی است، نباید از تصمیم نمایندگان پارلمان برای پیوستن به گروه های پارلمانی بر اساس روابط شخصی بجای ایدئولوژی و نظریات مشترک گروه، شگفت زده شد.^{۹۱} بنابراین، گاهی اوقات می توان یک نماینده پارلمان را که عضو پیش از یک گروه پارلمانی است، مشاهده نمود. اعضا به گروه های مبتنی بر روابط و دلایل شخصی اضافه می شوند. علاوه بر این، اکثر این گروه ها الزاماتی را که قانون اساسی و مقررات داخلی دو مجلس بیان می کنند را رعایت نمی کنند. به نظر می رسد که اکثر گروه های پارلمانی صرفاً بر روی کاغذ تشکیل می شوند، به این معنی که نمایندگان پارلمان گروه ها را ثبت می کنند، اما این گروه ها به صورت رسمی تشکیل نمی شوند، زیرا نمی توانند حمایت تعداد مورد نیاز نمایندگان پارلمان را جذب کنند.^{۹۲} و یا فراتر از منافع قومی، سمتی و مذهبی بروند. به همین ترتیب، بسیاری از گروه های پارلمان در مدت کوتاهی پس از تشکیل به دلیل قرار نگرفتن اعضا در زیر چتر ایدئولوژی واحد، منحل شده اند.^{۹۳} در نتیجه تمام این گروه های پارلمانی موثر نبوده اند.^{۹۴} جدول زیر نام و تعداد گروه های موجود در پارلمان به شمول گروه هایی که ثبت شده اند اما به علت نبود تعداد مورد نیاز اعضای آن تشکیل نشده است را شامل می شود.

- ۸۵ اصول وظایف داخلی، ولسی جرگه، ماده. ۱۶ (۲۰۰۷). قابل دسترسی <http://wj.parliament.af/english.aspx> (در تاریخ ۱۵ جون ۲۰۱۸ قابل دسترسی است). اصول وظایف داخلی مشرانو جرگه علاوه بر این، فراهم می کند که مشرانو جرگه باید گروه های دوستی را ایجاد کند. وظیفه این گروه های دوستی حفظ و تقویت روابط میان پارلمان افغانستان و سایر پارلمان در جهان است. اصول وظایف داخلی مشرانو جرگه، (۲۰۱۷، ماده ۲۴، قابل دسترسی در <http://mj.parliament.af/english.aspx>، (دسترسی در تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۱۸)
- ۸۶ اصول وظایف داخلی، ولسی جرگه، ماده. ۱۸ (۲۰۰۷)، قابل دسترسی در: <http://wj.parliament.af/english.aspx>، (قابل دسترسی در تاریخ ۱۵ جون ۲۰۱۸).
- ۸۷ همان، ماده ۲۰
- ۸۸ همان، ماده ۲۶.
- ۸۹ وردزورث، «موضوع منافع»، vii.
- ۹۰ همان ۱۸
- ۹۱ همان
- ۹۲ آنا لارسون، احزاب دموکراتیک جدید افغانستان: ابزار سازمان دهی دموکراتیک؟ (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مجموعه مقالات خلاصه مقاله، ۲۰۰۹).
- ۹۳ آندریا فلشنبرگ، «پارلمان افغانستان در ایجاد: تفاهم جنسیتی و روش های سیاسی در یک کشور انتقالی» (UNIFEM ۲۰۰۹).
- ۹۴ مصاحبه های کلیدی با کارشناسان (IQ)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸).

جدول ۱: تعداد و نام اعضای گروه های پارلمانی-که در شانزدهمین دور پارلمان در ولسی جرگه تشکیل شده و آن های که حمایت لازمی ۲۳ عضو را بدست نیاورده است.

| شماره | اسم گروه | اعضا | رییس گروه | معاون گروه |
|-------|--------------------------------|--|------------------------|------------------------|
| ۱ | اتحاد ملی | ۱۱ عضو (ثبت نام شده اما رسماً تشکیل نشده است) | غلام فاروق نظری | محمد فرهاد صدیقی |
| ۲ | ملی یوالی | ۱۵ عضو (ثبت نام شده اما رسماً تشکیل نشده است) | انجنیر صاحب خان | ملا سید محمد آخند |
| ۳ | کاروان صلح | ۴۵ عضو | حاجی عبدالظاهر | جنرال نظیفه |
| ۴ | صلح | ۲۰ عضو (ثبت نام شده اما رسماً تشکیل نشده است) | داکتر عبیدالله کلیمزی | رحیمه جامی |
| ۵ | رسالت | ۳۴ عضو | رئیس عبدالباقی ملکزاده | محمد سرور عثمانی فراهی |
| ۶ | سیا | ۲۸ عضو | الحاج محمد الماس ذاهد | انجنیر شبرولی وردک |
| ۷ | سعادت ملی | ۱۸ عضو (ثبت نام شده اما رسماً تشکیل نشده است) | صفی الله مسلم | نثار احمد غوریانی |
| ۸ | کاکس (تقویت مشارکت سیاسی زنان) | ۲۲ عضو (ثبت نام شده اما رسماً تشکیل نشده است) | فوزیه کوفی | وژمه صافی |
| ۹ | صدای عدالت | ۲۳ عضو | شاه گل رضایی | چمن شاه اعتمادی |
| ۱۰ | افغانستان آزاد | ۲۹ عضو | همایون همایون | محمد رضا خوشک و طندوست |
| ۱۱ | استقلال | ۲۰ عضو (ثبت نام شده اما رسماً تشکیل نشده است) | لیاقت الله بابکر خیل | عبدالصبور خدمت |

منبع: سایت رسمی ولسی جرگه ۹۵

استدلال می شود که گروه های پارلمانی بر مبنای ایده ها و چارچوب ها تشکیل شده اند، نسبت به گروه های که بر مبنای هویت قومی یا سایر اشکال ایجاد میگردد، بیشتر به بهبود عملکرد پارلمان به عنوان یک نهاد منسجم منجر می شوند.^{۹۶} گروه های پارلمانی مبتنی بر ایده هایی که فراتر از منافع قومی، منطقه ای، زبانی، جنسیت و دیگر موانع اجتماعی می گردد، نسبت به گروه های که عضویت آنها بر اساس یک گروه هویت خاص است بیشتر احتمال دارد تا به لابی گری گسترده و همچنین مبارزات طولانی مدت کمک کند.^{۹۷} از زمانی که اولین پارلمان پس از طالبان در سال ۲۰۰۵ انتخاب شد، تنها چند گروه پارلمان در افغانستان بر اساس ایدئولوژی شکل گرفت. اکثر آنها بر اساس منافع قومی و منطقه ای تشکیل شده است، بنابراین قادر به بهبود عملکرد پارلمان به عنوان یک نهاد نیستند. به عنوان مثال، یک گروه پارلمانی اخیراً (جدول زیر را ببینید)، که ثبت شده است اما هنوز تشکیل نشده است زیرا تعداد اعضای لازم را ندارد و براساس هویت قومی ایجاد شده نه براساس ایده های مشترک. این شاید یکی از دلایلی باشد که چرا این گروه مجلس نتوانسته است حمایت دیگر اعضای مجلس را جذب کند که گروه های مختلف قومی را تشکیل می دهند.

۹۵ برای فهرست کامل اعضای این گروه های پارلمانی، به گروه های پارلمانی ولسی جرگه مراجعه کنید: <http://wolesi.website/pvd/showdoc.aspx?id=۵۵۶۵>

۹۶ وردزورث، «موضوع منافع»، ۱۷.

۹۷ همان

جدول ۲: گروه پارلمانی اعتماد مشتمل از یک گروه قومی (گروه قومی هزاره)

| شماره | شهرت | | ولایت | سمت در گروه |
|-------|-------------|-----------------|------------|-------------|
| | تخلص | اسم | | |
| ۱ | اکبری | محمد نور | دایکندی | رئیس گروه |
| ۲ | شاجهان | داکتر محمد عارف | غزنی | معاون |
| ۳ | بحر | سید نادر شاه | غور | منشی |
| ۴ | عالمی بلخی | استاد سید حسین | کابل | سخنگوی |
| ۵ | قاسمی | محمد ابراهیم | کابل | عضو |
| ۶ | نظری | فاطمه | کابل | عضو |
| ۷ | مصطفوی | کبرا | کابل | عضو |
| ۸ | اکبری | استاد محمد | بامیان | عضو |
| ۹ | فکوری بهشتی | سید محمد جمال | بامیان | عضو |
| ۱۰ | ایلخانی | صفوری | بامیان | عضو |
| ۱۱ | آزاد | ریحانه | ارزگان | عضو |
| ۱۲ | اخلاقی | استاد محمدعلی | غزنی | عضو |
| ۱۳ | اکبری | انجینیر حمیده | میدان وردک | عضو |
| ۱۴ | غفاری | استاد نعمت الله | هلمند | عضو |
| ۱۵ | سجادی | دکتر عبدالقیوم | غزنی | عضو |

منبع: سایت رسمی ولسی جرگه ۹۸

مشرانو جرگه تنها یک گروه پارلمانی دارد. این گروه گروه ملی حفاظت از قانون است که در مارچ ۲۰۱۵ ایجاد شد و در حال حاضر ۳۵ عضو دارد. اینجینیر حسبیالله کلیمزی، یک سناتور از میدان وردک، گروه را رهبری می کند. ^{۹۹} این گروه اساساً بررسی پیش نویس قانون که به مشرانو جرگه برای تصویب می آید را به دوش دارد.

۹۸ بنگرید ولسی جرگه، گروه های پارلمانی، گروه پارلمانی اعتماد، قابل دسترس در: <http://wolesi.website/pve/showdoc.aspx?Id=2042>

۹۹ بنگرید به مشرانو جرگه، گروه های پارلمانی، گروه پارلمانی ملی در حفاظت از قانون، در <http://www.meshran.website/pvd/document.aspx?Cat=29>

وظایف و صلاحیت های پارلمان در قانون اساسی ۲۰۰۴

قانون اساسی افغانستان در سال ۲۰۰۴ به اعطای قدرت بیشتری به پارلمان نسبت به قوانین اساسی قبلی منجر شد. پارلمان افغانستان مانند بسیاری از پارلمان های سراسر جهان دارای سه وظیفه اساسی است: (۱) نمایندگی ملت؛ (۲) وضع و تصویب قوانین؛ و (۳) بررسی، کنترل و نظارت بر عملکرد قوه مجریه. به طور خاص، پارلمان (هر دو مجلس، ولسی جرگه و مشرانو جرگه) دارای قدرت تصویب، تعدیل و یا لغو قوانین و فرامین تقنینی؛^{۱۰۰} تایید برنامه های انکشافی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، تصویب بودجه حکومت، ایجاد، اصلاح یا لغو واحدهای اداری و تصویب معاهدات و کنوانسیون های بین المللی می باشند.^{۱۰۱} علاوه بر این، به عنوان جز از وظایف نظارتی، قانون اساسی هر دو مجلس را قادر می سازد تا وزرا را در رابطه با مسائل خاص استجواب نمایند و وزیر می تواند پاسخ های کتبی یا شفاهی ارائه دهد.^{۱۰۲}

اگر چه قانون اساسی سال ۲۰۰۴ پارلمان را به عنوان بالاترین مقام قانونگذار در کشور تعیین می کند، اما این قانون اساسی در برخی موارد شامل مقرراتی است که قدرت قانونگذاری پارلمان را تضعیف می کند. به عنوان مثال، ماده ۹۷ قانون اساسی پارلمان را ملزم می کند قوانین و معاهدات بین المللی را که قوای اجرایی برای تصویب پیشنهاد می کند، ارجحیت بدهد. با توجه به مسائل مالی، قانون اساسی حتی محدودیت های قاطع را در مقابل پارلمان قرار می دهد. طبق ماده ۹۸، ولسی جرگه نمی تواند بیش از یک ماه، تأیید بودجه حکومت را به تاخیر بیندازد. ولسی جرگه ملزم است تا در خلال ۱۵ روز در مورد پیشنهاد حکومت برای اعطای یا گرفتن وام تصمیم بگیرد. در غیر این صورت پیشنهاد حکومت تأیید شده محسوب می شود. به نظر می رسد این مقررات به استقلال و صلاحیت های قانونگذاری پارلمان آسیب برساند زیرا پارلمان را در خدمت قوه مجریه قرار می دهد.^{۱۰۳} پارلمان در واقع نسبت به قوه مجریه از مهلت کمتری برای تصمیم گیری در مورد مسائل مهم برخوردار است. در بسیاری از مواقع، پارلمان در مورد بودجه قبل از دیگر موضوعات تصمیم می گیرد تا در خلال مدت تعیین شده در قانون اساسی آن را بررسی کند.

علاوه بر این، ماده ۷۶ قانون اساسی حکومت را مجاز به تصویب مقرراتی که با متن و روح قوانین مخالف نیست، می کند. در تصویب چنین مقررات حکومت نیازی به تصویب پارلمان ندارد. به همین ترتیب، حکومت می تواند آزادانه مقرراتی را تصویب کند که ضروری قلمداد می کند. ماده ۱۰۴ قانون اساسی تصریح می کند که در دوران رخصتی پارلمان، حکومت از طریق فرامین تقنینی برای مقابله با «وضعیت عاجل و ضروری» قدرت قانونگذاری دارد.^{۱۰۵} صدور فرامین تقنینی به طور مرتب، بویژه در مورد موضوعاتی که قوه اجرائیه و قوه مقننه عمیقاً در آن اختلاف نظر دارند، اتفاق می افتد. برای مثال، در جون ۲۰۱۶، اشرف غنی، قانون جدید انتخاباتی افغانستان را از طریق فرمان ریاست جمهوری بدون تصویب پارلمان صادر کرد. در حقیقت، پارلمان دو فرمان تقنینی که برای تصویب پارلمان به مجلس رفته بودند رد کرد.^{۱۰۶} هنگامی که پارلمان در جون ۲۰۱۶ در رخصتی فصل تابستان به سر می برد، رئیس جمهور غنی فرمان دیگری را صادر کرد (فرمان شماره ۱۵۹) که قانون انتخابات افغانستان را بدون تصویب پارلمان تأیید و اجرایی کرد.^{۱۰۷}

بر اساس قانون اساسی سال ۲۰۰۴، فرامین تقنینی که در دوران رخصتی پارلمان صادر می شود، پس از بازگشت پارلمان از رخصتی، آن فرامین مجدداً برای تصویب به پارلمان ارائه شود. با این حال، در اکثر موارد حکومت، اقدام به ارائه فرامین به پارلمان برای ترس از عدم تصویب آن نموده است. این باعث ایجاد مشکلات جدی می شود. یک مشکل این است که اکثر قوانینی که از طریق فرامین تقنینی تصویب می شوند، در حقیقت الزامات ماده ۷۹ را رعایت نمی کنند. به عبارت دیگر، اکثر این احکام قانونی برای مقابله با «وضعیت عاجل و ضروری» مطابق ماده ۷۹ الزامی نیست.^{۱۰۸} به عنوان مثال، میتوان از کد جزا که در ۲۰۱۸ از طریق فرامین تقنینی بدون تصویب پارلمان ایجاد شد، نام برد. به همین ترتیب، در ۲۰۱۳ در مورد قانون محو خشونت علیه زنان (SVAW) و اخیراً قانون مدیریت زمین، هر دو در شرایط عادی به تصویب رسیدند. در همه این موارد، «وضعیت عاجل و ضروری» وجود نداشت که نیاز به اعلام فوریت قانون را داشته باشد. در عوض، به نظر می رسد که قوه مجریه رخصتی های پارلمانی را فرصتی برای تصویب قوانینی که احتمالاً از سوی پارلمان رد خواهد شد، می دانند.

۱۰۰ هر دو مجلس دارای صلاحیت های یکسان نیستند. پیشنهادات قانونی ابتدا توسط حکومت به ولسی جرگه ارسال می شود. لایحه قانونی پس از تصویب به مشرانو جرگه می رود. اگر قلمنامه یک مجلس نمایندگان توسط خانه دیگر رد شود، کمیته مشترک طبق قانون باید تشکیل شود. اگر کمیته مشترک نتواند موضوع را حل کند، پیش نویس به ولسی جرگه باز می گردد. و لایحه در صورت تصویب اکثریت دو سوم اعضای ولسی جرگه و توشیح رییس جمهور، قابل اجرا خواهد بود. قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۱۰۰.

۱۰۱ همان ماده ۹۰.

۱۰۲ همان ماده ۹۲.

۱۰۳ گروت، «تفکیک قوا»، ۹۰۹.

۱۰۴ همان

۱۰۵ از آنجای که قانون اساسی به وضوح شرایط مندرج در ماده ۷۹ را تعریف نمی کند، حکومت آزاد است که معیارهای خود را در تعیین اینکه آیا «اضطرار» در واقع وجود دارد یا نه، تصویب کند. تنها راه پارلمان برای احیا قدرت خود، در شروع اجلاس رد فرامین تقنینی صادر شده در زمان رخصتی آن است. همان ۹۱۰.

۱۰۶ علی یاورعادلی، سلیمه احمدی، لانی لینکه و کیت کلارک، «مانع دیگری برای انتخابات سال ۲۰۱۶: اعضای مجلس نمایندگان، فرمان ریاست جمهوری در مورد کمیسیون انتخابات را رد کردند» (شبکه تحلیگران افغانستان ۲۰۱۶).

۱۰۷ «فرمان اصلاحات انتخاباتی نیازی به تصویب مجلس ندارد» اخبار پژواک افغانستان (۱۲ جون ۲۰۱۶). [https://www.pajhwok.com/en/%E2%80%9C%E2%80%9C-reform-decrees-need-parliament-approval/](https://www.pajhwok.com/en/%E2%80%9C%E2%80%9C-reform-decrees-need-parliament-approval) (دسترسی در ۱۳ جولای ۲۰۱۸).

۱۰۸ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۷۹.

به گفته تعدادی از ناظران، یکی دیگر از مشکلات جدی که فرامین تقنینی ایجاد می کند این است که محاکم قوانینی را که از طریق فرامین تقنینی تصویب شده و توسط پارلمان تصویب نمی شود را اعمال نمی کند. در این راستا، محاکم معتقدند که چنین فرامینی آنگونه که در قانون اساسی تعریف شده است، «قانون محسوب نمی شوند. قانون اساسی، قانون را به عنوان یک سندی تعریف می کند که توسط هر دو مجلس تصویب شده و به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد.^{۱۰۹} به این ترتیب عدم ارجاع فرامین تقنینی برای تصویب به پارلمان بر انفاذ آن منتج نشده، زیرا آنها قانون نیستند. همانطور که در این مقاله بعداً مورد بحث قرار می گیرد، در عمل این مواد قانون اساسی سال ۲۰۰۴ به قوه مجریه صلاحیت های قانونگذاری می بخشد، صلاحیت های تقنینی پارلمان را محدود ساخته است. این مفاد قانون اساسی مجلس را مجبور کرده تا نقش منفعل در تهیه و تصویب قانون را بازی کند. بنابراین، مجلس قادر به پیش نویس قوانین نبوده است.

علاوه بر این، قانون اساسی ۲۰۰۴ صلاحیت های سیاسی قابل توجهی را برای بررسی افزایش بی رویه قدرت قوه مجریه به ولسی جرگه بخشیده و نقش آن در نظارت بر عملکرد قوه اجرائیه را تسهیل می کند. در این راستا، قانون اساسی صلاحیت های ولسی جرگه در مورد استجواب وزرا در مورد فعالیت های شان؛ تصمیم گیری در مورد برنامه های انکشافی و بودجه حکومت و پذیرش یا رد انتصاب های ریاست جمهوری را تضمین نموده است.^{۱۱۰} درست همانطور که پارلمان تحت قانون اساسی دموکراتیک قدرت بیشتری برای تأیید انتصاب مقامات عالی رتبه حکومتی دارند، همچنین مجاز است تا این تأیید را زمانی که مقامات مربوطه که متهم به غفلت و نقض جدی باشند، پس بگیرد.^{۱۱۱} یکی از مهم ترین قدرت های ولسی جرگه در ماده ۹۲ قانون اساسی آمده و مقرر می دارد که بر اساس پیشنهاد بیست فیصد از اعضای آن، ولسی جرگه می تواند وزیران حکومت را احضار کند و آنها را در مورد فعالیت های وزارت مربوطه استیضاح کند. اگر ولسی جرگه توضیحات وزیر را رضایتبخش پیدا نکند، می تواند رأی عدم اعتماد را صادر و وزیر را عزل کند. قانون اساسی الزام می دارد که تمام رای گیری های عدم اعتماد باید بر اساس «دلایل صریح، مستقیم و قانع کننده» باشد و باید توسط اکثریت اعضای ولسی جرگه تأیید شود.^{۱۱۲}

ماده ۹۲ در واقع برای ولسی جرگه چهار مکانیزم مرتبط برای نظارت بر اقدامات وزیران حکومت را فراهم می کند. اولین مکانیزم استماع است که ولسی جرگه از وزرای حکومت دعوت می کند گزارشات را درباره فعالیت های وزارتخانه های شان ارائه کند؛ این مکانیزم مستلزم تحقیق توسط نمایندگان در مورد عملکرد وزارتخانه ها نیست. مکانیزم دوم استجواب است. نمایندگان پارلمان از وزرا سوالاتی نموده و خواهان وضاحت از سوی آن ها در مورد وزارت خانه هایشان می باشند. مکانیزم سوم، استیضاح بوده که رای عدم اعتماد را معمولاً به دنبال دارد.^{۱۱۳} و مکانیزم نهمی رای عدم اعتماد است. با وجودی که این مکانیزم ها، فرایندی به نظر می رسد که از ارسال گزارشات به پارلمان آغاز شده و ممکن است با رای عدم اعتماد به پایان برسد، اما لازم به ذکر است که پارلمان افغانستان گاهی اوقات تنها با یکی از این مکانیزم ها اکتفا می کند. اخیراً، به عنوان مثال، در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۸، ولسی جرگه وزیر زراعت و رئیس د افغانستان بانک را درباره فعالیت های موسسات آنها استجواب نموده و به پاسخ افراد مذکور اکتفا نموده است. ولسی جرگه به طور مرتب از این مکانیزم ها برای نگهداری قوه ی مجریه (مخصوصاً وزرا) تحت نظارت خود استفاده می کند؛ و گاهی اوقات از عزل یک وزیر حکومت نیز دریغ نمی کنند. به عنوان مثال، در تاریخ ۱۲ نوامبر سال ۲۰۱۶، وزرا به پارلمان احضار گردیده و سپس تمام وزرای حکومت را که بیش از ۷۰ درصد بودجه انکشافی وزارت خانه خود را در سال مالی سال ۲۰۱۵ مصرف نکرده بودند مورد استیضاح قرار داد.^{۱۱۴} و هنگامی که پارلمان از توضیحات شماری از این وزرا (هفت نفر) قانع نگردد، آن ها را از سمت وزارت برکنار نمود.^{۱۱۵}

۱۰۹ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۹۴.

۱۱۰ همان ماده ۹۱

۱۱۱ محمد هاشم کمالی، رابطه بین مجلس و مسئله تفسیر و قضاوت قانون اساسی در طول سال های حکومت کوزی، (کابل: موسسه حمیده برمکی، مقاله کاری (۲۰۱۵)، ۲۴، در http://www.hborl.org.af/wp-content/uploads/2015/09/2017/Kamali_Relations-between-between-executive-and-parliament-and-constitutional-interpretation.pdf

۱۱۲ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۹۲.

۱۱۳ استیضاح درخواست رسمی یک مجلس به حکومت برای پاسخگویی به سوالات مجلس است. این اغلب شامل یک روش جداگانه نسبت به استجواب است. این روش نظارت پارلمانی، نیاز به حمایت از سوی یک تعداد خاص از نمایندگان مجلس دارد. استیضاح معمولاً به طور مستقیم با رای عدم اعتماد متصل می باشد. ممکن است در یک جلسه استجواب که شامل تهدید رای عدم اعتماد نیست، وزرای دولت برای سوالاتی مورد پرسش قرار گیرند.

۱۱۴ توماس راتینگ، «پارلمان مجدداً با وزیران مبارزه می کند: مبارزه قدرت چند بعدی» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۶).

۱۱۵ همان

در نهایت، قانون اساسی ۲۰۰۴ مقرر می‌دارد که پارلمان باید به تأیید سیاست‌های اساسی حکومت، تصویب اعلام جنگ، ارسال نیروهای نظامی به کشورهای خارجی و اعلام وضعیت اضطراری بپردازد. در صورتی که یک مجلس پارلمان تصمیم مجلس دوم را در مورد این مسائل رد کند، کمیته مشترک از نمایندگان دو مجلس برای حل این مسئله تشکیل خواهد شد. نه قانون اساسی و نه اصول وظایف داخلی هر دو مجلس به تعیین طول مدت کار این کمیته‌های مشترک پرداخته است. اگر کمیته مشترک نتواند اختلاف را حل کند، تصمیم ولسی جرگه تصمیم نهایی خواهد بود. این توزیع نابرابر قدرت میان دو مجلس پارلمان، نشانگر ارجحیتی است که ولسی جرگه مستقل منتخب از لحاظ مشروعیت دموکراتیک نسبت به مشرانو جرگه ی دارد که قسمتی از اعضایش به طور غیر مستقیم انتخاب شده و قسمت دیگر آن انتصابی هستند.^{۱۱۶}

جدول ۳: بررسی مقایسوی صلاحیت‌های دو مجلس

| صلاحیت‌ها | ولسی جرگه | مشرانو جرگه |
|---|-----------|-------------|
| تایید یا رد انتصابات ریاست جمهوری | بلی | نخیر |
| عزل وزاری حکومت | بلی | نخیر |
| تصویب بودجه حکومتی | بلی | نخیر |
| تصویب برنامه‌های انکشافی | بلی | نخیر |
| تصویب، تعدیل یا لغو قوانین | بلی | بلی |
| تصویب قوانین و تو شده توسط حکومت یا مشرانو جرگه | بلی | نخیر |
| ریاست جلسات مشترک ولسی جرگه و مشرانو جرگه | بلی | نخیر |
| سرپرستی از دفتر ریاست جمهوری در صورت وفات رئیس جمهور و معاون آن | نخیر | بلی |
| ایجاد کمیسیون‌های حقیقت یاب ویژه | بلی | نخیر |
| تصویب کنوانسیون‌های بین المللی | بلی | نخیر |

وظایف و صلاحیت های پارلمان در عمل: ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۸

در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۵، تقریباً شش میلیون افغان برای انتخاب اعضای پانزدهمین ولسی جرگه تاریخ افغانستان رای دادند، انتخاباتی که در طول چهار دهه گذشته نخستین پارلمان منتخب دموکراتیک افغانستان را بوجود آورد. ۱۱۷ دقیقاً پنج سال بعد، در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۰، افغان ها دوباره به سوی انتخابات رفته و شانزدهمین پارلمان را در تاریخ افغانستان، دومین پارلمان تحت قانون اساسی ۲۰۰۴ - را انتخاب کردند. دوره پنج ساله پارلمان (به ویژه ولسی جرگه) که در سال ۲۰۱۰ انتخاب شده بود، در تاریخ ۲۲ جون ۲۰۱۵ به پایان رسید و انتخابات پارلمان جدید باید در اپریل ۲۰۱۵ صورت می گرفت. با این حال، به دلایل مختلف از قبیل عدم امنیت، فقدان تدارکات انتخاباتی، انتخابات ریاست جمهوری، کمیسیون انتخابات ناکام و کمبود بودجه، حکومت موفق به برگزاری انتخابات در سال ۲۰۱۵ نشد. کمیسیون مستقل انتخابات، انتخابات را در اکتوبر ۲۰۱۸ برگزار نمود اما تا زمان ختم این نوشته، موفق به اعلان نتایج آن نشده است و پارلمان منتخب سال ۲۰۱۰ برای بیش از سه سال دیگر همچنان به کار خود ادامه می دهد.

بلافاصله پس از افتتاح پارلمان در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵، پارلمان افغانستان شروع به اجرای صلاحیت های مبتنی بر قانون اساسی خود برای نظارت بر قوه اجرایی کرد. اولین اقدام مهم آن به عنوان یک ارگان نظارتی در ماه مارچ سال ۲۰۰۶ میلادی با اعلان این که وزرا نه به صورت دسته جمعی بلکه باید به صورت جداگانه مورد تایید پارلمان قرار بگیرند صورت گرفت. حرکتی که می توانست نفوذ و کنترل پارلمان را بر قوه اجرایی افزایش بدهد. ۱۱۸ به همین ترتیب، در ماه می ۲۰۰۶ نمایندگان پارلمان، رئیس جمهور کزری را مجبور کرد تا اعضای ستره محکمه که به وسیله فرمان تقنینی و بدون دخالت پارلمان انتخاب شده بودند را جایگزین کنند. ۱۱۹ پارلمان اعلام نمود که مقامات بلند پایه حکومتی، از جمله لوی خاتونال و رییس امنیت ملی تنها پس از تایید پارلمان می توانند انتصاب شوند. اخیراً، زمانی که حکومت وحدت ملی اولین وزیر کابینه خود را برای تصویب به پارلمان معرفی کرد، پارلمان اکثر نامزدها را رد نموده و تنها به چند نفر رای تأیید داد. ۱۲۰ علاوه بر این، در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، پارلمان از رد تعدادی از فرامین تقنینی ریاست جمهوری در مورد اصلاح نظام انتخاباتی کشور دریغ ننمود.

رد نامزدها و فرامین تقنینی معرفی شده نشان داد که پارلمان به عنوان یک نهاد فزاینده قدرتمند با هدف ثابت محدود کردن قدرت قوه مجریه و اعمال نقش کلیدی در تصویب، تعدیل و بازنگری قوانین ظاهر شده است. اکثر ناظران در حقیقت از این اقدامات پارلمانی استقبال نموده و امیدوار بودند که پارلمان همچنان به عنوان یک کنترل موثر بر اقدامات اجرایی ادامه به کار دهد. با این حال، تجارب نشان می دهد که در طول زمان پارلمان در واقع در پی تلاش برای حفظ شدت نظارت خود بر قوه اجرایی بوده است. با گذشت زمان، روابط پارلمان با قوه مجریه رو به وخامت گذاشت و پارلمان شروع به تنزیل اجرایی در قسمت اعمال قدرت که باعث بهبود بقای سازمان و افزایش نفوذ آن بر قوه مجریه بود، نمود. به جای آن، نمایندگان پارلمان در پی تأمین منافع فردی خود گردیده اند. ۱۲۱ به عنوان مثال، نمایندگان پارلمان قانون مصونیت پارلمانی را تصویب نموده و بیشتر وقت خود را صرف بحث در مورد افزایش و گسترش حقوق و مزایای بیشتر برای خود کردند. ۱۲۲ علاوه بر این، قوه مجریه نیز با نادیده گرفتن تصمیمات پارلمان در صدد تضعیف این نهاد قرار گرفت. به عنوان مثال، در مواردی که پارلمان وزیری را عزل می نمود قوه مجریه او را ملزم به ادامه کار در سمت وزارتش می داد. نمونه اخیر صلاح الدین ربانی، وزیر امور خارجه است که پارلمان آن را در ماه نوامبر سال ۲۰۱۶ معزول ساخت، اما همچنان به عنوان وزیر عمل می کند. به نظر می رسد که عملکرد نمایندگان پارلمان روبه ضعف نموده و فعالیت های قانونگذاری و نظارتی آن توسط سیاست گذاران و ناظران افغان و خارجی مورد سوال و انتقاد قرار گرفته است.

صلاحیت های قانونگذاری پارلمان در عمل

قانون اساسی ۲۰۰۴ پارلمان را مجاز به وضع قوانین مورد نیاز می داند. پیشنهاد قانون می تواند توسط حکومت، ستره محکمه (فقط در موارد قضایی)، یا از طریق تقاضای ۱۰ نماینده پارلمان و تصویب یک پنجم تمام اعضا، آغاز شود. ۱۲۳ از سال ۲۰۰۵، زمانی که اولین پارلمان تحت قانون اساسی سال ۲۰۰۴ انتخاب شد، الی اکنون پارلمان افغانستان تعداد زیادی از قوانین را تصویب کرده است. ۱۲۴ با این حال، تنها تعدادی انگشت شماری از این قوانین به ابتکار پارلمان بوجود آمده است. قوه مجریه تقریباً تمامی این

۱۱۷ اندرو وایلد، تجزیه و تحلیل انتخابات سال ۲۰۰۵ افغانستان (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۵)، ۱

۱۱۸ کنت کاتزمن، «افغانستان: سیاست، انتخابات و عملکرد دولت» (واشنگتن دی سی، خدمات تحقیقاتی کنگره، ۲۰۱۵)، ۷، قابل دسترس است در <https://fas.org/spp/crs/row/pdf.RS21922> (در تاریخ ۱۷ جون ۲۰۱۸ دسترسی).

۱۱۹ همان

۱۲۰ توماس روتینگ و تیم «AAN»، «افغانستان اکنون یک کابینه ای مطابق به قانون اساسی دارد: ۱۱ کاندیداهای وزارت رای اعتماد گرفتند»، (دسامبر ۲۰۱۷) قابل دسترس است در: <https://www.afghanistan-analysts.org/afghanistan-has-now-a> (در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۸ دریافت گردید).

۱۲۱ «نیوم»، «افغانستان: دموکراسی پارلمانی غیر حزبی»، مجله مناطق در حال توسعه ۷، شماره ۱ (۱۹۷۲).

۱۲۲ Tolonws، «مجلس پایینتر قانون مجوز دادن مجوزهای جدید به مجریان» را تصویب کرد (۱۲ جولای ۲۰۱۴)، قابل دسترس در <https://www.tolonews.com/afghanistan/> (در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۸ دسترسی پیدا کرد).

۱۲۳ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۹۵.

۱۲۴ برای فهرست کامل این قوانین تا سال ۲۰۱۶، بنگرید به: علی آقا مازدی و نوروز راجا، نقض قانون اساسی در ۱۳ سال، (کابل: خانه آزادی افغانستان، ۲۰۱۶)

قوانین را برای تصویب پارلمان پیشنهاد کرده است. ۱۲۵ بعنوان مثال، از سال ۲۰۰۵، پارلمان توانست است تنها پنج قانون را طرح و تصویب کند. این قوانین عبارتند از: قانون سازش ملی و عفو عمومی ۱۳۶، قانون امتیازات و مصونیت نمایندگان پارلمان ۲۰۱۴، قانون پیشگیری از آزار و اذیت علیه زنان و کودکان ۲۰۱۶، قانون کارکنان دیپلماتیک و کنسولی افغانستان ۲۰۱۴، قانون انتشار و اعلام اسناد قانونی در ۲۰۱۷.

اکثر کارشناسان که برای این تحقیق مصاحبه شده اند، اظهار داشتند که طرح و تصویب تعداد اندکی از قوانین (که در بالا ذکر شد) توسط پارلمان، نشان می دهد که عملکرد پارلمان در این زمینه کمتر از حد رضایت بخش بوده است. نگاهی دقیق تر به این قوانین نشان می دهد که پارلمان از عدم تخصص و دانش حقوقی در هنگام استفاده از حق خود برای ایجاد قانون برخوردار است. این قوانین بطور قابل ملاحظه ای مبهم و تنها شامل چند ماده هستند. علاوه بر این، در نسخه های پشتو و دری در برخی از این قوانین تضاد هایی وجود دارد.

کارشناسان به دلایل زیر به عنوان عوامل کمبود ظرفیت برای تولید متون حقوقی از داخل پارلمان اشاره کرده اند. اول، پارلمان به میزان قابل توجهی پراکنده شده است؛ هیچ حزب سیاسی یا گروه های موثر پارلمانی وجود ندارد که بتواند نقش سازنده ای در پیشنهاد و طرح قانون بازی کند. دوم، خصومت های شخصی و حزبی باعث شده تا بسیاری از نمایندگان پارلمان نتوانند برای طراحی قانون با هم کار کنند. سوم، بعضی از نمایندگان پارلمان از تحصیلات عالی برخوردار نیستند (ضمیمه ۱ میزان تحصیلات نمایندگان پارلمان را نشان می دهد). چهارم، تعداد زیادی از نمایندگان پارلمان همواره غایب هستند و پنجم، کمک های حقوقی خارجی بسیار کمی در زمینه های قانونگذاری ارائه می شود و یا این کمک های حقوقی که توسط سازمان های بین المللی غیر دولتی در پروژه های خاص ارائه می شوند، موقتی است. ترکیبی از این موانع، پارلمان را به نهادی که تنها نقش آن، تصویب قوانین پیشنهاد شده از سوی قوه مجریه می باشد، تنزیل داده است.

علاوه بر این، چارچوب حقوقی مبهمی که صلاحیت های قانونی پارلمان را احاطه کرده است، تاثیر منفی بر عملکرد پارلمان داشته است. علیرغم این که قانون اساسی صلاحیت قانونگذاری قابل توجه را در اختیار قوه مجریه قرار می دهد، به رئیس جمهور نیز حق وتو برای رد قوانینی که به ابتکار خود پارلمان وضع و یا تعدیل قوانینی که از سوی قوه مجریه پیشنهاد گردیده است، اعطا می کند. پارلمان حق دارد با اکثریت دو سوم آرا وتو رئیس جمهور را بی اثر کند، اما در عمل، اجرای این صلاحیت پارلمان هرگز راحت و بدون مشکل نیست. در مواردی که پارلمان وتوی رئیس جمهور را بی اثر می کند؛ رئیس جمهور بر اساس ماده ۱۲۱ قانون اساسی مصوبه ی پارلمان را به ستره محکمه کشور برای بررسی مطابقت آن با قانون اساسی ارجاع می دهد. ۱۲۷ تجارب نشان می دهد که ستره محکمه تقریباً در تمامی این سناریوها با قوه ی مجریه در یک جبهه قرار دارد. ۱۲۸ همانطور که در مثال های زیر نشان داده می شود، نسخه ی از قانون که در نشریه رسمی منتشر می شود همانی است که مواد مورد پسند قوه ی مجریه را در خود جای داده و در آن ستره محکمه کشور تعدیلات پارلمانی را خلاف قانون اساسی تلقی می کند. موارد زیر نشان می دهد که چگونه رئیس جمهور از مکانیزم بازنگری قانونی برای تضعیف قدرت های تقنینی پارلمان استفاده می کند.

در سپتامبر ۲۰۰۹، پارلمان افغانستان قانون رسانه های همگانی را که از مدت طولانی به تعویق افتاده بود تصویب کرد. در پیش نویسی که حکومت برای تصویب به ولسی جرگه ارسال کرده بود، ماده ۱۳ این قانون تصریح می کرد که رئیس جمهور باید رئیس رسانه دولتی، رادیو تلویزیون ملی افغانستان را تعیین کند. پارلمان ماده ۱۳ این قانون را با اضافه کردن یک عنصر کلیدی که رئیس رادیو تلویزیون افغانستان باید رای اعتماد از پارلمان را کسب کند، تعدیل کرد. ۱۲۹ با این اصل رئیس رادیو تلویزیون ملی افغانستان برای به دست آوردن رای اعتماد از پارلمان، پارلمان ظاهراً تلاش برای افزایش نفوذ خود در قوه مجریه می نمود. با این وجود، رئیس جمهور کرسی به دلیل این مقررات خاص در ماده ۱۳، قانون رسانه های همگانی را وتو کرد. حامد کرسی پیشنهاد داد که رئیس جمهور باید رئیس رادیو تلویزیون ملی افغانستان را بدون تصویب پارلمان تعیین کند؛ چرا که قانون اساسی به رئیس رادیو تلویزیون ملی افغانستان در فهرست مقامات حکومتی که نیاز به تصویب پارلمان دارد، اشاره نمی کند؛ ۱۳۰ پارلمان علی رغم وتوی ریاست جمهوری، این قانون را با رای بیش از دو سوم اکثریت مجدداً به تصویب رساند. رییس جمهور کرسی با عدم اقبال از قانون رسانه های همگانی، به ستره محکمه در مورد عدم مطابقت آن با قانون اساسی اعتراض کرد. ۱۳۱ ستره محکمه کشور با رئیس جمهور در یک صف قرار گرفته و ماده ۱۳ قانون رسانه های همگانی را مغایر قانون اساسی

۱۲۵ حمیدی و جیاکودی، «تفکیک قوا»، ۱۵.

۱۲۶ رئیس جمهور کرسی پیش نویس اولیه قانون «مصالحه ملی و عفو عمومی» را امضا نموده و سپس مجلس این قانون را با اکثریت دو سوم تصویب کرد و قانون سازش ملی و عفو عمومی بدون امضای رئیس جمهور تحت ماده ۹۴ قانون اساسی به اجرا گذاشته شد.

۱۲۷ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۱۲۱

۱۲۸ غزال حارث، «بازنگری قضایی در افغانستان: یک عمل ناقص» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۷).

۱۲۹ نگاه کنید به قانون رسانه های همگانی ماده ۱۳ [Official Gazette No. ۹۸۶ (۲۰۰۹)].

۱۳۰ نگاه کنید به: غزال حارس، «بررسی شکایات انتخاباتی: افغانستان و خطرات عدم مطابقت با قانون اساسی، مطالعه موردی: محکمه خاص انتخاباتی ۲۰۱۰» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۴).

۱۳۱ قانون رسانه های همگانی، ماده ۱۳

اعلام کرد. ۱۳۲ نسخه تجدید نظر شده قانون رسانه های همگانی سپس در جریده رسمی منتشر شد. رییس جمهور کرسی سپس رییس تلویزیون ملی افغانستان را بدون تایید پارلمان منصوب نمود.

به همین ترتیب، در ماه اگست سال ۲۰۱۴، پارلمان افغانستان قانون کارکنان دیپلماتیک و کنسولی افغانستان را تصویب کرد. قانون کارکنان دیپلماتیک و کنسولی افغانستان شامل دو موضوع بحث برانگیز بود؛ اولاً ماده (۵) فقره (۱) قانون کارکنان دیپلماتیک و کنسولی افغانستان مقرر داشت که تمام کارمندان کنسولی و دیپلماتیک وزارت امور خارجه باید به طور انحصاری از شهروندان افغان باشند و تابعیت کشور دیگر را نداشته باشند. دوم، با تصویب این قانون، همه پرسنل کنسولی و دیپلماتیک وزارت امور خارجه افغانستان که دارای تابعیت دوگانه یا چند تابعیتی هستند، باید به طور اتوماتیک اخراج شوند.^{۱۳۳}

وزارت امور خارجه با طرح مطابقت قانون کارکنان دیپلماتیک و کنسولی افغانستان با قانون اساسی درستره محکمه به چالش کشید. در این مورد، محکمه با حکومت همکاری کرد و مقررات ۵ (۱) و ۸ این قانون را مغایر با قانون اساسی اعلام کرد.^{۱۳۴}

به طور خلاصه، قدرت قانونگذاری پارلمان در عمل در طول یک و نیم دهه گذشته کاهش یافته است. تحقیقات این مقاله حاکی از آن است که که بیشتر نمایندگان پارلمان از دستاوردهای قانونگذاری پارلمان در ۱۳ سال گذشته راضی نیستند.^{۱۳۵} بیشتر بر این باور هستند که در این راستا تلاش به اندازه کافی برای اجرای انتظارات مردم صورت نگرفته است. آنها از عدم توانایی نمایندگان پارلمان در پیشنهاد و طراحی قوانین و مداخله قوه اجراییه در قضایای قانونگذاری شاکی هستند. به عبارت دیگر، آنها استدلال کردند که نمایندگان پارلمان از دانش و تجربیات حقوقی که بتواند در این زمینه به آنها کمک کند برخوردار نیستند. علاوه بر این، بسیاری از کارشناسان که برای این تحقیق مصاحبه شده بودند، به چارچوب قانونی مبهم که صلاحیت های قانونگذاری پارلمان را محصور کرده است به عنوان اساسی ترین مانع فراروی اجرای موثر وظایف قانونگذاری پارلمان اشاره کردند.

صلاحیت های نظارت پارلمان در عمل

برخلاف صلاحیت های قانونگذاری که پارلمان به ندرت از آن ها استفاده می کند، این نهاد به طور گسترده از صلاحیت نظارتی بر قوه مجریه استفاده می کند. طراحان قانون اساسی سال ۲۰۰۴ صلاحیت های نظارتی را به پارلمان به این دلیل اعطا کردند تا به بقای سازمانی آن را به عنوان نهاد مستقل و مساوی با حکومت تضمین کنند. با این وجود، یک موضوع اصلی که از داده های جمع آوری شده در این تحقیق پدید آمده است، نشان می دهد که بسیاری از نمایندگان پارلمان به بهبود ظرفیت کلی پارلمان در کنترل قوه مجریه توجهی نداشته اند.^{۱۳۶} پارلمان اغلب از مکانیزم های نظارتی که در اختیار دارد، از جمله رای عدم اعتماد برای انجام اقدامات تلافی جویانه در مقابل قوه اجراییه به جای استفاده از این حق برای بهبود و سازندگی استفاده نموده است.

شیوه و تعدد مراتبی که در آن پارلمان از حق خود برای عزل وزرای حکومت با دادن رأی عدم اعتماد استفاده کرده است، اجرای این شیوه نظارتی را از اولین باری که در عمل مورد استفاده قرار گرفت، مشکل ساز ساخت.^{۱۳۷} به عنوان مثال، در می سال ۲۰۰۷ زمانی که پارلمان آقای اسپینا وزیر خارجه وقت را عزل نمود، رییس جمهور کرسی نسبت به تصمیم پارلمان اعتراض نموده و از انتصاب جایگزین سر باز زد. در یک سلسله اخیر از احضار و استجواب وزرا در پارلمان ۱۷ وزیر حکومت وحدت ملی را که بیش از ۷۰ درصد از بودجه توسعه خود را مصرف نکرده بودند، مورد استیضاح قرار داد که در نتیجه هفت تن از وزرا معزول گشتند.^{۱۳۸} این بار رییس جمهور غنی در باره این تصمیم پارلمان به ستره محکمه شکایت نموده و وزرای معزول را یک سال در وزارت شان نگهداشت. هر رای عدم اعتماد از سوی پارلمان ظاهراً مسبب بحران های قانون اساسی در کشور گردیده است.

۱۳۲ محکمه استدلال کرد که قانون اساسی به وضوح مستلزم تایید مجلس برای وزرا، لوی خازنوال، قضات محکمه، رئیس بانک مرکزی، مدیر امنیت ملی و اعضای کمیسیون مستقل نظارت بر اجرای قانون اساسی است. انتصاب مقامات عالی رتبه دولتی دیگر توسط ریاست جمهوری، مانند رئیس رادیو تلویزیون ملی افغانستان، نیازی به تصویب پارلمان ندارند. محکمه ادعا کرد که مجاز نمودن مجلس به تصویب انتصاب رئیس رادیو تلویزیون ملی افغانستان از نظر فنی مستلزم تعدیل قانون اساسی است. به گفته محکمه، تصویب قانون اساسی تنها از صلاحیت لوی جرگه قانون اساسی است و نه اختیارات مجلس. بنابراین، محکمه ماده ۱۳ را از قانون رسانه های همگانی حذف و در یک پاروچی محکمه اظهار داشت که ماده ۱۳ خلاف قانون اساسی است.

۱۳۳ قانون کارکنان دیپلماتیک و کنسولی، ماده ۵ (۱) و ۸، جریده رسمی شماره. ۱۱۰۵ (۲۰۱۴).

۱۳۴ محکمه عالی اظهار داشت که قانون اساسی ملزم به یک تابعیت واحد تنها برای دو دسته مقامات دولتی - رئیس جمهور و معاونان رئیس جمهور است. علاوه بر این دو مقام دولتی، در قانون اساسی ۲۰۰۴ الزامیت داشتن تابعیت واحد افغانی برای دیگر مقامات دولتی وجود ندارد. محکمه همچنین اظهار داشت که قانون اساسی حتی وزرا را ملزم به داشتن تابعیت واحد افغانی نمی کند. ماده ۷۲ قانون اساسی بیان می دارد که تابعیت های دوگانه یا چندگانه نباید مانع تعیین یک وزیر شود، اما این ماده مجلس را مجاز می داند که نامزد وزیر یا تابعیت های دوگانه یا چند ملیتی را قبول یا رد کند. این پیش بینی، از نظر محکمه، به این معنا بود که رئیس جمهور می تواند یک فرد با تابعیت های مختلف را به عنوان وزیر معرفی کند. بنابراین محکمه چنین تصریح کرد که طراحان قانون اساسی تنها قابل به الزام رئیس جمهور و معاونان آن به داشتن به یک تابعیت واحد است. هرگونه تسری این الزامیت به دیگر مقامات دولتی، مستلزم به تعدیل قانون اساسی خواهد بود که از صلاحیت پارلمان نیست. به همین ترتیب، محکمه تصریح کرد که مقررات ۵ (۱) و ۸ LDCSA غیرقانونی است.

۱۳۵ این دیدگاه توسط ناظران پارلمان افغانستان و نمایندگان مجلس مورد مصاحبه قرار گرفتند رایه گردید. این دیدگاه در واقع یکی از موضوعات اصلی بود که از داده های اولیه جمع آوری شده این تحقیق به دست آمد.

۱۳۶ یک نماینده مجلس با مصاحبه با این تحقیق اظهار داشت که مسئله رای عدم اعتماد به ابزار اعضای مجلس نمایندگان تبدیل شده است تا بتواند از وزیران دولت برای پذیرش درخواست های شخصی خودخواهانه استفاده کند. این نماینده مجلس نمونه ی از استفاده ی نادرست رای عدم اطمینان بیان نمود. این مثال مرتبط به وزیر سابق حمل و نقل بود. وزیر یک نامه رسمی به پارلمان فرستاد تا بتواند وسایل نقلیه وزارت حمل و نقل را که مجلس نمایندگان آنها استفاده می کرد، بازگرداند. روز بعد، بسیاری از نمایندگان مجلس برای استیضاح وزیر حمل و نقل به جمع آوری امضا پرداختند.

۱۳۷ محمد هاشم کمالی، «ده سال پس از تصویب قانون اساسی افغانستان: مسائل اصلی کدام ها اند؟» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۴)، ۹.

۱۳۸ توماس راتینگ، «پارلمان مجدداً با وزیران مبارزه می کند: مبارزه قدرت چند بعدی» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۶).

با این وجود این مکانیزم نظارت به شمول استماع و استیضاح می تواند در صورت استفاده از روش نامناسب و غیر سازنده (به عنوان مثال برای علاقه شخصی یا به منظور مقابله با افراد سیاسی) مشکل ساز باشد.^{۱۳۹} متأسفانه، در افغانستان بیشترین رای عدم اعتماد نه به منظور تقویت صلاحیت های نظارتی پارلمان، بلکه برای دیگر آمال نمایندگان پارلمان مورد استفاده قرار میگیرد. بنابراین پس از تقریباً هر رأی عدم اعتماد در برابر وزرای حکومت، پارلمان و قوه مجریه در یک اختلاف قرار می گیرند. مسئله این است که قوه مجریه اکثراً مطابقت رای عدم اعتماد پارلمان با قانون اساسی را به ستره محکمه ارجاع می دهد. بعد از ارجاع قوه اجراییه به دیوان عالی برای بررسی قانونی بودن رای عدم اعتماد، پارلمان محکمه را به تجدید نظر و بی توجهی در مورد تصمیماتش تهدید می کند.^{۱۴۰} عزل اخیر هفت وزیر یک مثال مفصلی در این رابطه ارائه می دهد. هنگامی که پارلمان این وزیران را معزول اعلان کرد، رئیس جمهور غنی به ستره محکمه مراجعه نمود تا به بررسی موجودیت یا فقدان دلایل قانع کننده بپردازد و با این حال، پارلمان به شدت واکنش نشان داده و اظهار داشت که ستره محکمه کشور صلاحیت حل این اختلاف را نداشته و تصمیم محکمه را نپذیرفت. بنابراین، در پایان، ستره محکمه با ترس از اقدامات تلافی جویانه از سوی پارلمان تصمیم گرفت تا به هیچ وجه در مورد این سوال قضاوت نکند.^{۱۴۱}

علاوه بر این، پارلمان به طور کامل و موثر برخی از صلاحیت های نظارتی را اجرا نکرده است. به عنوان مثال تعدادی از نمایندگان پارلمان که برای این تحقیق مصاحبه کردند اذعان داشتند که پارلمان از حق خود برای ایجاد کمیسیون ویژه ای برای بررسی اقدامات حکومت استفاده نکرده است. این درست است که چنین کمیسیون هایی تأسیس شده اند، اما اقدامات کافی برای مقابله با اعمال بی رویه ی قوه ی اجرایی نداشتند است. این امر به این دلیل است که پارلمان به طور پیوسته فعالیت های این کمیسیون ها را تعقیب نمی کند و گاهی اوقات حتی فراموش می کند که چنین کمیسیون ویژه ای را ایجاد کرده است.^{۱۴۲} به عنوان مثال، در ماه آگست ۲۰۱۱ پارلمان، یک کمیسیون ویژه را برای تحقیق در مورد اعمال غصب زمین به وسیله بازیگران حکومتی و غیر حکومتی و این که چرا حکومت ناکام در جلوگیری آن بوده است، ایجاد کرد.^{۱۴۳} اگرچه این کمیسیون ویژه، جلساتی را تشکیل داد و زمین های غصب شده و تعدادی از غاصبین را شناسایی کرد،^{۱۴۴} وضعیت این کمیسیون ویژه تا هنوز مشخص نشده است.^{۱۴۵} به گفته یکی از کارشناسان، این کمیسیون ویژه حتی پس از تأسیس، یک جلسه نیز برگزار نکرده است.

یکی دیگر از کارکرد های مهم پارلمان، صلاحیت آن بر بودجه حکومت می باشد. طبق قانون اساسی، حکومت دارای صلاحیت تهیه بودجه و تنظیم امور مالی است.^{۱۴۶} مسائل مربوط به تصویب بودجه حکومت توسط پارلمان ابتدا به مشرانو جرگه معرفی شده و همراه با نظر مشورتی مشرانو جرگه به ولسی جرگه راجع می شود.^{۱۴۷} این ولسی جرگه است که سخن نهایی را در مورد بودجه حکومت در هر دو صورت تصویب و یا رد اظهار می دارد.^{۱۴۸} اگرچه تصویب بودجه حکومت یک مکانیزم کلیدی برای کنترل قوه مجریه است، در عمل اثربخشی این مکانیزم در هم آمیخته است. نمایندگان پارلمان به داشتن معاملات شخصی با رئیس جمهور و وزراء برای دادن رای مثبت خود در مورد بودجه متهم شده اند.^{۱۴۹} با این وجود، باید گفت که چندین بار پارلمان قوه مجریه را برای رای مثبت بر بودجه حکومتی مجبور به پذیرش خواسته هایشان کرده است. به عنوان مثال، در اواخر سال ۲۰۱۶، ولسی جرگه برای مجبور کردن قوه مجریه به منظور معرفی وزرای جدید برای جایگزینی وزیرانی که با رأی عدم اعتماد از ولسی جرگه معزول شده بودند، دست زد که نتیجه آن انتصاب سه وزیر جدید بود.^{۱۵۰}

- ۱۳۹ کاوون کاکر، توماس کرمر و همایون رثوفی، «تکامل قوه اجرایی در افغانستان: نگاهی به گذشته و سفارشات به آینده» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۷)، ۳۴
- ۱۴۰ شمشاد پسروی، «هنگامی که محکمه تصمیم می گیرد تا تصمیم نگیرد: فهم دیوان عالی افغانستان برای تصمیم گیری سرنوشت وزیران معزول»، مجله بین المللی حقوق اساسی مقایسه‌ای، پست وبلاگ، (۲۲ مارچ ۲۰۱۷)، در دسترس است: <http://www.iconnectblog.com/2017/03/22/when-courts-decide-not-to-decide-understanding-the-afghan-supreme-courts-struggle-to-decide-the-fate-of-the-dismissed-ministers/> (accessed ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۸)
- ۱۴۱ در موارد خاص، پارلمان از مکانیزم نظارتش برای تأثیر منفی استفاده کرده است. به عنوان مثال، در اواخر سال ۲۰۱۷ پارلمان ۱۱ وزیر را از ۱۲ مورد معرفی شده توسط حکومت را تایید نمود، اما تنها نامزد زن را رد کرد - اقدامی که موجب انتقاد گروه های جامعه مدنی گردید.
- ۱۴۲ مصاحبه کارشناسان کلیدی (IQ)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۸ ژوئیه ۲۰۱۸).
- ۱۴۳ حمیدی و جیاکودی، «تفکیک قوا»، ۳.
- ۱۴۴ برای جزئیات بیشتر در مورد فعالیت های این کمیسیون ویژه، به مؤسسات تحقیقاتی زنان، صلح و امنیت، «گزارش ارزیابی عملکرد و شفافیت مجلس نمایندگان و مطابقت آن با قوانین افغانستان، ۲۰۱۰-۲۰۱۳» مراجعه کنید (۲۰۱۴): <http://afghandata.org/2014/08/08/when-courts-decide-not-to-decide-understanding-the-afghan-supreme-courts-struggle-to-decide-the-fate-of-the-dismissed-ministers/> (در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۸ دیده شده است).
- ۱۴۵ همان
- ۱۴۶ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۹۷.
- ۱۴۷ همان ماده ۹۸
- ۱۴۸ همان ماده ۹۱
- ۱۴۹ مصاحبه کارشناس کلیدی (SRM)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۹ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناس کلیدی (ZO)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۹ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناس کلیدی (GRQ)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۱۰ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناس کلیدی (HM)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۹ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناس کلیدی (IQ)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸).
- ۱۵۰ مصاحبه کارشناس کلیدی (QZH)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۷ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناس کلیدی (NA)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۱۰ جولای ۲۰۱۸).

کارشناسان به عوامل متعددی که ممکن است عملکرد پارلمان در نظارت بر قوه مجریه را تحت تاثیر قرار دهد اشاره کرده اند. اولاً اکثر نمایندگان پارلمان در مورد چارچوب قانونی مهمی که ظاهراً قدرت نظارتی پارلمان را تعیین می کند شاکی بوده اند. به عنوان مثال، قانون اساسی در قسمت این که کدام مقامات حکومتی و چه نوع رفتار آن ها را می توان مورد رأی عدم اعتماد قرار داد، روشن نیست. دوم، اکثر ناظران و نمایندگان پارلمان به طور یکسان از فقدان ظرفیت شخصی و سازمانی برای نظارت بر ادارات حکومتی شکایت دارند.^{۱۵۱} بدین ترتیب دانش حقوقی و فنی مورد نیاز در پارلمان وجود ندارد. و در نهایت برخی از نمایندگان پارلمان، دیگران را متهم به حمایت مداوم از حکومت و جلوگیری از ابتکار پارلمانی برای احضار و استیضاح مقامات حکومتی می نمایند.^{۱۵۲}

وظیفه نمایندگی پارلمان

یافته های این تحقیق نشان می دهد که پارلمان افغانستان در نمایندگی از مردم موفق نبوده است. ظاهراً، زمانی که نامزدی برای یک کرسی در پارلمان انتخاب می شود دفاتر محلی را برای برقراری ارتباط با حوزه انتخابی خود ایجاد نموده و مردم باید با مشکلات زیادی روبرو شوند تا با نماینده پارلمان خود تماس بگیرند و این خود سبب نا امیدی مردم در مورد عملکرد نمایندگان پارلمان گردیده است. برخی از نمایندگان مجلس در جلسات پارلمان حاضر نگردیده تا به بحث در مورد مسائل حوزه انتخابیه خود بپردازند و این نمایندگان را دور از مردمی که آنها را انتخاب کرده اند نگه میدارد.^{۱۵۳} رأی دهندگان شاکی بودند که نمایندگان مجلس از منافع مربوط به «کسب و کار شخصی خود» پیروی نموده و به ندرت مسائل مهمی مانند رفاه عمومی و مسائل مربوط به امنیت را مورد بحث و بررسی قرار می دهند.^{۱۵۴}

همانطور که قبلاً توضیح داده شد، به نظر می رسد مشکل وجود سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال است. این سیستم موفق نشد روابط بین نمایندگان پارلمان و حوزه های انتخابی آن ها را برقرار کند. در اینجاست که سیستم SMD یا نمایندگی تناسبی البته با فراهم آوری الزامیت های آن (به عنوان مثال نهادینه ساختن احزاب سیاسی برای سیستم نمایندگی تناسبی و تقسیم مناطق بزرگ را به چند واحد کوچکتر برای (SMD) مفید تر به نظر می رسد. اگر چه این سیستم جایگزین ممکن است همه نواقص سیستم انتخاباتی افغانستان را حل ننماید، اما ممکن است به ایجاد روابط بین نماینده و حوزه انتخابی آن را بهتر از سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال کمک نماید چرا که به دلیل کوچکتر بودن حوزه های انتخاباتی مردم با نمایندگان خویش بیشتر شناسایی خواهند داشت.

قانون اساسی سال ۲۰۰۴ طرقي را مقرر می دارد که وکلا را ملزم به برقراری ارتباط دائمی نمایندگان پارلمان با حوزه های انتخابی شان و سفر به آن مناطق دو بار در سال (یک بار در تابستان و یک بار در زمستان به مدت ۴۵ روز) می نماید. در این زمان، هنگامی که پارلمان در رخصتی به سر می برد، نمایندگان پارلمان باید مشکلات مردم را شنیده و هنگام بازگشت به پارلمان به آنها اطمینان دهند که دیدگاه های آنها مورد توجه قرار می گیرد. با این حال، در عمل، تعداد اندکی از نمایندگان پارلمان زحمت سفر به مناطق و صحبت با موکلین شان را متحمل می شوند. اغلب از این فرصت ها برای سفرهای خارجی و یا پیشبرد امور شخصی استفاده می کنند.^{۱۵۵} هیچ ارگانی که بتواند نمایندگان پارلمان را به دلیل عدم سفر به حوزه انتخابیه پاسخگو قرار دهد وجود ندارد. اگر چه این ممکن است نقض جدی قانون اساسی نباشد، اما اعتبار نمایندگان پارلمان و عملکرد آنها را تحت تاثیر قرار می دهد.

۱۵۱ ماروین ج. وینیوم، «به سوی یک مجلس موثرتر» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۲).

۱۵۲ در واقع سه بلاک در مجلس نمایندگان وجود دارد. اولین بلاک شامل آن دسته از نمایندگان مجلس می باشد که به صورت منظم همسو با حکومت هستند. بلاک دوم شامل نمایندگانی است که به طور مداوم با رئیس جمهور و حکومت مخالفت می کنند. بلاک سوم و بزرگتر شامل وکلای می گردد که حمایت و وفاداری آنها به طور مرتب تغییر می کند. وینیوم، «به سمت یک مجلس موثرتر؟»: همچنین ببینید به آنا لارسون، «ولسی جرگه در سیال، انتخابات ۲۰۱۰ و بی ثباتی» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۰).

۱۵۳ سلیمه احمدی، «۲۰۱۵ عملکرد ولسی جرگه: حضور کم، نظارت صوری» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۶).

۱۵۴ نفيه چوددوری و محمد عرفانی، «اصلاحات انتخاباتی و تجربه انتخابات پارلمانی در افغانستان: گزارش جامع»، مطالعات اصلاحات سیاسی سیستماتیک ۶۹ (کابل، موسسه مطالعات استراتژیک افغانستان، ۲۰۱۸).

۱۵۵ مصاحبه کارشناسان کلیدی (IQ) توسط زلی مایار، در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸).

چالش‌های پارلمان افغانستان

بر اساس اظهارات کارشناسان ملی و خارجی، برخی از مهمترین چالش‌های فراروی پارلمان افغانستان شامل موارد ذیل می‌شوند: موجودیت یک پارلمان منقسم که ناشی از سیستم انتخاباتی می‌باشد؛ چارچوب قانونی مبهم که وظایف و اختیارات پارلمان را در بر می‌گیرد؛ ناکامی حکومت برای برگزاری انتخابات پارلمانی در زمان معینه؛ عدم حساب‌دهی نمایندگان پارلمان به مردم، تلاش‌های قوه مجریه برای دور زدن پارلمان و نادیده گرفتن تصامیم آن و عدم توانایی شخصی و نهادی در پارلمان. این چالش‌ها استقلال پارلمان را تحت الشعاع قرار داده، به اعتبار آن در اذهان عموم آسیب رسانده و تاثیر منفی بر عملکرد پارلمان در دهه گذشته داشته است. ۱۵۶ تا زمانی که این مشکلات حل نگردد، دورنمای یک پارلمان موثر بعید به نظر می‌رسد.

سیستم انتخاباتی نا مناسب و یک پارلمان به شدت منقسم

یکی از بزرگترین چالش‌های موجود در پارلمان افغانستان، منقسم بودن و نبود مواضع و چارچوب‌های مشترک این نهاد است. از زمانی که اولین پارلمان پسا طالبان در سال ۲۰۰۵ افتتاح شد، هرگز به عنوان یک نهاد منسجم عمل ننموده در عوض، تقریباً ۲۴۹ تن و ۲۴۹ صدای متفاوت در پارلمان وجود دارد. ۱۵۷ نتایج سه انتخابات پارلمان نشان می‌دهد که نامزدان با پس زمینه‌های مختلف دینی، قومی و سیاسی به ولسی جرگه انتخاب شده‌اند. ۱۵۸ اگر چه این تنوع چیز نامطلوبی نیست، اما مشکل در این جاست که افراد با داشتن چنین پس زمینه‌های متنوع قادر به اتحاد و تشکیل ائتلاف‌های فراتر از منافع فردی، مذهبی یا منطقه‌ای خود نبوده‌اند. بنابراین، ولسی جرگه گاهی اوقات به عنوان «یک نهاد ذره‌ای، منقسم، و مکانی که در آن احزاب متعدد با عضویت و چارچوب مبهم و اغلب غیر قابل تشخیص عمل می‌کنند» توصیف می‌شود. ۱۵۹ براساس برخی برآوردها، ۲۲ تا ۳۳ حزب مختلف سیاسی در پارلمان نمایندگان خود را دارند. ۱۶۰

سیستم انتخاباتی رای واحد غیر قابل انتقال در ایجاد نوع نمایندگی مطلوب نا موفق بوده و و منجر به تاسیس پارلمان نا منسجم و بی انضباط گردیده و قادر به تشکیل «اتحاد سیاسی عملکردی که می‌توانست به صورت سازماندهی برای پاسخگو قراردادن قوه اجراییه موثر باشد نگردد. ۱۶۱ این سیستم مانع ایجاد یک پارلمان سازمان یافته گردید زیرا کاندیدا مجاز به داشتن وابستگی به احزاب سیاسی در انتخابات پارلمانی نیستند. ۱۶۲ در نتیجه، رای واحد غیر قابل انتقال پراکندگی را در پارلمان افزایش داده و منجر به انتخاب پارلمان «بی ثبات، و دارای سیاست جناحی و شخصیت‌های غیر پاسخگو» گردید و هیچ گاه قادر به جمع آوری در زیر یک پرچم ایدئولوژی و پالیسی واحد نگردید. ۱۶۳

با در نظر داشت موافقت دسته جمعی بر این که چالش اصلی پارلمان افغانستان انقسام و سیاست‌های فردمحور است، تقریباً همه کارشناسان کلیدی که برای این تحقیق مصاحبه شده‌اند، بیان داشتند که پارلمان باید به صورت هماهنگ و منسجم عمل نماید به طور خاص در هنگامی که بر اقدامات حکومت نظارت دارد. در این راستا، بسیاری از پالیسی‌سازان بر این باورند که سیستم انتخاباتی رای واحد غیر قابل انتقال، باید به طور کامل ترک گردیده یا حداقل اصلاح شود تا برخی از چالش‌هایی منفی که بر عملکرد پارلمان طی ۱۳ سال گذشته تاثیر گذار بوده است، مرفوع گردد.

سه پیشنهاد اصلی که برای اصلاحات از لابلای مصاحبه‌ها استنباط گردید قرار ذیل است: اولاً، بعضی از ناظران پیشنهاد دادند که افغانستان باید از برخی اشکال سیستم نمایندگی تناسبی (بیشتر نمایندگی تناسبی از طریق لیست باز) برای انتخابات پارلمانی استفاده نماید. ۱۶۴ طرفداران نمایندگی تناسبی از طریق لیست باز معتقد بودند که نمایندگی تناسبی به تشکیل و نهادینه سازی احزاب سیاسی در افغانستان و سپس دخول آنها در انتخابات پارلمانی به جای افراد مستقل تشویق خواهد کرد. سیستم رای انفرادی غیر قابل انتقال نشان داده است که این سیستم برای افغانستان مناسب نیست و سیستم PR نمایندگی بهتری را منجر می‌شود. ۱۶۵ همچنان سبب انتخابات پارلمان منظم و منسجم و هماهنگ تری می‌گردد. همچنان در سال ۲۰۰۵، بارت روپین در این زمینه بیان میدارد که بر خلاف رای

۱۵۶ مصاحبه کارشناسان کلیدی (MHK)، توسط شمشاد پسرلی و زلی مالیار از طریق اسکایپ (۱۳ اگست ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی، ماروین وینوم، توسط شمشاد پسرلی از طریق اسکایپ (۳ اگست ۲۰۱۸).

۱۵۷ مصاحبه کارشناسان کلیدی (AHN)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۱۲ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی (LRS)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۷ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی (MAR)، توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸).

۱۵۸ نیلوفر صدیقی، «ارتقاء احزاب سیاسی و قانونگذاری مستقل در افغانستان»، شماره ۴ (۲۰۱۲).

۱۵۹ همان

۱۶۰ همان

۱۶۱ همان

۱۶۲ بنگرید به: رینولدز و کری را «اصلاح سیستم انتخاباتی افغانستان»، ۸.

۱۶۳ همان

۱۶۴ سیستم انتخاباتی تناسبی حمایت بسیاری از احزاب سیاسی در افغانستان را دارا است. در روز ۲۴ فروری ۲۰۱۸، رهبران ۲۱ حزب نفوذ سیاسی (اغلب مجاهدین سابق) کنفرانسی در کابل برگزار کرده و خواستار تغییر سیستم فعلی SNTV و تصویب سیستم نمایندگی تناسبی شدند. نگاه کنید به چودوری و ایرفانی، «اصلاحات انتخاباتی»، ۲۳.

۱۶۵ تقریباً تمام ناظران مصاحبه شده برای این پژوهش این دیدگاه را به اشتراک گذاشتند. این دیدگاه نیز توسط برخی ناظران بین المللی به اشتراک گذاشته شده است. برنت روپین را ببینید «سیستم رأی نادرست»، نیویورک تایمز، ۱۶ مارچ ۲۰۰۵، <https://www.nytimes.com/2005/03/16/opinion/afghanistan-the-wrong-voting-system.html> [دسترسی در تاریخ ۴ جولای ۲۰۱۸]؛ همچنین نگاه کنید به Siddiqui، ارتقاء احزاب سیاسی است.

واحد غیر قابل انتقال که هر کدام از کاندیدا در برابر دیگران به رقابت می‌پردازد استفاده می‌کنند، نمایندگی تناسبی از طریق لیست باز انگیزه‌هایی را برای همکاری میان نامزدها و گروه‌های قومی در یک ولایت ایجاد می‌کند.^{۱۶۶} کارشناسان ملی و بین‌المللی افغانستان اذعان دارند که افغانستان در معرفی سیستم نمایندگی تناسبی موانع و دشواری‌های را (بدون توجه به باز یا بسته بودن لیست سیستم نمایندگی تناسبی) برای انتخابات پارلمانی مواجه خواهد شد، اما هشدار می‌دهند که ایجاد پارلمان مستقل و پایدار بدون آن ممکن نیست.

با این حال تعدادی از کارشناسان اظهار داشتند که افغانستان در حال حاضر در شرایطی قرار ندارد که نوعی سیستم نمایندگی تناسبی را معرفی کند، زیرا کشور هنوز فاقد احزاب سیاسی است. آن‌ها ترس از آن داشتند که مردم بیش از آن که مبتنی بر منافع ملی رای بدهند، ملاحظات قومی و مذهبی را مورد توجه قرار دهند. یکی از ناظران معتقد بود سیستم نمایندگی تناسبی بر اساس لیست باز، در عمل قابل اجرا نیست. غیر ممکن است تا هزاران لیست با نام احزاب سیاسی و نامزدها پر شود و مردم از میان آنها انتخاب نمایند.^{۱۶۷} در حالی که با گروه اول در مورد این که سیستم فعلی باید تغییر کند موافق هستند اما پیشنهاد می‌کنند که یک سیستم انتخابی ترکیبی خاص برای انتخاب اعضای ولسی جرگه استفاده شود. این سیستم رای واحد غیر قابل انتقال را با نمایندگی تناسبی بر اساس لیست ترکیب می‌کند، به این معنی که در برخی از حوزه‌های انتخاباتی، نامزدها از طریق رای واحد غیر قابل انتقال انتخاب خواهند شد در حالی که برخی دیگر رای دهندگان رای خود را به لیست کاندیداهای وابسته به احزاب سیاسی خواهند داد.^{۱۶۸} مزیت‌های کلیدی این سیستم مخلوط عبارتند از: اول، فضای برای فعالیت احزاب سیاسی به وجود می‌آید زیرا نمایندگی تناسبی بر اساس لیست ممکن است به تشویق تشکیل اتحادیه‌های قومی و مذهبی منجر گردد. دوم اینکه این سیستم ترکیبی همچنان اجازه می‌دهد اکثر نامزدهای مستقل به عنوان مستقل نامزد شده و از طریق رای واحد غیر قابل انتقال انتخاب شوند. بنابراین حساسیت موجود در اصلاح سیستم انتخاباتی کاهش می‌یابد. سرانجام، نامزدهای ناکام ممکن است برای انتخاب متحدان خود در لیست ملی شرکت داشته باشند.^{۱۶۹}

در نهایت، با اعتقاد بر اینکه سیستم نمایندگی تناسبی در شرایط فعلی در افغانستان عملی نیست (اگرچه مطلوب به نظر می‌رسد) و سیستم مخلوط منجر به یک فاجعه خواهد شد زیرا بسیاری از مردم از جمله نمایندگان حزب و نخبگان سیاسی در باره کارکرد آن نمی‌دانند، سیستم انتخاباتی منطقه‌ای (SMD) در افغانستان عملی تر خواهد بود. تحت سیستم SMD، یک منطقه بزرگتر به تعدادی از حوزه‌های انتخابی جغرافیایی تقسیم شده و هرکدام از این حوزه توسط یک نماینده منتخب نمایندگی خواهد شد. نامزدی که بالاترین تعداد آرا را کسب می‌کند، برنده کرسی در پارلمان از آن منطقه کوچکتر خواهد شد. این سیستم به رای دهندگان کمک می‌کند نمایندگی قوی از حوزه انتخابیه خود داشته باشند زیرا هر رأی دهنده تنها یک نماینده از حوزه‌ی انتخابیه خود دارد؛ این امر همچنین باعث افزایش پاسخگویی نماینده پارلمان گردیده زیرا تنها یک نماینده در مقابل یک حوزه انتخابی مسوول شمرده شده و در صورت عملکرد ناکافی در انتخابات بعدی شکست خواهد خورد. پیاده‌سازی SMD در افغانستان آسان نخواهد بود، زیرا مستلزم انجام اقدام دشوار تقسیم حوزه‌های وسیع انتخاباتی (ولایت‌ها) به مناطق کوچکتر می‌باشد، اما SMD را می‌توان در حالی که در سیستم رای واحد غیر قابل انتقال باقی است تطبیق نمود. این ممکن است انتخاب SMD را واقع بینانه تر کند، اگرچه مطمئناً تمام مشکلات انتخابات افغانستان را درمان نمی‌کند.

در حال حاضر اقدامات دولت افغانستان در تغییر نظام انتخاباتی بسیار انتقاد شده است. در قانون جدید انتخابات ۲۰۱۶، دولت دوباره بازسازی حوزه‌های انتخاباتی را در نظر گرفته است. ماده ۳۵ قانون جدید انتخابات به کمیسیون مستقل انتخابات دستور می‌دهد تا حوزه‌های انتخاباتی ولسی جرگه و شوراهای ولایتی را تعیین و آنها را به حوزه‌های کوچکتر تقسیم نماید.^{۱۷۰} اما قانون انتخابات جدید، در قسمت این که آیا حوزه‌های کوچکتر باید تک-عضوی باشند یا چند عضو و همچنان نوع سیستم انتخاباتی برای انتخاب نامزدها مشخص نیست. با وجود این پیش بینی در قانون انتخابات جدید، انتخابات مجلس اکتبر سال ۲۰۱۸ مانند انتخابات سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ با استفاده از SNTV و حوزه‌های انتخابی چند نفری برگزار شد و همچنان انتخابات سال ۲۰۱۸ مانند انتخابات قبلی بدون مشکل نبود.

رای واحد غیر قابل انتقال در واقع تضمین تشکیل ولسی جرگه از رهبران محلی، قبیله‌ای و مذهبی است که هیچ انگیزه‌ای برای همکاری با یکدیگر و یا با حکومت ندارند مگر اینکه منافع شخصی یا قومی آنها درگیر باشد.^{۱۷۱} بنابراین، زمان آن فرا رسیده است تا افغانستان تلاش جدی برای اصلاح نظام انتخاباتی و نهاد‌های انتخاباتی خود انجام دهد و در مورد چگونگی انجام این کار به منظور بهبود مشروعیت، استقلال و عملکرد پارلمان خود توجه مبذول دارد.

۱۶۶ همان‌جا این حال، روبین، اخیراً اذعان کرد که اگرچه ممکن است PR یک راه حل بهتر برای سیستم انتخابات افغانستان باشد، اما اکنون این راه حل عملی برای آسیب‌های انتخاباتی افغانستان به نظر نمی‌رسد.

۱۶۷ مصاحبه کارشناس کلیدی (MAR)، توسط زلی مالبار در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸).

۱۶۸ این در واقع یکی از سیستم‌هایی است که آندرو رینولدز و جان کری به جایگزینی SNTV پیشنهاد می‌کنند. بنگرید به: رینولدز و کری «سیستم انتخاباتی افغانستان» ۲۱.

۱۶۹ همان‌جا

۱۷۰ علی یارآیدی و مارتین ون بیگلرت، «قانون جدید ناقص انتخابات افغانستان: تغییرات و اختلالات» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۷).

۱۷۱ روبین، «سیستم رأی نادرست». برای مثال، در قسمت رأی دادن در مورد قانون تحصیلات عالی کشور، بسیاری از نمایندگان مجلس، قبل از هر گونه بررسی دیگر، ملاحظات قومی و زبانی خود را محور قرار دادند، بنابراین تصویب این قانون سال‌ها طول کشید. به همین ترتیب، مجلس در زمان تصویب قانون کارت شناسایی الکترونیکی ملی، به دو بلوک (پشتون در مقابل غیر پشتون) تقسیم شد. در این موارد، منافع قومی نمایندگان مجلس منافع ملی را تحت الشعاع قرار داده و هیچ نماینده مجلس مایل به همکاری با یکدیگر برای تشکیل حداقل توافق برای تصویب قوانین بسیار مورد نیاز نبود.

چارچوب قانونی نامعین در مورد وظایف و صلاحیت های پارلمان

یکی دیگر از چالش های اساسی که پارلمان با آن مواجه می باشد، صلاحیت ها و وظایف نامشخص مبتنی بر قانون اساسی آن است. این ابهامات در رابطه با قدرت پارلمان برای نظارت بر بودجه حکومتی، پاسخگویی نمایندگان پارلمان به مردم و مخصوصا در مورد قدرت نظارت پارلمان و روش هایی که باید در هنگام نظارت بر قوه مجریه از آن استفاده کند، وجود دارد.

نظارت

قانون اساسی افغانستان در سال ۲۰۰۴ بر یکی از مهمترین صلاحیت های نظارتی پارلمان یعنی رأی عدم اعتماد مبهم است. ماده ۹۲ قانون اساسی در یک بخش بیان می دارد که رأی عدم اعتماد علیه وزیر حکومت باید «بر اساس دلایل قانع کننده» باشد. اما مشخص نیست که «دلایل متقاعد کننده» چیست. به همین ترتیب، مشخص نیست که پس از صدور رأی عدم اعتماد چه اتفاقی می افتد: آیا وزیر باید تا زمانیکه یک وزیر جدید منصوب شود، به کار خود ادامه دهد؟ آیا وزیر باید بلافاصله استعفا دهد یا اینکه آیا وزیر باید به طور نامحدود عزل شود.^{۱۷۳}

پس از هر صدور هر بار رأی عدم اعتماد پارلمان، بحران های قانون اساسی به وجود آمده است. قوه مجریه در این سناریوها به طور مداوم تلاش کرده است تا از ابهامات قانون اساسی برای تضعیف پارلمان بهره برداری کند. به دفعات متعدد صدور رأی عدم اعتماد را با ادعای فقدان دلایل متقاعد کننده وتو نموده است.^{۱۷۴} به عنوان مثال، در اواخر سال ۲۰۰۷، زمانی که پارلمان آقای اسپینتا وزیر امور خارجه وقت را معزول ساخت، قوه اجرائیه استدلال کرد که رأی عدم اعتماد علیه این وزیر بر اساس دلایل معتبر نبوده بنابراین آقای اسپینتا را در سمتش باقی گذاشت. به همین ترتیب در مورد اعتبار رأی عدم اعتماد در برابر هفت وزیر در سال ۲۰۱۶، قوه اجرائیه به همان روش برای نادیده گرفتن تصامیم پارلمان اقدام نمود.

اکثر مصاحبه شوندگان اشاره کردند که این ابهامات باید زودتر حل شود. آنها استدلال کردند که این ابهامات را می توان از طریق تعدیل یا تفسیر قانون اساسی روشن کرد.^{۱۷۵} با این حال، هر دو گزینه در این زمان به میزان قابل توجهی دشوار به نظر می رسد. با توجه به ایده تعدیل قانون اساسی، اکثر متخصصان اظهار داشتند که این امر در این زمان امکان پذیر نیست، زیرا حکومت هنوز انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی را برای برگزاری لوی جرگه تعدیل قانون اساسی برگزار نکرده است. گزینه ای برای حل این ابهامات قانون اساسی از طریق تفسیر قانون اساسی، در این زمان بیشتر امکان پذیر است. با این وجود، کارشناسان روشن ساختند که مسئله تفسیر قانون اساسی باید اول حل شود. در حال حاضر دو نهاد، ستره محکمه و کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی وجود دارد، که با یکدیگر در قبال حق تفسیر قانون اساسی رقابت می کنند.^{۱۷۶} هنگامی که مشکلی در تفسیر قانون اساسی حل شود، مفاد مبهم قانون اساسی نیز باید حل گردد.^{۱۷۷}

تمدید دوره ی کاری

یکی دیگر از مسائل کلیدی مورد بحث در مورد مدت پارلمان است که در تاریخ ۲۲ جون ۲۰۱۵، مدت کاری پارلمان انتخاب شده به پایان رسید. حکومت و کمیسیون مستقل انتخابات، انتخابات پارلمانی را در اکتوبر ۲۰۱۸ برگزار نمود اما به دلیل این که هنوز نتایج آن اعلان نگردیده است، پارلمان فراتر از مدت ۵ سال کاری قانونی اش به کارش ادامه می دهد.

با این حال، حکومت موفق به برگزاری انتخابات برای انتخاب اعضای جدید پارلمان در ماه اپریل ۲۰۱۵ ناتوان ماند. در نتیجه، پارلمان تصمیم گرفت تا در این سمت خود باقی بماند، با این استدلال تا زمانی که پارلمان جدید انتخاب نشده و جایگزین آن نشود به کارش ادامه خواهد داد. انتخابات پارلمانی برگزار شده اما تا کنون پارلمان جدید جایگزین قبلی نگردیده است. بنابراین، پارلمان سال ۲۰۱۰ همچنان در سمتش باقی مانده است.

این موضوع مسئله بحث برانگیزی در مورد قانونی بودن تمدید مدت کاری پارلمان ابراز نمود. این خاصیت یک مسئله پیچیده است، زیرا قانون اساسی در این رابطه بسیار مبهم می باشد. ماده ۸۳ قانون اساسی تصریح می کند که مدت پارلمان (بخصوص ولسی جرگه) باید پس

۱۷۲ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴) ۹۲.

۱۷۳ محمد هاشم کمالی، «ده سال پس از تصویب قانون اساسی افغانستان: مسائل اصلی کدام ها اند؟» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۴)، ۹.

۱۷۴ حمیدی و جیاکودی، «تفکیک قوا»، ۱.

۱۷۵ مصاحبه کارشناسان کلیدی (KK) توسط زلی مالیار، در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی (GQ) توسط زلی مالیار در کابل، افغانستان (۱۰ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی (MAR) توسط زلی مالیار، در کابل، افغانستان (۱۰ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی (NF) توسط زلی مالیار، در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی (JE) توسط زلی مالیار، در کابل، افغانستان (۱۳ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی (AR) توسط زلی مالیار، در کابل، افغانستان (۱۱ جولای ۲۰۱۸).

۱۷۶ واحد ارزیابی و تحقیق افغانستان قبلا تحقیق گسترده ای در مورد تفسیر قانون اساسی در افغانستان انجام داده است؛ لازم نیست در مورد این موضوع در جزئیات بیشتر بحث کنید. هریس «بازنگری قضایی در افغانستان» را ببینید. کمالی، «قانون اساسی افغانستان در ده سال»؛ همچنین نگاه کنید به شمشاد پسرلی، «تفسیر قانون اساسی»؛ دمسی و آنها، «حل بحران».

۱۷۷ همه مصاحبه شدهها از جمله ملی و بین المللی اظهار داشتند که افغانستان باید مشکلات خود را در مورد تفسیر قانون اساسی حل کند. چارچوب قانونی مبهم کنونی در مورد کسانی که حق تفسیر قانون اساسی دارند، منبع اصلی همه بحران های قانون اساسی در افغانستان بوده است.

از اعلام نتایج انتخابات پارلمانی، در اول سرطان ۱۳۸۰ سال پنجم پایان یافته و پارلمان جدید آغاز به کار می‌نماید. ۱۷۹ انتخابات پارلمانی باید-۶۰ روز قبل از پایان دوره کاری ولسی جرگه برگزار شود. ۱۸۰ خوانش دقیق این ماده نشان می‌دهد که برای پایان دادن به دوره کاری پارلمانی و به جایگزینی پارلمان جدید باید دو مورد رعایت گردد: (۱) پایان دوره پنج ساله و (۲) اعلام نتایج انتخابات پارلمانی جدید.

در عمل، با این حال، موضوع تمدید مدت کاری پارلمان بطور قابل توجهی باعث دو دسته گی و سوق دادن افغانستان به سوی یک بحران قانون اساسی گردید. رئیس‌جمهور غنی تقاضای ابراز نظر از ستره محکمه نموده و حکمی را مبنی بر تمدید زمان پارلمان فعلی الی برگزاری انتخابات پارلمانی و جایگزین با پارلمان کنونی صادر نمود. ۱۸۱ با این حال، نمایندگان پارلمان فرمان رئیس‌جمهور غنی را رد کرده و اظهار داشتند که فرامین اداری تنها مربوط به قوه مجریه بوده و به قوه مقننه تسری پیدا نمی‌کند. ۱۸۲ پارلمان تصریح کرد که حکم رئیس‌جمهور غنی که تلاشی برای تمدید زمان کاری پارلمان است شامل صلاحیت‌های رییس‌جمهور نمی‌شود.

این موضوع به طور جدی در پارلمان نیز مورد بحث قرار گرفت. اکثر نمایندگان پارلمان تصریح کردند که بر اساس ماده ۸۳ قانون انتخابات پارلمان می‌تواند تا زمانی که انتخابات جدید برگزار شود به کار خود ادامه دهد. با این حال برخی ادعا می‌کنند که دوره پارلمان در اول سرطان سال پنجم (سال پس از پنج سال) به پایان می‌رسد. چند تن از اعضای پارلمان استعفا داده و اعلام کردند حضور آنها در ولسی جرگه پس از ۱ سرطان سال پنجم (تقریباً ۲۲ جون ۲۰۱۵) بر اساس قانون اساسی مجاز نمی‌باشد. سایر نمایندگان پارلمان به سمت خود باقی مانده‌اند.

کارشناسان به اتفاق آرا موافقت کردند که بحث در مورد عدم مشروعیت پارلمان که فراتر از مدت معین در قانون اساسی فعالیت داشته، تاثیر منفی بر عملکرد پارلمان داشته است. اکثر نمایندگان پارلمان با همان شور و شوق قبلی کار نمی‌کنند. ۱۸۳ از نظر پالیسی سازان مصاحبه شده در این تحقیق، حکومت نیز دیگر پارلمان را جدی نمی‌گیرد. ۱۸۴ آنها به برخی از تصمیمات یک جانبه رئیس‌جمهور غنی به ویژه فرمان وضع قانون جدید انتخابات افغانستان را در ماه جون سال ۲۰۱۶ و تصمیم مبنی بر نگهداشتن وزرای معزول از سوی پارلمان در سمت‌شان در این رابطه اشاره کردند.

عدم حساب‌دهی اعضای پارلمان به موکلین شان

عدم وجود یک سیستم الزامی حساب‌دهی نمایندگان پارلمان به موکلین شان، چالش دیگری است که عملکرد پارلمان را در طی دو دوره گذشته تحت الشعاع قرار داده است. ۱۸۵ از آنجا که مکانیزمی برای اطمینان از پاسخگویی نمایندگان پارلمان به موکلین شان وجود ندارد، مردم عام به ندرت می‌دانند که نمایندگان شان در پارلمان بر مسائل قانونی و سیاسی رای می‌دهند. در حال حاضر نمایندگان پارلمان احساس مسئولیت به کسی به شمول اعضای حوزه انتخابیه خود ندارند. در نتیجه، نمایندگان پارلمان، منافع اقتصادی خود را با تغییر مداوم پیوندهای پارلمانی افزایش می‌دهند. ۱۸۶ در غیاب یک سیستم کارآمد که بتواند رای دهندگان را مجاز به نظارت اعمال نمایندگان پارلمان شود، شانس زیادی برای فساد وجود خواهد داشت؛ زیرا افراد غیر واجد شرایط می‌توانند به راحتی پست‌های بالای حکومتی را اشغال کنند و این در حالی است که پارلمان قادر به نظارت بر آنها نخواهد بود. فقدان چنین سیستمی نه تنها منجر به فساد در تایید انتصاب و یار د نامزدان معرفی شده از سوی ریاست جمهوری می‌شود، بلکه مسبب فساد در تصویب یا لغو قوانین و فرامین تقنینی خواهد شد.

مسئولیت نمایندگان پارلمان در مقابل رای دهندگان یک شاخص کلیدی سیستم سالم و کارآمد دموکراتیک است. این راه کار می‌تواند نمایندگی را تضمین و نمایندگان پارلمان را مجبور به ارائه دلایل در مورد نحوه استفاده از حق خود در پارلمان بیان دارند در نتیجه باعث جلوگیری از فساد و فروش رای که نمایندگان پارلمان در حال حاضر متهم به آن هستند گردد. پاسخگویی نمایندگان پارلمان به موکلین شان بیشتر به ایجاد اعتماد به قانونگذاران کمک نموده ۱۸۷ و به اعمال نمایندگان پارلمان اعتبار می‌دهد و به آنها کمک می‌کند تا کارایی بیشتری داشته باشند. حساب‌دهی در واقع می‌تواند مکانیزم آزمایشی را فراهم می‌کند که عموم مردم می‌توانند با ارزیابی عملکرد نماینده خود تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر مبنی بر انتخاب یا عدم انتخاب مجدد آن نماینده بگیرند. آزمایشی که می‌تواند مردم را متقاعد ساخته و نماینده آن را با موفقیت سپری کند.

۱۷۸ سرطان یک ماه در تقویم فارسی است که با اواخر جون و بیشتر ماه جولای هم‌هنگ است

۱۷۹ قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۸۳.

۱۸۰ همان

۱۸۱ «رهبر افغانی مدت اعتبار مجلس را افزایش می‌دهد، به امید انتخابات جدید»، رویترز، ۱۹ جون ۲۰۱۵، <https://www.reuters.com/article/us-afghanistan-parliament/afghan-leader-extends-parliaments-term-promises-election-date-idUSKBN0Z2۰۲۲۰۱۵۰۶۱۹> (در تاریخ ۱۱ جولای ۲۰۱۸ دیده شده است).

۱۸۲ تمام کارشناسان کلیدی که برای این تحقیق مصاحبه کردند، این دیدگاه را به اشتراک گذاشتند.

۱۸۳ مصاحبه کارشناسان کلیدی (AR) توسط زلی مالبار، در کابل، افغانستان (۱۱ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی (NF) توسط زلی مالبار، در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی (SW) توسط زلی مالبار، در کابل، افغانستان (۱۲ جولای ۲۰۱۸).

۱۸۴ مصاحبه کارشناسان کلیدی (IQ) توسط زلی مالبار، در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه اصلی کارشناسان (KK) توسط زلی مالبار، در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸).

۱۸۵ مصاحبه کارشناسان کلیدی (IQ) توسط زلی مالبار، در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸)

۱۸۶ لارسون، «ولسی جرگه در سیلان»، ۹-۸.

۱۸۷ مصاحبه کارشناسان کلیدی (IQ) توسط زلی مالبار، در کابل، افغانستان (۸ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی کارشناسان (AR) توسط زلی مالبار، در کابل، افغانستان (۱۱ جولای ۲۰۱۸).

برای بهبود سیستماتیک پاسخگویی نمایندگان پارلمان به موکلین شان در افغانستان دو پیشنهاد مهم ارائه گردید. اولاً، برخی از مصاحبه شونده ها معتقد بودند که برای حساب دهی نمایندگان پارلمان موکلین شان، احزاب سیاسی باید تشویق شوند و به پارلمان راه پیدا کنند. با این حال اکثر کارشناسان اظهار داشتند که به دلیل اینکه افغانستان احزاب سیاسی فرا قومی ندارد، این گزینه در حال حاضر امکان پذیر نخواهد بود. آنها پیشنهاد دادند که به جای تصویب یک سیستم حزبی، واحدهای انتخاباتی بزرگتر به چندین واحد کوچکتر تقسیم شود. رای دهندگان در حوزه های انتخاباتی کوچکتر، به نمایندگان پارلمان نزدیک تر شده و می توانند پیوند مستقیم با آنها را حفظ کنند. از آنجا که نمایندگان پارلمان به راحتی قابل دسترسی هستند، مردم می توانند هر زمان که بخواهند با آنها تماس بگیرند و در مورد عملکرد وظایف شان در پارلمان سوال کنند.^{۱۸۸} در این جا یک استدلال به نفع حوزه های انتخاباتی کوچکتر وجود دارد و آن این که نمایندگان پارلمان با شناسایی رای دهندگان خویش و با ترس عدم انتخاب مجدد از سوی آن ها، تمایل بیشتری برای داشتن عملکردی موثر پیدا خواهند کرد. علاوه بر این استدلال می گردد که سیستم SMD ممکن است به طیف وسیعی از احزاب سیاسی اجازه ورود به پارلمان را بدهد.^{۱۸۹} این سیستم باید تا زمانی که فرهنگ احزاب سیاسی ظهور پیدا کند اعمال گردد سپس افغانستان می تواند به سوی یک سیستم انتخاباتی نمایندگی تناسبی تر گام بردارد.

روابط پارلمان و قوه مجریه

از زمان آغاز کار اولین پارلمان بعد از طالبان در سال ۲۰۰۵، روابط میان قوه مجریه و پارلمان نسبتاً خصمانه و واکنشانه بوده است.^{۱۹۰} قوه اجرایی (هر دو تحت ریاست رییس جمهور کرزی و رئیس جمهور غنی) به طور مرتب تلاش کرده است تا پارلمان را تضعیف کند. رییس قوه اجرائیه بسیاری از تصمیمات پارلمان را نادیده گرفته است، چه تصویب یک قانون باشد یا عزل یک وزیر دولت.^{۱۹۱} پارلمان عمدتاً از تهدید استیضاح و رای عدم اعتماد در برابر وزرای دولت برای ایجاد معضل برای رئیس جمهور استفاده می کند. این رابطه غیر دوستانه میان دو شاخه دولت در طول زمان، گاهی اوقات اثربخشی مدل قانون اساسی که برای دموکراسی در افغانستان پس از طالبان تصویب شده بود را تضعیف نموده است.^{۱۹۲}

موارد متعددی از رویارویی بین قوه مجریه و پارلمان در مورد تصویب قوانین یا انتصاب/عزل وزرا دولت وجود دارد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۳ پارلمان افغانستان پرونده ثبت نام نفوس (قانون احصاییه) را تصویب کرد که همچنین توزیع کارت تذکره الکترونیکی را تنظیم می کرد. انتظار میرفت که قانون سرشماری در سال ۲۰۱۴ به تصویب برسد. با این حال، رئیس جمهور غنی فرمان صادر کرد که اصطلاح "افغان" را به عنوان ملیت مشترک برای همه گروه های قومی در کشور الزام آور دانست. پارلمان فرمان رئیس جمهور غنی را رد کرد. رئیس جمهور غنی در نهایت به کمیته قانون کابینه ریاست جمهوری دستور داد تا قانون را برای درج ملیت و قومیت در کارت شناسایی الکترونیکی تعدیل نماید. حرکتی که خشم مجلس را به همراه داشت. در نهایت، در اواسط سال ۲۰۱۸، دولت رییس جمهور غنی، مطابق نسخه اصلاحیه قانون، شروع به صدور تذکره الکترونیکی کرد و نه این نسخه که پارلمان تصویب کرده بود، به این معنی است که اصطلاح افغانی به عنوان ملیتی مشترک برای گروه ها اطلاق می گردد.

یکی از جدیدترین درگیری های میان پارلمان و قوه اجرایی، تصمیم ولسی جرگه مبنی بر استیضاح کلی کابینه در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۶ در مورد مصرف بودجه انکشافی بود. مصرف کم بودجه انکشافی اغلباً یک مشکل عمده در هر سال است، اما این بار پارلمان نظر به بعضی دلایل آن را جدی گرفت. در این جریان، پارلمان هفت وزیر اصلی را عزل نمود. این وزرا قادر به مصرف بیش از ۷۰ درصد بودجه انکشافی وزارت خانه خود نبوده اند.^{۱۹۳} این تصمیم پارلمان واقعا برای رئیس جمهور شرایط را بسیار سخت بود. در انتصاب این وزرا، رییس جمهور وارد مذاکرات بزرگ و مصلحت سیاسی با عبدالله عبدالله، رییس اجرائیه گردیده بود. قوه ی اجرایی (به ویژه رئیس جمهور غنی) به شدت با تصمیم پارلمان مبنی بر رای عزل وزرا مخالفت کرد. رئیس جمهور غنی به وزیران معزول شده دستور داد تا به کار خود ادامه دهند و از ستره محکمه خواست تا در تصمیم پارلمان تجدید نظر نماید.^{۱۹۴} دیوان عالی کشور نظرات خود را ارائه نکرد و رییس جمهور بیش از یک و نیم سال برای یافتن کاندیداهای مناسب برای جایگزینی این وزرا زمان برد.

۱۸۸ مصاحبه کارشناسان کلیدی (HM) توسط زلی مالیار، در کابل، افغانستان (۱۰ جولای ۲۰۱۸)؛ مصاحبه کارشناسان کلیدی (IQ) توسط زلی مالیار، در کابل، افغانستان (۱۱ جولای ۲۰۱۸).

۱۸۹ برای بحث مفصل در مورد اروپا پس از کمونیست، نگاه کنید به سارا بیرج، سیستم های انتخاباتی و تحولات سیاسی در اروپا پس از کمونیست، (Palgrave Macmillan، ۲۰۰۳).

۱۹۰ گران هیواد، توماس روتینگ و کلودیو فرانکو، «ارتباط معادل - و بدتر: تاریخچه طولانی خصومت میان مجلس و دولت» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۳).

۱۹۱ لارسون، «ولسی جرگه در سیال»، ۶-۷.

۱۹۲ گران هیواد، توماس روتینگ و کلودیو فرانکو، «ارتباط معادل - و بدتر: تاریخچه طولانی خصومت میان مجلس و دولت» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۳).

۱۹۳ توماس راتینگ، «پارلمان مجدداً با وزیران مبارزه می کند: مبارزه قدرت چند بعدی» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۶).

۱۹۴ همان

روابط خصمانه میان پارلمان و قوه اجرایی به نظر ناشی از «شخصیت درگیر هر دوطرف، مسائل مطرح شده توسط یک دستورالعمل [مرکزی]، دو انتخابات نادرست و قوانین متناقض» می‌باشد.^{۱۹۵} در این شرایط دشوار، ولسی جرگه به نظر می‌رسد که هیچ وسیله‌ای تلافی‌جویانه علیه قوه اجرائیه ندارد.^{۱۹۶} این عمل ظاهراً به ولسی جرگه منقسم یک انگیزه، و احتمالاً تنها انگیزه برای گردهمایی و فراتر رفتن از موضع‌های فردی به منظور انجام نقش خود به عنوان توازن و کنترل بر قوه‌ی اجراییه مهیا می‌کند.

تلاش اخیر دولت برای اصلاح نظام انتخاباتی نشان می‌دهد که چقدر سخت است که اصلاحات را در این شرایط انجام دهیم.^{۱۹۷} رابطه نامساعد میان مجلس و حکومت یکی از دلایل اصلی بود که پارلمان در دوران پس از طالبان کمتر فعالیت داشته است. بنابراین افغانستان علاوه بر تأسیس نظام انتخاباتی نو، باید اقدامات لازم را برای ایجاد فرهنگ روابط سازنده بین قوه مجریه و مجلس انجام دهد. این نوع روابط بین دو شاخه ممکن است یک شبه نباشد، اما با در نظر گرفتن مراحل درست، ممکن است بهبود یابد. اکثر ناظران و متخصصان استدلال می‌کنند که احزاب سیاسی می‌توانند بخش کوچکی از روابط قوه مجریه و مقننه را با ایجاد پل بین دو شاخه دولت ارائه دهند. فقدان احزاب سیاسی در مجلس، تسلط بر اجرایی را نسبت به تقریباً تمام شاخه‌های دیگر دولت تسهیل می‌کند. احزاب مستقر در پارلمان ممکن است منجر به گفتگوی سازنده و بحث در مورد سیاست‌های ملی شود و ممکن است قوه اجرایی را مجبور کند تا از احزاب سیاسی برای پیاده‌سازی سیاست‌های خود حمایت کند. از آنجا که احزاب سیاسی ممکن است بتوانند یک جبهه متحد را ارائه دهند، کارایی بیشتر برای حفظ روابط دوستانه با پارلمان به جای آنکه با آن تصمیم‌گیری بیشتر ناظران به فقدان احزاب سیاسی به عنوان دلیل اصلی عدم همکاری میان پارلمان و قوه اجرایی دارد. آنها استدلال می‌کنند که احزاب سیاسی می‌توانند بخش کوچکی از روابط قوه مجریه و مقننه را با ایجاد یک پل بین دو قوه حکومت ارائه دهند. با این وجود، تعداد دیگری از کارشناسان معتقدند که چارچوب مبهم قانون اساسی که صلاحیت‌ها و وظایف هر دو قوه را بیان می‌کند نشان می‌دهد نیروی محرک روابط مشکوک دلیل ایجاد کشمکش‌ها میان قوه مقننه و مجریه گردیده است. تا زمانی که این ابهامات روشن نگردد چشم‌انداز همکاری و تشریک مساعی میان پارلمان و قوه اجراییه دشوار به نظر می‌رسد.

۱۹۵ هیواد، راتینگ و فرانکو، «ارتباط معادل».

۱۹۶ همان

۱۹۷ پارلمان دو حکم را که رئیس‌جمهور غنی برای اصلاح نظام انتخاباتی صادر کرده بود را رد کرد که سپس رئیس‌جمهور غنی تصمیم گرفت تا حکم سوم را برای صدور قانون انتخابات ۲۰۱۶ که نظام و مؤسسات انتخاباتی افغانستان را اصلاح نماید، صادر کند. او تصمیم گرفت که حکم سوم خود را برای تصویب مجلس به مجلس ارائه کند.

نتیجه گیری

قانون اساسی افغانستان در سال ۲۰۰۴ برای نخستین بار در تاریخ کشور، پارلمانی با صلاحیت های قانونگذاری و اختیارات نظارتی بی سابقه تضمین نمود. قوانین اساسی قبلی افغانستان، به جز قانون اساسی ۱۹۶۴، پارلمان را تأسیس ننموده و یا یک نهاد نمادینی را بدون هیچ صلاحیت نظارتی ایجاد می کرد. به همین ترتیب، هیچ پارلمان افغانستان در انجام وظایف خود در زمینه نمایندگی، قانون گذاری و نظارت موثر نبوده است. با این حال، پیش نویس قانون اساسی ۲۰۰۴، ایجاد پارلمان قوی برای مقابله با صلاحیت های رییس جمهور قدرتمند را مورد توجه قرار دادند. بحث اصلی در نهادهای طراح قانون اساسی سال ۲۰۰۴ به این نکته تمرکز داشت که چگونه پارلمانی را ایجاد نماید که موفقانه وظایف نظارتی بر قوه مجریه را انجام داده و قوانین مربوطه را اتخاذ کند.

این تحقیق عملکرد پارلمان را در یک و نیم دهه گذشته بررسی و دستاوردهای قانونگذاری و سیاسی آن را مورد ارزیابی قرار داده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که پارلمان عملکرد موثر اندکی داشته و به استثنایی بعضی تغییراتی که به وجود آمده، چشم انداز یک پارلمان پایدار در افغانستان، نوید بخش به نظر نمی رسد. یکی از اعضای کمیسیون پیش نویس قانون اساسی، که به شدت از قدرت دهی بیشتر برای پارلمان در طی تهیه پیش نویس قانون اساسی ۲۰۰۴ حمایت می کرده است، اظهار داشت که در طول دو و نیم دوره گذشته تجربه و دستاوردهای پارلمان را دیده است، «من اکنون از رای دادن برای ایجاد یک پارلمان قدرتمند در هنگام تهیه پیش نویس قانون اساسی سال ۲۰۰۴ پشیمان هستم». وی از دستاوردهای پارلمان در ۱۳ سال اخیر خوشنود نبوده و بیان داشت که اعضای پارلمان برای اهداف شخصی به میکانیزم نظارتی دست می زنند.

گرچه پارلمان تنها از زمان تاسیس در سال ۲۰۰۵، پنج قانون را به ابتکار خود وضع نموده است، اما اکثر کارشناسان معتقد بودند که اختیارات نظارتی پارلمان، مخصوصاً حق استفاده از رای عدم اعتماد در عمل، به طور قابل توجهی بی ثبات بوده است. آنها از این ابزار به عنوان یک ابزار تلافی جویانه شخصی برای مجبور کردن وزرا برای پذیرش درخواست های خود استفاده می کنند. تجارب نشان می دهد که رای پارلمان از عدم اعتماد به ندرت مورد استفاده سازنده قرار گرفته است. بنابراین حیرت انگیز نیست که اعمال رای عدم اعتماد اغلباً تأثیرات مخربی داشته است.

یکی از نکات کلیدی که می تواند از یافته های این تحقیق بدست آید این است که قانون اساسی ۲۰۰۴ افغانستان بسیار مبهم است. به طور خاص، ابهامات قانون اساسی در مورد وظایف و صلاحیت های مبتنی بر فعالیت ها و جایگاه پارلمان، به توجه فوری نیاز دارد. این مقاله نتیجه گیری می نماید که این ابهامات عمدتاً از طریق تعدیل و تفسیر قانون اساسی روشن می شود. از آنجا که تعدیل قانون اساسی در حال حاضر دشوار به نظر می رسد، برخی از ابهامات جزئی مربوط به وظایف و صلاحیت های پارلمان مندرج در قانون اساسی و نحوه استفاده از آنها در عمل می تواند از طریق تفسیر قانون اساسی حل و فصل شود. با این حال باید توجه کرد که برای تفسیر قانون اساسی موثر، بحران کنونی در مورد اینکه آیا ستره محکمه یا کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی باید قدرت تفسیر قانون اساسی را داشته باشد باید روشن گردد. اگر این تغییرات ایجاد گردیده و سیستم انتخاباتی از SNTV فعلی به یک نظام نمایندگی تناسبی یا حداقل به FPTP برای حوزه های کوچک تر برای کوتاه مدت تعویض شود، ممکن است افغانستان بتواند یک پارلمان موثرتر و موفق تری را ایجاد کند.

پیشنهادات

بر اساس نظریات کارشناسان مصاحبه شده برای این تحقیق، تجربیات بدست آمده از سابقه قانون اساسی در افغانستان و سایر شواهد تجربی، پیشنهادات این مقاله پژوهشی در مورد وظایف و صلاحیت های پارلمان و نحوه اجرای آن ها در عمل، قرار ذیل است:

در ارتباط با پارلمان به عنوان یک قوه مستقل و مساوی حکومت

یکی از شگفت ترین یافته های این تحقیق این است که پارلمان موقعیت و اعتبار خود را در کشور از دست داده است. این امر به این دلیل است که پارلمان عملکرد اندکی در راستای انجام وظایف قانون اساسی خود داشته است. نمایندگان پارلمان، در مقابل، از اختیارات پارلمان برای تامین منافع فردی استفاده کرده اند. برای بازسازی اعتماد عمومی به پارلمان و کمک در کارکرد موثرتر آن، این مقاله انجام مراحل آتی را توصیه می کند.

• تقویت نهاد های انتخاباتی افغانستان

سیستم ناقص انتخابات افغانستان برای انتخاب پارلمان و حل اختلافات انتخاباتی همیشه منجر به بحران های سیاسی شده که کشور را بی ثبات نموده است. اختلافات انتخاباتی در این کشور معمولاً از طریق میکانیزم های قضایی یا سیاسی بدون مشارکت کمیسیون مستقل انتخابات و یا کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی (که توسط قانون اساسی و قوانین افغانستان موظف به حل اختلافات انتخاباتی می باشند) حل می گردند.^{۱۹۸} افغانستان نمی تواند انتخابات دموکراتیک موفق را با نهادهای انتخاباتی ضعیف به انجام رساند. یک سیستم شفاف برای انتخاب اعضای کمیسیون مستقل انتخابات، تقویت یکپارچگی کمیسیون مستقل انتخابات و قوانین واضح تر که وظایف و سازماندهی کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی را تعیین می کند، ممکن است به تقویت این دو نهاد کمک کند. علاوه بر این، همکاری میان کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی باید هماهنگ شده و دو جناح به طور مشترک تلاش کنند تا به جای مبارزه با یکدیگر استقلال خود را بهبود بخشند. کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی باید تنها نهاد های باشند که بتوانند همه مسائل مربوط به انتخابات را تصمیم بگیرند.

تغییر سیستم رای واحد غیر قابل انتقال

تمام کارشناسان مصاحبه شده برای این تحقیق به اتفاق آرا سیستم رای واحد غیر قابل انتقال در انتخاب اعضای پارلمان را رد نمودند هرچند دیدگاه متفاوتی در قسمت سیستم جایگزین داشتند. همانطور که این تحقیق متذکر گردید، پارلمان هنوز از بعضی از صلاحیت های نظارتی خود استفاده نکرده است. بخش عمده ای از عدم توانایی پارلمان در انجام نقش تعیین شده توسط قانون اساسی، نتیجه سیستم رای واحد غیر قابل انتقال است که بارها پارلمان های تشکیل داده است. در غیاب احزاب سیاسی، پارلمان افغانستان تلاش کرده است تا اتحاد های سیاسی منسجم و کارآمد که بتواند به صورت هماهنگ در مقابل تصمیمات ریاست جمهوری عمل کنند، ایجاد کند. در کوتاه مدت، افغانستان می تواند سیستم SMD را بپذیرد، این سیستم امکان پذیر تر و بهتر از سیستم رای واحد غیر قابل انتقال به نظر می رسد. اما در دراز مدت، کشور باید نوعی سیستم نمایندگی تناسبی (PR) را در نظر بگیرد تا انسجام و هماهنگی درون پارلمان را بهبود بخشد.

در ارتباط با وظایف قانونگذاری پارلمان

یافته های این تحقیق نشان می دهد که پارلمان عملکردی ضعیف تر در زمینه های قانونگذاری نشان داده است. به منظور تقویت وظایف قانونی پارلمان، اقدامات ذیل باید صورت گیرد:

افزایش ظرفیت قانونی پارلمان

پارلمان باید تلاش های بیشتری را برای بهبود وضعیت قانونی خود، بویژه از نظر توانایی آن برای مسوده سازی و بررسی قوانین، انجام دهد. پارلمان می تواند این کار را با ایجاد نهادی برای امور حقوقی در پارلمان انجام دهد که به نمایندگان پارلمان کمک نماید. یکی دیگر از گزینه ها در این راستا می تواند استخدام مشاوران حقوقی برجسته برای هر کدام از کمیسیون های پارلمان باشد. بیشتر قوانینی که حکومت برای تصویب به پارلمان می فرستد، ابتدا در کمیسیون مربوطه مورد بحث قرار می گیرد. تخصص حقوقی در این کمیسیون ها قطعاً موثر خواهد بود.

^{۱۹۸} به عنوان مثال، بحران ناشی از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ از طرق قضایی حل شد. در واقع، رئیس جمهوری کرسی یک محکمه ی ویژه ای را تصویب کرد که ظاهراً بحران را حل خواهد کرد. به همین ترتیب، اخیراً آشفته گی های سیاسی در افغانستان که پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۴ ایجاد شد، از طریق توافقنامه ویژه ای میان دو طرف، اشرف غنی و عبدالله عبدالله حل و فصل شد. در حل این اختلافات، نهادهای انتخاباتی افغانستان به انزوا رفته و هیچ نقشی نداشتند.

اجباری سازی تحصیلات عالی برای نامزدهای پارلمان

از نظر ناظران، فقدان تحصیلات عالی در سالهای گذشته چالش اصلی فراروی عملکرد درست پارلمان بوده است. اگر چه بعضی از ناظران معتقد بودند که ایجاد الزامیت داشتن تحصیلات عالی برای نامزدها ممکن است انتخاب مردم را برای انتخاب نمایندگان محدود نموده و بر حق مردم برای انتخاب شدن تأثیر بگذارد اما نمایندگان پارلمان با درجه های تحصیلات عالی می توانند نقش مهمی را در بهبود ظرفیت قانونی پارلمان نقش داشته باشند. به عنوان مثال، نمایندگان پارلمان با درجه تحصیلات عالی، مانند رمضان بشردوست، عبدالرب رسول سیاف، شکرپه بارکزی، بکتاش سیاوش و چند نفر دیگر، در بررسی پیش نویس قوانین بسیار فعال بوده اند.

شاید عده ای پیشنهاد نمایند که آموزش مردم برای انتخاب کاندیدای مناسب ممکن است در این راستا گزینه ای بهتر باشد، زیرا با این کار حق انتخاب شدن محدود نمی گردد اما لازم به ذکر است که گزینه اول در مقایسه با گزینه دوم در وضعیت فعلی امکان پذیر تر است. آموزش میلیون ها نفر را برای انتخاب شخص مناسب برای پارلمان، ممکن به نظر نمی رسد اما به جای آن می توان داشتن تحصیلات عالی برای نامزدان را اجباری نمود. برخی از کارشناسان معتقد اند که نمایندگان پارلمان باید حداقل مدرک لیسانس داشته باشند. این الزام می تواند هنگامی که تحصیلات عالی در سراسر کشور گسترش یابد، برداشته شود.

تعدیل قانون اساسی برای محدود کردن صلاحیت قانونگذاری قوه مجریه

همانطور که این تحقیق نشان می دهد، قانون اساسی سال ۲۰۰۴، پارلمان را به عنوان تنها نهاد قانونگذار تعیین می کند. با این وجود، قانون اساسی شامل مقرراتی است که به طور قابل ملاحظه ای عملکردهای قانونگذاری پارلمان را تضعیف می کند (به عنوان مثال، فرامین تقنینی قوانین از سوی ریاست جمهوری، قدرت حکومت برای ایجاد مقررات بدون دخالت پارلمان). در دراز مدت، این مقاله نشان می دهد که افغانستان باید اصلاح قانون اساسی را تصویب کند که صلاحیت قانونگذاری قوه مجریه را محدود نماید. تا زمانی که اختیارات قانونگذاری قوه مجریه محدود نگردد، صلاحیت های تقنینی پارلمان ناقص خواهد بود.

ستره محکمه نباید حرف نهایی در مورد مطابقت قوانین با قانون اساسی را بزند

یکی دیگر از نتایج نگران کننده این تحقیق مربوط به استفاده قوه مجریه از ستره محکمه برای رد قوانین تصویب یا تعدیل شده از سوی پارلمان می باشد. رئیس جمهور همواره دست به این عمل زده و قوانینی که در مورد آن ها با پارلمان مخالفت داشته را به ستره محکمه فرستاده است. ستره محکمه به صورت مرتب قوانینی که رییس جمهور نمی پسندید را مغایر با قانون اساسی اعلام می نمود. در این راستا، این مقاله توصیه می کند که ستره محکمه کشور مجوز قانونی نهایی را برای رد قوانین- حداقل در مورد قوانینی که پارلمان با اکثریت دو سوم آرا آن را تصویب می کند نداشته باشد. سخن نهایی در مورد مطابقت این قوانین با قانون اساسی باید به عهده پارلمان منتخب دموکراتیک گذاشته شود. به عبارت دیگر، محکمه باید حق بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی را داشته باشد، اما قبل از اعلام قانون در جریده رسمی، باید با پارلمان مشورت کند. این راه حل به عنوان یک راه حل دائمی توصیه نگردیده و زمانی که روابط قوه مجریه و مقننه بهبود یابد، آن گاه محکمه باید حق قانونی نهایی در رابطه با مطابقت قوانین با قانون اساسی داشته باشد، تجارب کشورهایی که پارلمان مجوز قانونی نهایی را برای اعلام مطابقت قوانین با قانون اساسی را دارد در این زمینه کمک نماید.

اتخاذ یک مکانیزم حل اختلاف قوای اجرایی- تقنینی

یکی از عناصر که در نظام قانون اساسی افغانستان به آن پرداخته نشده است، فقدان مکانیزمی واضح برای حل اختلافات بین قوای مجریه و مقننه است. ستره محکمه چند مرتبه برای حل و فصل چنین اختلافاتی تلاش کرد، اما صلاحیت ستره محکمه برای انجام این کار به شدت به چالش کشیده شد و محکمه دیگر به مداخله در چنین اختلافاتی اقدام نکرده است. در حال حاضر اکثر اختلافات سیاسی وجود دارد که به دلیل فقدان یک نهاد ذیصلاح، حل نشده است. بنابراین، افغانستان نیاز به یک نهاد دارد که بتواند اختلافات سیاسی میان پارلمان و قوه ی اجراییه را حل کند. به نظر می رسد که در میان نخبگان سیاسی افغانستان اتفاق نظر برای تعدیل قانون اساسی و ایجاد محکمه قانون اساسی در حال افزایش است. اگر چه ایجاد یک چنین محکمه قانون اساسی نیازمند تعدیلات بیشتری در قانون اساسی است اما بسیاری از کارشناسان معتقد بودند که محکمه قانون اساسی یک ساز و کار موثر برای حل اختلافات میان دو قوای سیاسی خواهد بود.

در صورت ایجاد این محکمه باید حق مطابقت قوانین با قانون اساسی را داشته باشد. بنابر این انتظار می رود تا این نهاد مشکلات بین پارلمان و ستره محکمه را حل خواهد نمود.

در ارتباط با وظایف نظارتی پارلمان

نتایج تحقیق در زمینه بررسی وظایف نظارت پارلمان در هم آمیخته شده است. اگر چه پارلمان به طور فعال وظایف نظارتی خود را انجام می دهد، اما بیشتر ناظران نحوه استفاده از آن وظایف را مورد انتقاد قرار داده اند. اکثراً معتقد بودند که پارلمان در اجرای قدرت نظارتی خود از یک مکانیزم واضح پیروی نکرده و به همین دلیل در استفاده از این حق کمتر موفق بوده است. برای بهبود عملکرد پارلمان در این زمینه، پیشنهادات این مقاله عبارتند از:

• وضع قانون نظارت پارلمانی

پارلمان صلاحیت های نظارتی فراوان در قانون اساسی سال ۲۰۰۴ دارد، اما از آن ها استفاده موثر به عمل نیاورده است. در این راستا باید یک قانون تصویب شود که به وضوح مشخص نماید که چه زمانی و چگونه پارلمان و با استفاده از کدام مکانیزم های نظارتی (احضار، استیضاح و رای عدم اعتماد) استفاده کند. این قانون باید مقامات حکومتی را که می توانند در مورد این صلاحیت های پارلمان قرار بگیرند مشخص و پیامدهای رأی عدم اعتماد را بیشتر وضاحت ببخشد.

تحدید استفاده از رای عدم اعتماد

همانطور که یافته های این تحقیق نشان می دهد استفاده از رای عدم اعتماد توسط نمایندگان پارلمان بیشتر برای تامین منافع شخصی است، نه یک مکانیزم بررسی کارکرد قوه مجریه و بهبود عملکرد پارلمان. این امر اغلب مورد استفاده قرار گرفته و عمدتاً بر اساس «دلایل متقاعد کننده» که قانون اساسی نیازمند آن است، نیست. در حال حاضر، رای عدم اعتماد برای مسائل مهم به اندازه امنیت ملی و مسائل بی اهمیت مانند استفاده از وسایل نقلیه حکومتی توسط نمایندگان پارلمان مورد استفاده قرار می گیرد. یک نماینده پارلمان بیان داشت که نمایندگان پارلمان سعی کرده اند وزیر ترانسپورت را استیضاح نموده و او را عزل نمایند، زیرا از نمایندگان پارلمان خواسته بود تا از وسایل نقلیه حکومتی برای اهداف شخصی استفاده نکنند. بنابراین، مسائلی که پارلمان میتواند به استیضاح و رای عدم اعتماد رجوع کند، باید روشن و محدود به آن موارد خاص باشد.

الزام اعضای پارلمان برای دادن رای اعتماد به صورت آشکار

تاریخ افغانستان نشان می دهد که رای عدم اعتماد می تواند بی ثباتی قابل توجه و کندی عملکرد را به دنبال داشته باشد چرا که وزرای حکومت به طور مداوم در حال تغییر هستند. برای جلوگیری از این وضعیت، این مقاله توصیه می نماید که نمایندگان پارلمان باید ملزم به دادن رای اعتماد به صورت آشکار گردند. در حال حاضر رای اعتماد و رای عدم اعتماد به صورت مخفی داده می شود. یک کارشناس اظهار داشت که گاهی اوقات اتفاق می افتد که وزیر «خوب» عزل و وزیر «بد» باقی می ماند. اکثر کارشناسان بر این باورند که محرم بودن رای اعتماد و عدم اعتماد، زمینه رشوه و فساد سیستماتیک در پارلمان را فراهم کرده است. رای دهی آشکار در مواقع رای اعتماد و عدم اعتماد به جلوگیری از رشوه کمک نموده و ممکن است به وزرای «خوب» کمک کند تا به کار خود ادامه دهند.

تشویق پارلمان برای استفاده از حق خود در تشکیل گروه های پارلمانی و استفاده از تمامی صلاحیت های خود

پارلمان افغانستان به طور قابل توجهی متلاشی می باشد؛ زیرا قانون انتخابات برای احزاب سیاسی مجلسی برای برگزاری انتخابات پارلمانی در نظر نگرفته است. با این حال، برای پر کردن این شکاف، اصول وظایف داخلی ولسی جرگه مجوز تشکیل گروه های پارلمانی را صادر می کند. در عمل، نمایندگان پارلمان، به دلیل فقدان ساز و کار سازنده برای تشکیل گروه، موفق به تشکیل گروه های پارلمانی نشدند. اصول وظایف داخلی ولسی جرگه به لحاظ مکانیزم مورد نیاز برای تشکیل و تداوم گروه های پارلمانی مبهم است. اصول وظایف داخلی ولسی جرگه باید اصلاح شود تا مکانیزم های واضح و مولد برای تشکیل گروه های موثر پارلمانی را شامل شود.

به همین ترتیب، پارلمان باید بیشتر از تمام قدرت نظارت اش استفاده کند. اگر چه برخی از قدرت های نظارتی به کرات مورد استفاده قرار گرفته است، اما از تمامی قدرت های آن استفاده به عمل نیامده است. به عنوان مثال، ولسی جرگه به ندرت از حق خود برای تشکیل کمیسیون ویژه برای بررسی اقدامات حکومت استفاده می کند. برای اجرای مؤثرتر این حق، پارلمان باید مکانیزم های لازم را اتخاذ کند و از کارهایی که کمیسیون انجام داده تعقیب نموده و به جلسات عمومی پارلمان گزارش دهد.

قوه مجریه باید به تصمیمات پارلمان احترام بگذارد

این درست است که پارلمان به دلیل عدم پیشبرد وظایفش مسئول می باشد، با این حال، نباید نقش قوه مجریه را نادیده گرفت. قوه مجریه به طور مرتب در امور پارلمانی، از جمله در انتخابات مجلس، دخالت می کند. یک رابطه اجرایی-تقنینی سازنده نهادینه نخواهد شد، مگر اینکه قوه مجریه به تصمیمات پارلمان احترام گذاشته و به جای ایجاد موانع بر استقلال و اقتدار پارلمان برای بهبود مشروعیت دموکراتیک آن عمل کند.

ضمیمه ۱: کمیسیون های داخلی ولسی جرگه و مشرانو جرگه

کمیسیون های داخلی ولسی جرگه

| شماره | کمیسیون | رئیس | معاون | منشی |
|-------|---|-------------------------|-------------------------|------------------------|
| ۱ | امور بین المللی | حاجی زمرک پادخوانی | الحاج محمد داود کلکانی | فریده حمیدی |
| ۲ | امور داخلی | انجنیر اقبال صافی | حاجی عبدالحی اخندزاده | شکیبا هاشمی |
| ۳ | امور دفاعی | نثار احمد غوریانی | علی اکبر قاسمی | انجنیر نفیسه عظیمی |
| ۴ | مالی و بودجه | محمد عظیم محسنی | ذکبه سنگین | صادقی زاده نیلی |
| ۵ | سمع شکایات | عبیدالله بارکزی | عبدالجبار تخاری | الحاج امیر جان دولت زی |
| ۶ | امور تقنینی | فرهاد عظیمی | عبدالستار خواصی | احمد بهزاد |
| ۷ | جامعه مدنی، حقوق بشر و امور زنان | فوزیه کوفی | مسعوده کروخیل | عزیزه جلیس |
| ۸ | عدلی و قضایی | سید محمد حسن شریفی | محمد سرور عثمانی فراهی | معصومه خاوری |
| ۹ | اقتصاد ملی | میر رحمان رحمانی | انجنیر منور شاه بهادری | رنگینه کارگر |
| ۱۰ | مواصلات و مخابرات | قیس حسن | حاجی محمد فرهاد صدیقی | موسی خان نصرت |
| ۱۱ | امور دینی و فرهنگی | کمال ناصر اصولی | خلیل الله شهید زاده | لیلما حکیمی |
| ۱۲ | منابع طبیعی و محیط زیست | محمد نعیم لالی حمیدی زی | الحاج جنرال نقیب الله | چمن شاه اعتمادی |
| ۱۳ | امور کوچی ها، امور اجتماعی، شهدا و معلولین، | حاجی شیرعلی احمدزی | الحاج حبیب الرحمن افغان | حمیده احمدزی |
| ۱۴ | منابع طبیعی و محیط زیست | الحاج صفی الله مسلم | ریحانه آزاد | عبدالرحمن شهیدایی |
| ۱۵ | تفتیش مرکزی و محاسبات عامه | محمد حسین فهمی | داکتر ظهیر سعادت | آصفه شادات |
| ۱۶ | کمیسیون حقوق امتیازات و مصنویت | مولوی احمد الله موحد | شریف الله کاموال | طاهره مجددی |
| ۱۷ | صحت، تربیت بدنی، جوانان، مبارزه با مواد مخدر و مسکرات | داکتر مجیب الرحمن خمکنی | محمد صالح سلجوقی | |

کمیسیون های داخلی مشرانو جرگه

| شماره | کمیسیون | رئیس | معاون | منشی |
|-------|--|---------------------------|----------------------|-----------------|
| ۱ | (امور دینی، فرهنگی، معارف، تحصیلات عالی و تحقیقات علمی) | عبدالطیف نهضت یار | لیلما احمدی | میربهادر واصفی |
| ۲ | (امور بین المللی) | انجنیر احمد جاوید رووف | محمد عثمان رحمانی | فوزیه سادات |
| ۳ | اقتصاد ملی، مالی و بودجه (انکشاف دهات، زراعت و مالداري، انجوها، بانکها و تفتیش امور مالی) | محمد عظیم قویاش | صالحه مهرزاد | نادر صفری |
| ۴ | امور تقنینی، عدلی و قضایی (نظارت حقوقی، حقوق بشر، اصلاحات اداری و مبارزه با فساد اداری) | مولوی غلام محی الدین منصف | الحاج محمدحسن هوتک | عزیزه مصلح |
| ۵ | رفاه عامه (منابع طبیعی و محیط زیست، صحت، کار و کارگر، تربیت بدنی و سره میاشت) | نثار احمد حارس | طیبه زاهدی | سارا سرخابی |
| ۶ | مواصلات و مخابرات (انکشاف شهری، تهیه مسکن، ترانسپورت، هوانوردی، فواید عامه، انرژی و آب و شاروالی کابل) | لطف الله بابا | محمد رحیم حسن یار | گلالی اکبری |
| ۷ | (سمع شکایات) | محمد حنیف حنفی | گل احمد اعظمی | محمد قیس وکیلی |
| ۸ | (شوراهای ولایتی، ولسوالیها و مصونیت و امتیازات اعضای جرگه) | قاری میرحاتم تره خیل | حاجی رحمت الله اچکزى | |
| ۹ | (امور اقوام، قبايل، سرحدات و کوچیها) | داکتر محمد آجان منگل | روشن آرا الکوزی | رئیس فریده کوچی |
| ۱۰ | کمیسیون امور دفاعی و امنیت داخلی (ارگانهای محلی، مبارزه با مواد مخدر و مسکرات) | محمد هاشم الکوزی | زنا ترین | فاطمه اکبری |
| ۱۱ | امور زنان و جامعه مدنی | صدیقه بلخی | سهیلا شریفی | نبیه مصطفی زاده |
| ۱۲ | معلولین، فرزندان شهدا و بیجاشدگان | بی بی حاجی نفیسه سلطانی | عبدالباقی بریال | میربهادر واصفی |

ضمیمه ۲: ترکیب سطح دانش اعضای ولسی جرگه

| سطح علمی | فیصدی | تعداد |
|--|-------|-------|
| تعلیمات خصوصی/ تعلیمات مدرسه | ۱,۲٪ | ۳ |
| ابتدایی/ زیر صنف ۱۲ | ۱,۲٪ | ۳ |
| فارغ التحصیل مکتب | ۴۰٪ | ۹۸ |
| فارغ التحصیل صنف ۱۴/ فارغ التحصیل مکتب به همراه دو سال آموزش تخصصی | ۷,۲٪ | ۱۸ |
| لیسانس | ۴۲٪ | ۱۰۶ |
| ماستر | ۷,۶٪ | ۱۹ |
| داکتر | ۰,۸٪ | ۲ |

منبع:

مؤسسه تحقیقاتی زنان، صلح و امنیت، «گزارش ارزیابی عملکرد و شفافیت مجلس نمایندگان و مطابقت آن با قوانین افغانستان ۲۰۱۰-۲۰۱۳». (۲۰۱۴). <http://afghandata.org>. ۸۰۸۰: /jsui/bitstream/azu/۸۰۸۰/۱۷۸۶۸/۱۷۳۵/_6_az_u_acku_pamphlet_hq.pdf_۲۰۱۴_a۸۷۴

منابع و مأخذ

اصول وظایف داخلی مشرانو جرگه، ((۲۰۱۷، ماده ۲۴، قابل دسترس در <http://mj.parliament.af/english.aspx>، (دسترسی در تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۱۸)

اصول وظایف داخلی، ولسی جرگه، ماده ۱۸ (۲۰۰۷)، قابل دسترس در: <http://wj.parliament.af/english.aspx>، (دسترسی در تاریخ ۱۵ جون ۲۰۱۸).

اصولنامه ی دولت علیه ی افغانستان [قانون اساسی افغانستان] (۱۳۰۱) [۱۹۲۳]، ماده های ۳۰-۴۹.

اصولنامه ی دولت علیه ی افغانستان [قانون اساسی افغانستان] ۱۹۲ (سال ۱۳۰۱)، مواد ۲۷ تا ۳۹.

اکرم گیزی، مشرانو جرگه در حال شکل گیری است، هندوها و سیک های افغانی: فرهنگ، مذهب، تاریخ و اخبار (۱۶ دسامبر ۲۰۰۵)، قابل دسترس در: <https://afghanhindu.wordpress.com/>، /۱۲/۲۰۰۵/، [۲۸ دسامبر ۲۰۱۸].

امین طرزی، «اسلام و مشروطه خواهی در افغانستان»، مجله مطالعات پارسی ۵ (۲۰۱۲)، ۲۴۳-۲۰۵، ۲۱۱-۲۰۷.

آنا لارسون، احزاب دموکراتیک جدید افغانستان: ابزار سازمان دهی دموکراتیک؟ (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مجموعه مقالات خلاصه مقاله، ۲۰۰۹).

آنا وردزورث، «موضوع منافع: جنسیت و سیاست حضور در ولسی جرگه افغانستان» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۵)، vii.

اندرو رایینولدز و جان کری، «اصلاح سیستم انتخاباتی افغانستان و گزینه های اصلاحات» (کابل، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۲)، ۱۰۶.

اندرو ریولز، «سیستم های انتخاباتی امروز: نمونه نادر از افغانستان»، مجله دموکراسی ۱۷، شماره ۲ (۲۰۰۶)، ۱۱۷-۱۰۴، ۱۰۶.

اندرو وایلدز، تجزیه و تحلیل انتخابات سال ۲۰۰۵ افغانستان» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۵)، ۱.

آندریا فلشنبرگ، «پارلمان افغانستان در ایجاد: تفاهم جنسیتی و روش های سیاسی در یک کشور انتقالی» (UNIFEM ۲۰۰۹).

بارنت روبین، «ایجاد یک قانون اساسی برای افغانستان»، مجله دموکراسی ۱۵ (۲۰۰۵)، ۱۹-۵، ۱۲؛ کترین آدینی، «طراحی قانون اساسی و اهمیت سیاسی هویت جامعه در افغانستان، سروی آسیایی ۴۸ (۲۰۰۸)، ۵۵۷-۵۳۵، ۵۴۱.

بارنت روبین، «ایجاد یک قانون اساسی برای افغانستان»، مجله دموکراسی ۱۵ (۲۰۰۵).

بنگرید ولسی جرگه، گروه های پارلمانی، گروه پارلمانی اعتماد، قابل دسترس در: <http://wolesi.website/pve/showdoc>. ۲۰۴۳=Id.aspx

به سارا بیرچ، سیستم های انتخاباتی و تحولات سیاسی در اروپا پس از کمونیست، (Palgrave Macmillan، ۲۰۰۳).

به مجلس کمیسیون بررسی حقوق زنان را ایجاد کرد، خبرگزاری طلوع {۲۰ می ۲۰۱۳} قابل دسترس در <http://prod.tolonews.com/afghanistan/parliament-set-commission-review-women-rights-law>، (دسترسی به ۱۵ جون ۲۰۱۸).

پیپا نوریس، «انتخاب سیستم های انتخاباتی: سیستم های تناسبی، اکثریت و ترکیبی»، مجله بین المللی علوم سیاسی، شماره ۱۸. ۳ (۱۹۹۷)، ۲۹۷-۳۱۲. میشل گالاگر و پاول میچل. سیاست سیستم انتخاباتی (نیویورک، دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۵).

توافق بین دو تیم بر روی ساختار دولت وحدت ملی، لس آنجلس تایمز (۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴)، قابل دسترس در <http://documents.latimes.com/agreement-between-two-campaign-teams-regarding-structure> / (در تاریخ ۱۵ جون ۲۰۱۸)

توافق نامه بن (۲۰۰۱)، ماده ۲. (۱).

توماس راتینگ، «پارلمان مجدداً با وزیران مبارزه می کند: مبارزه قدرت چند بعدی» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۶).

توماس راتینگ، «پارلمان مجدداً با وزیران مبارزه می کند: مبارزه قدرت چند بعدی» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۶).

توماس راتینگ، «پارلمان مجدداً با وزیران مبارزه می کند: مبارزه قدرت چند بعدی» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۶).

توماس روتینگ و تیم AAN «افغانستان اکنون یک کابینه قانون اساسی دارد: ۱۱ کاندید وزارت رای اعتماد گرفتند»، (دسامبر ۲۰۱۷) قابل دسترس است در: <https://www.afghanistan-analysts.org/afghanistan-has-now-a/> (که در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۸ دریافت شد).

خبرگزاری طلوع، «ولسی جرگه قانون مجوز دادن امتیاز های جدید به پارلمان» را تصویب کرد (۱۲ جولای ۲۰۱۴)، قابل دسترس در <https://www.tolonews.com/afghanistan/lower-house-passes-law-giving-new-privileges-mps>. (به تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۸ دسترسی پیدا کرد).

خبرگزاری طلوع، لوی څارنوال یافته های کمیسیون ویژه را غیرقانونی خواند، (۹ جون ۲۰۱۳)، در <http://prod.tolonews.com/afghanistan/attorney-general-calls-special-commissions-decision-illegal> (دسترس در ۱۵ جون ۲۰۱۸).

خبرگزاری طلوع، لوی څارنوال یافته های کمیسیون ویژه را غیرقانونی خواند، (۹ جون ۲۰۱۳)، در <http://prod.tolonews.com/afghanistan/attorney-general-calls-special-commissions-decision-illegal>.

دمپسی، جان، تیر و الکساندر «حل بحران در تفسیر قانون اساسی در افغانستان». مرکز صلح موسسه صلح ایالات متحده (USIP). واشنگتن دی سی: انسیتوت صلح ایالات متحده، ۲۰۰۹. قابل دسترس در: [http://www.usip.org/sites/default/files/](http://www.usip.org/sites/default/files/USIP_0309_2.PDF)

رهبر افغانی مدت اعتبار مجلس را افزایش می دهد، به امید انتخابات جدید»، رویترز، ۱۹ جون ۲۰۱۵، <https://www.reuters.com/article/us-afghanistan-parliament/afghan-leader-extends-parliaments-term-promises-election-date-idUSKBN0OZ202201506119>

روزالیند دیکسون و تام گینسبرگ، «تصمیم گیری برای عدم تصمیم گیری: بازپرداخت در طراحی قانون اساسی»، مجله بین المللی حقوق اساسی مقایسوی، ۹، شماره ۳-۴ (۲۰۱۱)، ۶۳۶-۶۷۲، ۶۶۴.

رینر گروت، «تفکیک قوا در قانون اساسی جدید افغانستان»، ZaoRV ۶۴ (۲۰۰۴): ۸۹۷-۹۱۵.

سعید امیر ارجمند، «تحوالات قانون اساسی در افغانستان: دیدگاه تطبیقی و تاریخی»، ۵۳، شماره ۴ (۲۰۰۵).

سلیمه احمدی، «۲۰۱۵ عملکرد ولسی جرگه: حضور کم، نظارت صوری» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۶).

شمشاد پسرلی، «ایجاد قانون اساسی افغانستان در سال ۲۰۰۴: تاریخچه و تجزیه و تحلیل از طریق لنز هماهنگی و نظریه بازپرداخت»، دانشگاه واشنگتن، پایان نامه دکترای منتشر نشده (۲۰۱۶)، فصل چهارم.

شمشاد پسرلی، «رام سازی قدرت قضایی: سیستم متلاشی بررسی قضایی و تفسیر قانون اساسی در افغانستان»، مجله حقوق بین الملل میشیگان ۲۶، No. ۲ (۲۰۱۸)، ۲۴۵-۲۹۵، ۲۵۱-۲۵۰.

شمشاد پسرلی، «هنگامی که دادگاه تصمیم می گیرد تا تصمیم نگیرد: فهم دیوان عالی افغانستان برای تصمیم گیری سرنوشت وزیران معزول»، مجله بین المللی حقوق اساسی مقایسوی، پست وبلاگ، (۲۲ مارچ ۲۰۱۷)، در دسترس است: <http://www.when-courts-decide-not-to-decide-understanding-the-afghan-supreme-courts-struggle-to-03/2017/i/connectblog.com> (accessed ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۸)

عبدالحی حبیبی، جنبش مشروطه خواهی در افغانستان (۱۳۸۷) [۱۹۹۹].

علی آقا مازدی و نوروز راجا، نقض قانون اساسی در ۱۳ سال، (کابل: خانه آزادی افغانستان، ۲۰۱۶)

علی یارآیدی و مارتین ون بیگلرت، «قانون جدید ناقص انتخابات افغانستان: تغییرات و اختلافات» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۷).

علی یاور عادل، «فتنه انتخاباتی افغانستان (۵): تقاضای دیر برای تغییر نظام انتخاباتی» (مارچ ۲۰۱۸)، قابل دسترس در: <https://www.afghanistan-analysts.org/afghanistan-election-conundrum-5->

- علی یاورعادلی، سلیمه احمدی، لانی لینکه و کیت کلارک، «مانع دیگری برای انتخابات سال ۲۰۱۶: نمایندگان مجلس نمایندگان، فرمان ریاست جمهوری در مورد کمیسیون انتخابات را رد کردند» (شبکه تحلیلگران افغانستان ۲۰۱۶).
- غزال حارس، «بازنگری قضایی در افغانستان: یک عمل ناقص» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۷).
- غزال حارس، «بررسی شکایات انتخاباتی: افغانستان و خطرات عدم انطباق با قانون اساسی، مطالعه موردی: محکمه خاص انتخاباتی ۲۰۱۰» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۴).
- فرمان اصلاحات انتخاباتی نیازی به تصویب مجلس ندارد» اخبار پژواک افغانستان (۱۲ جون ۲۰۱۶). <https://www.pajhwok.af/news/2016/06/12/99percent-need-parliament-approval-for-electoral-reform-decree-doesnt-need-parliament-approval/> (دسترسى در ۱۳ جولای ۲۰۱۸).
- فرید حامدی و آرونی جایاکودی، «تفکیک قوا در قانون اساسی افغانستان: مطالعه موردی» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۵).
- قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)، ماده ۹۵.
- قانون اساسی افغانستان، جریده رسمی شماره ۱۹۷۷ ۳۶۰ (۱۳۵۵ S۷)، فصل هفتم.
- قانون اساسی افغانستان، جریده رسمی شماره ۱۲ (۱۳۴۳) [۱۹۶۴]، فصل ۴.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، جریده رسمی شماره ۸۱۸ (۱۳۸۲) [۲۰۰۴]، فصل ۳.
- قانون رسانه های همگانی ماده ۱۳ [Official Gazette No. ۹۸۶] ۲۰۰۹.
- قانون کارکنان دیپلماتیک و کنسولی، ماده های ۵ (۱) و ۸، جریده رسمی شماره ۱۱۰۵ (۲۰۱۴).
- کارول وانگ «حاکمیت قانون در افغانستان: ایجاد چارچوب قانون اساسی برای پاسخگویی محلی»، مجله حقوق بین الملل هاروارد ۵۵ (۲۰۱۴): ۲۱۱-۲۴۹، ۲۱۸-۲۱۹.
- کاوون کاکر، توماس کرمر و همایون رئوفی، «تکامل قوه اجرایی در افغانستان: نگاهی به گذشته و سفارشات به آینده» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۷)، ۴.
- کاوون کاکر، توماس کرمر و همایون رئوفی، «تکامل قوه اجرایی در افغانستان: نگاهی به گذشته و سفارشات به آینده» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۷)، ۳۴.
- کنت کاتزمن، «افغانستان: سیاست، انتخابات و عملکرد دولت» (واشنگتن دی سی، خدمات تحقیقاتی کنگره، ۲۰۱۵)، ۷، قابل دسترس است در <https://fas.org/sgp/crs/row/RS۲۱۹۲۲.pdf>; (در تاریخ ۱۷ جون ۲۰۱۸ دسترسى).
- گران هیواد، توماس روتینگ و کلودیو فرانکو، «ارتباط معادل - و بدتر: تاریخچه طولانی خصومت میان مجلس و دولت» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۳).
- لودویگ و. آدمیک، «روابط مصر با افغانستان»، دایره المعارف ایرانیکا VIII / ۳ ۱۹۹۸، قابل دسترس در: <http://www.iranicaonline.org/articles/egypt-x> در تاریخ ۱۱ جولای ۲۰۱۸.
- لویی دویری، افغانستان، انتشارات پرینستون، دانشگاه پرینستون، (۱۹۷۳) ۴۹۴.
- مارتین آوانس، افغانستان: تاریخچه کوتاهی از مردم و سیاست (نیویورک: هارپر کالینز، ۲۰۰۲)، ۱۲۵.
- ماروین ج. واینوم، «افغانستان: دموکراسی پارلمانی غیر حزبی»، مجله مناطق در حال توسعه ۷، شماره ۱ (۱۹۷۲): ۵۷-۷۴، ۵۸.
- ماروین ج. واینوم، «به سوی یک مجلس موثرتر» (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۲).
- محمد حسن کاکر، «زوال سلطنت در سال ۱۹۷۳»، مجله بین المللی مطالعات خاورمیانه ۹، شماره ۲ (۱۹۷۸)، ۱۹۵-۲۱۴.
- محمد هاشم کمالی، «ده سال پس از تصویب قانون اساسی افغانستان: مسائل اصلی کدام ها اند؟» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۴)، ۹.

محمد هاشم کمالی، «ده سال پس از تصویب قانون اساسی افغانستان: مسائل اصلی کدام ها اند؟» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۴)، ۹.

محمد هاشم کمالی، رابطه بین مجلس و قوه مجریه و مسئله تفسیر قانون اساسی در طول حکومت کرزی، (کابل: سازمان حاکمیت قانون حمیده برمکی، مقاله کاری ۲۰۱۵)، ۲۴، در http://www.hborl.org.af/wp-content/uploads/Kamali_Relations-between-between-executive-and-parliament-and-constitutional-Interpretation.pdf ۰۱-۲۰۱۵-WP.

مشرانو جرگه، گروه های پارلمانی، گروه پارلمانی ملی در حفاظت از قانون، در <http://www.meshran.website/pvd/document>، ۲۹=Cat.aspx

مواد بایگانی در فرآیند پیش نویس قانون اساسی ۲۰۰۴، سوابق بحث در کمیسیون پیش نویس قانون اساسی و کمیسیون بازنگری قانون اساسی (۲۰۰۲-۲۰۰۴) [موجودیت فایل نزد یکی از نویسندگان].

مؤسسه تحقیقاتی زنان، صلح و امنیت، «گزارش ارزیابی عملکرد و شفافیت مجلس نمایندگان و مطابقت آن با قوانین افغانستان ۲۰۱۰-۲۰۱۳» (۲۰۱۴). <http://afghandata.org> /azu/۸۰۸۰:jsui/bitstream/۱۷۸۶۸/۱۷۳۵/۱/azu_acku_pamphlet_hq۱۷۳۵. w.pdf_۲۰۱۴_a۸۷۴

نفیه چوودوری و محمد عرفانی، «اصلاحات انتخاباتی و تجربه انتخابات پارلمانی در افغانستان: گزارش جامع»، مطالعات اصلاحات سیاسی سیستماتیک ۶۹ (کابل، موسسه مطالعات استراتژیک افغانستان، ۲۰۱۸).

نیلوفر صدیقی، «ارتقاء احزاب سیاسی و قانونگذاری مستقل در افغانستان»، شماره ۴ (۲۰۱۳).

واینوم، «افغانستان: دموکراسی پارلمانی غیر حزبی»، ۵۸.

واینوم، «افغانستان: دموکراسی پارلمانی غیر حزبی»، مجله مناطق در حال توسعه ۷، شماره ۱ (۱۹۷۲).

جلینا بجلیکا و روح الله سروش، «ناکامی در آیین دادرسی: چگونه به یک قضیه فساد در پارلمان پرداخته نشد (کابل: شبکه تحلیلگران افغان، ۲۰۱۸).

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می‌خواهد تا از پیشنهادات شما به عنوان استفاده کنندگان منابع تحقیقاتی این نهاد مستفید شود. شما چه خواننده دایمی انتشارات ما باشید، چه در یکی از ورکشاپ‌ها یا سخنرانی‌های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و یا جدیداً با این سازمان آشنا شده باشید. نظریات و پیشنهادات شما برای ما ارزشمند است. نظریات شما برای ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین وجه تعقیب نموده و یافته‌های کاری خود را به شکل بهتر با خوانندگان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. سهل‌ترین راه برای ارائه پیشنهادات شما استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. areu@areu.org.af

شما نیز می‌توانید هر نظری که دارید از طریق شماره ۷۹۹۶۰۸۵۴۸ (+۹۳) در میان بگذارید. اما بعضی اطلاعات که عمدتاً برای ما سودمند خواهند بود عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می‌کنید. (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات و غیره)؟
- به چه منظور از تحقیقات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می‌کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را بدست می‌آورید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده میکنید یا نسخه چاپی؟
- چگونه انتشارات میتوانند اطلاعات را به شکل بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما در مورد روند تحقیقاتی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد‌های مورد علاقه شما در واحد تحقیق ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کار‌های را بهتر میتوانیم انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است؟
- عرصه علاقمندی، اشتغال، مطالعه و موقعیت تان؟

لیست نشریات اخیر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تمام نشریات در وب سایت www.areu.org.af قابل دسترسی اند و اکثر آنها به صورت نسخه چاپی رایگان در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موجود میباشد.

| تاریخ | نام نشریه | نویسنده | موجود به زبان دری | موجود به زبان پشتو | موضوع تحقیق | نوع نشریه |
|--------------|---|--|-------------------|--------------------|--------------------|--------------------------|
| جنوری ۲۰۱۹ | نقش دولت در مدیریت کوچی گری و نزاع بین کوچی ها-دانشین ها | داکتر انتونو جیستوزی | | | حمایت اجتماعی | مقاله تحلیلی |
| دسامبر ۲۰۱۸ | سازمان و تشکیلات اداره عامه در پرتو قانون اساسی ۲۰۰۴ افغانستان | میرویس ایوبی، داکتر هارون رحیمی | ✓ | | قانون اساسی | مقاله تحلیلی |
| دسامبر ۲۰۱۸ | سازمان و تشکیلات اداره عامه در پرتو قانون اساسی ۲۰۰۴ افغانستان | میرویس ایوبی، داکتر هارون رحیمی | | | قانون اساسی | پالیسی نامه |
| نوامبر ۲۰۱۸ | خشک و دور از آب: کشت خشکاش و آینده ی ساکنان مناطق دشتهای جنوب غربی افغانستان | دیوید منسفیلد | ✓ | ✓ | مقاله تحلیلی | مدیریت منابع طبیعی |
| اکتوبر ۲۰۱۸ | نوسان بین امید و ناامیدی: رفتار رای دهی شهروندان کابل در انتخابات ولسی جرگه ۲۰۱۸ | محمد مهدی ذکی، صدیقه بختیاری و حسن وفایی | | | مختصرنامه | حکومنداری و اقتصاد سیاسی |
| اکتوبر ۲۰۱۸ | دست بردن به خانه زنبور: مردم روستایی هلمند مبارزات ضد شورشگری را چطور میبینند | دیوید منسفیلد | ✓ | ✓ | مقاله تحلیلی | مدیریت منابع طبیعی |
| سپتامبر ۲۰۱۸ | اهداف توسعه پایدار مربوط به صحت و نقش مراکز تحقیق پالیسی: ایجاد تحرک در جنوب آسیا | سید احمد میثم نجفی زاده | | | گزارش | حمایت اجتماعی |
| سپتامبر ۲۰۱۸ | خشونت مبتنی بر جنسیت در میان کودکان بی جا شده داخلی در کابل: اقداماتی که باید انجام شود | لیه ویلفریدا و چونا چاوز | | | پالیسی نامه | حمایت اجتماعی |
| اگست ۲۰۱۸ | سیاست ها در ماورای شواهد: مورد سوال قرار دادن ارتباط میان ارائه خدمات و مشروعیت دولت در افغانستان | اشلی جسکن و اورخلا نعمت | ✓ | | مقاله تحلیلی | حمایت اجتماعی |
| جولای ۲۰۱۸ | افراطگرایی و فعال: افراطگرایی در بین محصلان پوهنتون در کابل هرات | ویدا مهران | | | پالیسی نامه | حمایت اجتماعی |
| می ۲۰۱۸ | ارزیابی تأثیر EUPOL در اصلاحات پلیس افغانستان | قیوم سروش | | | | حمایت اجتماعی |
| می ۲۰۱۸ | آب هرچه عمیق تر، آرام تر: کوکنار نا مشروع و تحول دشت های جنوب غرب افغانستان | دیوید منسفیلد | ✓ | ✓ | مدیریت منابع طبیعی | مقاله تحلیلی |
| جوت ۱۳۹۶ | مصنویت شهری: برنامه بازیابی بنای صلح شهری در افغانستان | یما ترابی | ✓ | ✓ | حمایت اجتماعی | پالیسی نامه |
| جنوری ۲۰۱۸ | مطالعه بازنامی: میکانیزم های نهادی برای مهار کردن قاچاق انسان در افغانستان | ولی محمد کنديوال | | | حمایت اجتماعی | پالیسی نامه |

| | | | | | | |
|------------------|--|---|---|--|--|------------|
| نشریه تحلیلی | حمایت اجتماعی | | | سوپرو نراسیمهیا | مطالعه بازنمایی: میکانیزمهای نهادی برای مهار کردن قاچاق انسان در افغانستان | مارچ ۲۰۱۸ |
| نشریه تحلیلی | مدیریت منابع طبیعی | ✓ | ✓ | داکتر انتونیو گیتوزی | نوع شناسی منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان | جنوری ۲۰۱۸ |
| چکیده | حمایت اجتماعی و معیشت | ✓ | ✓ | داکتر انتونیو گیتوزی | خلاصه ای در مورد منازعه کوچی و باشندگان محل در افغانستان | عقرب ۱۳۹۶ |
| پالیسی نامه | قانون اساسی | ✓ | ✓ | غزال حارس | باز نگری قضایی در افغانستان | اسد ۱۳۹۶ |
| پالیسی نامه | قانون اساسی | ✓ | ✓ | کاوون کاکر، توماس کریمیر، همایون رثوفی | تکامل قوه اجرائیه در افغانستان: نگاهی به گذشته و پیشنهادهایی در مورد راه پیشرو | اسد ۱۳۹۶ |
| پالیسی نامه | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | ✓ | ✓ | دتلیف کامیر، ذبیح الله عیسی | حکومتداری شهری: ارزیابی برنامه انکشاف شهری در افغانستان | جوزا ۱۳۹۶ |
| پالیسی نامه | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | ✓ | ✓ | جاوید نورانی | حکومتداری معادن: سیستم مؤثر جمع آوری عواید صنایع استخراجی در افغانستان | جوزا ۱۳۹۶ |
| پالیسی نامه | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | ✓ | ✓ | ولی محمد کندیوال، هلن سی سی | حکومتداری مهاجرت: تکامل مفاهیم و چارچوب نهادی در افغانستان | جوزا ۱۳۹۶ |
| مقاله مسأله محور | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | ✓ | ✓ | سید حشمت الله هاشمی، گیرهارد لاوت | اصلاحات خدمات ملکی در افغانستان: نقش و وظایف سکتور خدمات ملکی | حمل ۱۳۹۶ |
| نشریه تحلیلی | برنامه ریزی، بودجه گذاری و حکومتداری در سطح ولایتی | | | نعمت الله بیژن، فرحت امیل و هارون نایب خیل | نزدیک ساختن دولت با مردم: غیرمتمرکز ساختن پلانگذاری و بودجه سازی | جولای ۲۰۱۶ |
| نشریه تحلیلی | جامعه مدنی و حکومتداری | | | اورخلا اشرف نعمت و کرین ورنر | نقش جامعه مدنی در ترویج حکومتداری خوب در افغانستان | جولای ۲۰۱۶ |
| نشریه تحلیلی | معادن و حکومتداری | | | جاوید نورانی و لین دی بروکر | اقدام متوازن کننده برای حکومتداری سکتور منابع | می ۲۰۱۶ |

ISBN 978-9936-641-22-8



9 789936 641228

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

ناحیه ۱۰، سرک ۱، فیز A، شهر نو

کابل، افغانستان

شماره تماس: ۷۹۹ ۶۰۸ ۵۴۸ (۰) ۹۳+

ایمیل: publications@areu.org.af

وبسایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را میتوانید از صفحه انترنی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را میتوانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
بدست آورید.

